



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد سمنان

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته الهیات و معارف اسلامی – فقه و مبانی حقوق

موضوع:

جایگاه حجاب و عفاف در حقوق شهروندی

استاد راهنما:

دکتر مریم آقایی بجستانی

استاد مشاور:

دکتر محمد روحانی مقدم

نگارش:

صدیقه رستمیان

سال تحصیلی:

۱۳۸۹-۱۳۹۰



Islamic Azad university

Semnan unit

A dissertation for M.A

*The course :Theology and Islamic cognitions-wisdom
and islamic law doctrines*

Subject:

The position of veil and virginity in citizenship rights

Leader professor:

Dr. Maryam Aghaie Bajestani

Advisor professor:

Dr. Mohammad Rohani Moghadam

Composed by:

Sedighe Rostamian

Educational Term:

1389 – 90

سپاسگزاری

خدا را سپاس که توفیق داد گامی هر چند کوتاه در مورد حجاب و عفاف که حکم الهی و نیاز جامعه بشری است بردارم.

تشکر می کنم از زحمات بی شائبه استاد گرانقدر، سرکار خانم دکتر مریم آقایی بجستانی استاد راهنما و آقای دکتر محمد روحانی مقدم، مشاور محترم که در انجام این پژوهش مرا یاری دادند.

و نیز همسر گرامی و فرزندان دلبندم که صبورانه با من همکاری کردند.

امید است مقبول درگاه حق تعالی و مفید حال بندگان خدا باشد.

تقدیم به :

مظهر حجاب و عفاف ، اسوه صبر و حیا

حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها



شماره

تاریخ

پیوست

باسمه تعالی

تعهد نامه اصالت رساله پایان نامه تحصیلی

اینجانب صدیقه رستمیان دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد نا پیوسته / دکتری تخصصی در رشته الهیات و معارف اسلامی - فقه و مبانی حقوق که در تاریخ از پایان نامه / رساله خود تحت عنوان: جایگاه حجاب و عفاف در حقوق شهروندی

با کسب نمره و درجه دفاع نموده ام: بدین وسیله متعهد می شود:

- ۱) این پایان نامه / رساله حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط ورودیه موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست مربوطه ذکر و درج نموده ام.
- ۲) این پایان نامه / رساله قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی ارائه نشده است.
- ۳) چنان چه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرذ گونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و از این پایان نامه یا رساله داشته باشم، از معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.
- ۴) چنان چه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را می پذیرم و دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچ گونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی: صدیقه رستمیان

تاریخ و امضاء

فهرست

صفحه	عنوان
۱	چکیده
۲	مقدمه
۴	فصل اول : کلیات و مفاهیم
۵	۱-۱ کلیات
۵	۱-۱-۱ بیان مسئله
۶	۱-۱-۲ پیشینه ی تحقیق
۸	۱-۱-۳ اهمیت و ضرورت تحقیق
۱۰	۱-۱-۴ اهداف تحقیق
۱۰	۱-۱-۵ روش کار و تحقیق
۱۱	۲-۱ مفاهیم
۱۱	۱-۲-۱ معنای لغوی حجاب
۱۲	۲-۲-۱ معنای اصطلاحی حجاب
۱۳	۳-۲-۱ معنای لغوی عفاف
۱۴	۴-۲-۱ معنای اصطلاحی عفاف
۱۵	۵-۲-۱ معنای لغوی حقوق شهروندی
۱۶	۶-۲-۱ معنای اصطلاحی حقوق شهروندی

۱۹	فصل دوم: اهمیت حجاب و عفاف
۲۰	۱-۲ تاریخچه حجاب و عفاف
۲۱	۱-۱-۲ حجاب در یونان و روم باستان
۲۱	۲-۱-۲ تاریخچه حجاب در ایران
۲۴	۱-۲-۱-۲ تاریخ مبارزه با حجاب در ایران
۲۴	۲-۲-۱-۲ حجاب در فرهنگ اسلامی ملی ایران
۲۵	۳-۱-۲ حجاب در ادیان الهی
۲۵	۱-۳-۱-۲ پوشش در آیین زرتشت
۲۶	۲-۳-۱-۲ پوشش در آیین یهود
۲۸	۳-۳-۱-۲ پوشش در آیین مسیح
۳۰	۴-۳-۱-۲ پوشش زنان عرب قبل از اسلام
۳۱	۵-۳-۱-۲ حجاب در شریعت اسلام
۳۳	۲-۲ حکم حجاب و ادله ی آن
۳۳	۱-۲-۲ حکم فقهی حجاب
۳۵	۲-۲-۲ ادله ی وجوب حجاب
۳۵	۱-۲-۲-۲ قرآن
۳۵	۱-۲-۲-۲ آیه ۳۱ سوره نور
۴۸	۲-۱-۲-۲-۲ آیه ۵۹ سوره احزاب
۵۱	۳-۱-۲-۲-۲ آیه ۶۰ سوره نور
۵۵	۲-۲-۲-۲ روایات
۶۳	۳-۲-۲-۲ سیره عملی زنان مسلمان

۶۷	۲-۲-۴- حجاب از نظر عقل
۶۹	۲-۲-۵- فطری بودن حجاب
۷۴	۲-۲-۶- اجماع
۷۴	۲-۳- فلسفه حجاب
۷۵	۲-۳-۱- معرف شخصیت زن
۷۶	۲-۳-۲- تامین امنیت اجتماعی
۷۷	۲-۳-۳- دفاع از شخصیت زن
۷۸	۲-۳-۴- بهداشت روانی
۷۹	۲-۳-۵- پیشگیری از ایجاد التهابات و هیجانی جنسی در جامعه
۸۰	۲-۳-۶- استیفای حقوق زن
۸۱	۲-۳-۷- حفاظت از کانون گرم خانواده
۸۲	فصل سوم: حجاب و عفاف و حقوق شهروندی
۸۳	۲-۱- حقوق شهروندی
۸۴	۳-۱-۱- شهروند و شهروندی
۸۴	۳-۱-۲- مؤلفه های شهروندی
۸۶	۳-۱-۳- جایگاه حقوق شهروندی در اسلام
۹۰	۳-۱-۴- آثار مثبت حجاب و عفاف در جامعه
۹۰	۳-۱-۴-۱- افزایش آرامش روانی در جامعه
۹۱	۳-۱-۴-۲- تاثیر حجاب در سلامت جسمی
۹۱	۳-۱-۴-۳- تاثیر حجاب در سلامت روحی
۹۲	۳-۱-۴-۴- حجاب و آزادی فکری و معنوی

- ۹۳ ۵-۴-۱-۳ تاثیر حجاب در حضور اجتماعی زنان
- ۹۴ ۶-۴-۱-۳ حجاب و حفظ استواری خانواده
- ۹۵ ۵-۱-۳ آثار منفی بی حجابی
- ۹۵ ۱-۵-۱-۳ آثار دنیوی بی حجابی
- ۱۰۰ ۲-۵-۱-۳ آثار اخروی بی حجابی
- ۱۰۳ ۲-۳ حق یا حکم بودن حجاب
- ۱۰۳ ۱-۲-۳ حق و ویژگی های آن
- ۱۰۴ ۲-۲-۳ تعریف حکم و ویژگی های آن
- ۱۰۵ ۳-۲-۳ معیارهای تشخیص موارد مشتبه بین حق و حکم
- ۱۰۶ ۴-۲-۳ حجاب، حکم الهی نه حق بشری
- ۱۰۸ ۳-۳ جرم انگاری بی حجابی در قانون مجازات اسلامی
- ۱۰۹ ۱-۳-۳ نقد تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی
- ۱۱۰ ۱-۱-۳-۳ عدم تعریف دقیق و کامل از حجاب
- ۱۱۱ ۲-۱-۳-۳ ابهام در تعریف معابر و انظار عمومی
- ۱۱۲ ۳-۱-۳-۳ عدم پیش بینی مجازات برای مردان
- ۱۱۳ ۴-۱-۳-۳ اکتفا نمودن رعایت حجاب به پوشش ظاهری
- ۱۱۳ ۵-۱-۳-۳ عدم انطباق کامل تبصره ماده با مبانی شرعی
- ۱۱۴ ۲-۳-۳ ماده ۳ قانون رسیدگی به تخلفات استفاده کنندگان از البسه خلاف شرع
- ۱۱۶ ۳-۳-۳ ماده ۲ آیین نامه اجرایی بازی های همبستگی بانوان کشورهای اسلامی
- ۱۱۸ ۴-۳-۳ بررسی سیره معصومین (ع) در برخورد با بی حجابی

۱۲۱	نتایج
۱۲۳	راهکارها و پیشنهادها
۱۲۶	پیوست
۱۳۷	منابع
۱۳۷	الف) منابع عربی
۱۴۱	ب) منابع فارسی
۱۴۵	چکیده انگلیسی

چکیده:

یکی از مسائل مهم جوامع بشری مقوله ی حجاب و پوشش است که از احکام متعالی اسلام نیز می باشد. در فقه امامیه در تعریف ((حجاب)) اجماع شده که عبارت است از آن که تمام بدن زن به جز صورت (وجه) و کفین در حکم عورت است و زن باید آن را از دید نا محرم بپوشاند و ((عفاف)) حالتی درونی و نفسانی است که غرایز را تعدیل و تحت کنترل خود در می آورد.

((حقوق شهروندی)) آمیخته ای از وظایف و مسئولیت شهروندان در قبال یکدیگر است و مساله ای پذیرفته شده در گفتمان فقهی-حقوقی ما است که با بحث کرامت انسانی گره خورده است، که این اصل مهم انسان را از ارتکاب گناهان و تعدی به حقوق دیگران باز می دارد.

مساله مهم این است که حجاب و عفاف در حقوق شهروندی از چه جایگاهی برخوردار است؟ لذا منظور از انجام این پژوهش بررسی این ارتباط و اثبات ضرورت رعایت حجاب و عفاف به عنوان یکی از حقوق شهروندان است.

نگارنده در پژوهش حاضر ضمن بیان تاریخچه حجاب، راز تفاوت پوشش زنان و مردان و فلسفه حجاب در اسلام، با استناد به آیات و روایات و آرای فقها، لزوم رعایت حجاب و عفاف را به عنوان یکی از ارکان مهم حقوق شهروندی و نقش آن در حفظ امنیت اجتماعی و سلامت روانی جامعه بررسی می کند. سپس با تعریف حقوق شهروندی و بیان مؤلفه های آن، عدم رعایت حجاب و عفاف را به دلیل آثار مخرب بی حجابی، نقض حقوق شهروندی دانسته و در مبحث بعدی مسئله حق یا حکم بودن حجاب بررسی شده است.

در ادامه تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی که رکن قانونی تشکیل دهنده جرم رعایت نکردن حجاب شرعی است مورد بررسی قرار گرفته است. سپس با ذکر نمونه هایی از سیره معصومین (ع) در برخورد با بی حجابی، ضرورت استخراج الزام های قانونی از الزام های اخلاقی، فرهنگ سازی و نهادینه کردن حجاب و عفاف در خانواده و جامعه پیشنهاد می شود.

واژگان کلیدی: حجاب، عفاف، حق، حقوق شهروندی، بی حجابی.

مقدمه:

یکی از احکام متعالی اسلام که آیات قرآن کریم به صورت دقیق به آن پرداخته است، حجاب و عفاف می باشد که با رعایت آن ضمن تأمین مصالح فردی زن و مرد به سلامت و نشاط جامعه و پویایی آن واستحکام خانواده کمک می نماید. حجاب سدی در برابر خواسته های انسان های زیاده خواه است که شیاطین با تمام وجود و با ابزارها و تکنیک های گوناگون در تلاش هستند این سدّ پولادین را بشکنند تا سیلاب فساد، جوامع اسلامی را در خود غرق کند و به راحتی هستی آنها را به یغما برند.

حفظ حرمت و کرامت انسان به ویژه کرامت زن برای اسلام یک اصل پذیرفته شده است و در تمام دستورات و احکام نورانی اسلام، این کرامت و قداست رعایت شده است و خداوند متعال فرموده است «ما بنی آدم را گرامی داشتیم و آن ها را در خشکی و دریا حمل کردیم، و از انواع روزی های پاکیزه

به آن ها روزی دادیم و بر بسیاری از خلق خود برتری بخشیدیم»^۱

قرآن کریم در موارد گوناگون و با عبارتهای متفاوت موضوع حجاب و عفاف را بیان کرده، آن را از ضروریات دین اسلام می داند و اگر کسی آن را انکار کند، منکر یک حکم ضروری شده است و انکار ضروریات دین به کفر می انجامد.

حجاب یک حق فردی نیست، بلکه در مرحله ی اوّل یک حق الهی و امر خداوند است و رعایت نکردن آن، زیر پا گذاشتن حق خداوند است و عذاب الهی را در پی خواهد داشت به ویژه اگر عده ای را با بی حجابی خود به فساد کشانده و عامل انحراف دیگران شده باشد.

این جا است که می توان به جایگاه حجاب در حقوق شهروندی نیز پی برد زیرا رعایت حجاب و عفاف یک حق مسلم اجتماعی است و زیان بی حجابی به جامعه بر می گردد، پس باید تمام افراد جامعه برای رسیدن به حقوق اجتماعی خود و سلامت جامعه اقدام کنند، به عبارت دیگر همه افراد جامعه حق دارند از آسایش و امنیت روحی و فکری بهره مند گردند. فطرت همه ی انسان ها به داشتن حجاب حکم می کند زیرا حجاب و عفاف باز دارنده بسیاری از التهابات و هیجانات روحی است و نبودن حریم میان زن و مرد، ترویج معاشرت های بی بند و بار و غیره، هیجان ها و التهاب های جنسی را فزونی می بخشد و چون ارضای این غریزه در تمامی موارد و به صورت دلخواه ممکن نیست. باعث بر هم خوردن تعادل روحی و اختلالات روانی در فرد می شود. دین مبین اسلام با تعدیل و رام کردن این التهابات از طریق محدود کردن نگاه، خضوع در کلام، پوشش مناسب و از همه مهم تر رعایت حجاب و عفاف در همه زمینه ها آرامش روحی و روانی را به ارمغان می آورد.

۱-اسراء، ۷۰ "وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا"

موضوع حجاب و عفاف در سده اخیر یکی از دغدغه های مهم فرهنگی جهان علی الخصوص جوامع اسلامی محسوب می شود که می تواند بسیاری از مناسبات اجتماعی ، فرهنگی و حتی اقتصادی و سیاسی بسیاری از جوامع را متأثر سازد ، از نظر تاریخی نیز حجاب و پوشش اسلامی از عمده ترین موانع گسترش حاکمیت فرهنگی ، اجتماعی و اقتصادی استعمار گران غربی بوده و از زمانهای گذشته تا به حال مخالفت های شدیدی با آن صورت گرفته است . این مسئله که امروزه در قالب تهاجم فرهنگی نمود پیدا کرده است ، رواج فساد و بی بند و باری و انحرافات فکری و اخلاقی را در پی داشته است و سلامت اجتماعی جوامع و کشور های اسلامی را تحت تأثیر قرار داده است .

به عبارت روشن تر ، حجاب و عفاف سنگر سعادت و پیروزی و رستگاری زنان و جامعه است که اگر این سنگر آسیب ببیند و یا فرو ریزد ، عوامل سعادت ، پاک زیستی و شرافت آن ها فرو ریخته و قطعاً آنها بدون این سنگر در سراسی بی سقوط و انحراف قرار گرفته و موجب آلودگی فرد و جامعه خواهند شد .

بنابراین مسأله حجاب و عفاف از سوی قرآن ارائه راهکاری است برای مردان و زنان آزادی که به این امر متعالی ایمان آورده و دوست دارند خود را از گزند آشوب های جنسی و نگاه های حرام در امان دارند .

فصل اول

کلیات و مفاهیم

۱-۱ کلیات

۱-۱-۱ بیان مسئله

از جمله مباحثی که همواره به عنوان یک موضوع مهم مطرح بوده و توجه جوامع بشری را به خود معطوف ساخته است مقوله ی حجاب و عفاف و تعیین حدود و ثغور آن است ، گرایش به حجاب و عفاف یک گرایش فطری در میان زنان و مردان است اما میزان و شکل آن رابطه ی مستقیمی با اخلاق و فرهنگ جوامع دارد . از سوی دیگر افرادی که در یک جامعه زندگی می کنند نسبت به هم حقوقی دارند . حق به عنوان زیبا ترین و پسندیده ترین واژه آفرینش در تمامی ادیان و جوامع بشری مورد توجه قرار گرفته است در واقع هر فردی از هر دو طبقه اجتماعی و از هر دین و ملیت ، نسبت به ادای حقوق دیگران مسئول است و این مطلب حق و حقوق را فرا زمانی و فرا مکانی می کند .

در واقع حقوق شهروندی آمیخته ای از وظایف و مسئولیت های شهروندان در قبال یکدیگر است و بشر حق سالم زیستن دارد و هیچ کس حق ندارد او را از این حق محروم کند . حقوق شهروندی مسئله ای پذیرفته شده در گفتمان فقهی و حقوقی ما است که با بحث کرامت انسانی گره خورده است کرامتی که در جزوه های حقوق بشر در نظام لیبرال شکل نگرفته است بلکه قرآن مجید از آن سخن می گوید که این آدم کرامت یافته ، شأن خلیفه الهی را دارد و بردوش امانتی دارد که آسمان و زمین بارش را نتوانسته به دوش کشد و این انسان با کرامت نیازمند نگاهی سرشار از تکریم است .

رعایت حقوق و آزادی های افراد که از حقوق شهروندی می باشد در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز مورد تأیید قرار گرفته است .

بند (۶) از اصل دوم ، کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او را در برابر خداوند از مبانی جمهوری اسلامی می داند .

بنداول از اصل سوم نیز ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی را از وظایف دولت دانسته است . و تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون یکی از تدابیری است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در زمینه ی برابری قضایی و افراد جامعه در نظر گرفته است ، تبلور این حمایت قانونی از حقوق حقه ی زن به عنوان عضو بی مثال جامعه و به رسمیت شناختن ((حق استفاده از حجاب)) قابل ستایش است .

در اصل بیستم قانون اساسی آمده است:

«همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه ی حقوق انسانی ، سیاسی، اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند یعنی :» (حق استفاده از حجاب) یکی از حقوق انسانی زن است که ریشه در فرهنگ و دین دارد که رعایت آن براساس اصول و موازین اسلامی است . «

منظور از انجام این تحقیق ، این است که ارتباط و جایگاه حجاب و عفاف در حقوق شهروندی مورد بررسی قرار گرفته و ثابت شود که یکی از حقوق شهروندان نسبت به هم رعایت حجاب و عفاف است و عدم رعایت حجاب و عفاف پیامدهای ناگواری را به دنبال داشته و خواهد داشت .

آثار مخربی چون تزلزل خانواده ها ، ابتذال شخصیت زن ، شکست روحی و روانی جوانان ، از بین بردن انگیزه ی ازدواج مشروع و رواج بی بند و باری در جامعه و در نتیجه سلب امنیت اجتماعی بخشی از نتایج بی حجابی است . بنابراین اگر از منظره ی دیگر غیر از تعالیم دینی نیز به حجاب و عفاف بنگریم ، می توان آن را به عنوان یکی از مهم ترین ارکان حقوق شهروندی به شمار آورد .

۱-۲ پیشینه ی تحقیق

بدون شک حجاب و عفاف زن در برابر مرد نا محرم ، یکی از ضروریات دین اسلام است که در باره ی جنبه اسلامی آن نمی توان تردیدی به خود راه داد . در قرآن کریم آیات متعددی موضوع حجاب و عفاف و فلسفه آن مطرح شده است ، از جمله این که خداوند می فرماید : «حجاب و عفاف به نفع زن و مرد است .» (ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ) ^۱

و «فقدان حجاب به آزار و اذیت می انجامد» (ذَلِكِ ادْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِنَ) ^۲

در روایات متعددی نیز به تأثیر روانی حجاب اشاره شده است (که رعایت پوشش ، عامل سلامت و استواری زنان است) ^۳

مسئله حجاب ، در فقه غنی اسلام که نشأت گرفته از آیات قرآن کریم و روایات وارده از ائمه اطهار (ع) است ، مطرح شده و حدود پوشش نیز در آن معین شده است .

۱- احزاب ، ۵۳.

۲- همان ، ۵۹.

۳- نهج البلاغه ، ترجمه محمد دشتی ، ۱۳۸۳، نامه ۳۱، ص ۳۸۳.

فقه‌های اسلام، همگی حجاب را از ضروریات دین بر شمرده‌اند. در متون فقهی امامیه آمده است که بر زن حرام است به مرد اجنبی نگاه کند مگر به ضرورت، از قبیل انجام معامله یا معاینه پزشکی و امثال آن اقتضا کند.^۱

صاحب جواهر نیز می‌نویسد:

«نباید به بدن نامحرم و زیبایی‌های او نگاه شود، مگر به خاطر ضرورت و این مطلب اجماعی، بلکه ضروری مذهب و دین است، عده‌ای از فقها قائل شده‌اند که نگاه کردن بدون لذت به صورت و کفین اشکال ندارد.»^۲

علامه آیه الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی در عروه الوثقی راجع به مسأله پوشش زن در غیر نماز می‌گوید: «بر زن واجب است تمام بدن خویش را جزوجه و کفین از غیر محارم بپوشاند.»^۳ علما و مراجع عظام نیز بر ضرورت حجاب با بیان احکام و میزان حدود پوشش و استفتائات خود وظایف افراد را بیان نموده‌اند و گفته‌اند: بر زنان واجب است تمام بدن خود را به استثناء وجه و کفین از نامحرم بپوشانند مشروط به آن که ۱- وجه و کفین آنها زینت نداشته باشد ۲- کسی به قصد لذت ریبه به وجه و کفین آنها نگاه نکند.^۴

پوشش زنان و مردان از خواسته‌های فطری پاک و ساختار وجودی آنها است زیرا از همان آغاز خلقت بشر هر یک از زن و مرد کوشیدند تا به هر نحو ممکن خود را بپوشانند، بدون آن که در این مورد قبلاً آموزش دیده باشند و این موضوع بیانگر این است که در نهاد انسان عامل باز دارنده و هدایت کننده‌ای به نام حیا وجود دارد که می‌خواهد انسان را از خطرهای و انحرافات حفظ کند در قرآن کریم نخستین تحوّل که بعد از چیدن میوه ممنوعه توسط آدم و حوا به وجود آورده این بود که آن‌ها را در حرم «ستر»، «عفاف»، «با حقیقت برهنگی»، روبرو کرد. (بَدَتْ لَهُمَا سَوَاتِمَهُمَا)^۵

این واقعیت تاریخی، به سادگی مبین آن است که حیا و پوشش به عنوان یکی از مظاهر شرم و حیا و عفت، امری نظری و طبیعی بوده و برای تأمین سلامت روحی افراد جامعه از ضرورت و کمال اهمیت برخوردار است. ضرورت رعایت حجاب و عفاف در اجتماع از دیدگاه جامعه‌شناسان نیز مورد بررسی قرار

۱ - عاملی، محمد بن مکی (شهید اول)، محمد بن مکی، ۱۴۱۱ ه ق، اللعمه الدمشقیه، یلدا، تهران، ص ۶۲.
۲ - نجفی، محمد حسن، ۱۳۶۴ ش، جواهر الکلام، دار الکتب الاسلامیه، تهران چاپ دوم، ج ۲۹، ص ۷۵.
۳ - طباطبایی، سید محمد کاظم، ۱۴۰۹، عروه الوثقی، موسسه علمی، للمطبوعات، بیروت، کتاب الصلاه، فصل ساتر ص ۵۵۴.
۴ - آیات عظام: امام خمینی (ره)، اراکی، مکارم، معصومی، سید مسعود، ۱۳۷۳، احکام روابط زن و مرد، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ص ۷۳.
۵ اعراف، ۲۲.

گرفته است و برخی از جامعه شناسان حجاب و پوشش زن را مقتضای طبیعی جامعه ی بشری معرفی کرده اند.^۱

از نظر روانشناسان ، در بین نوجوانان و جوانان علاقه به خودنمایی و جلب نظر دیگران به طور غریزی وجود دارد. برخی از روان شناسان در تایید این مطلب که حجاب و پوشش زن فطری است از وجود حیا در نهاد انسان نام می برند که به دو صورت باز دارنده و هدایت کننده ایفای نقش می کند . بدین سان از نظر آنان حیا تعدیل کننده غرایز و ضامن اجرای بسیاری از قوانین اجتماعی و اخلاقی است.^۲

پایان نامه ها و مقالات متعددی از ابعاد مختلف به حجاب پرداخته اند از آن جمله می توان موارد زیر را نام برد:

حجاب واحکام آن در فقه اسلامی (سعدی، محمد)، حجاب از دیدگاه قرآن و روایات (بنی عامریان ، فهیمه) .

توصیه قرآن به زنان حفظ حجاب است و عقل سلیم نیز آن چه را که برای انسان مایه کرامت و حفظ از انحراف و بیهودگی و پوچی ها است موجب استواری انسان و آنچه راکه باعث فساد اخلاقی و پیامدهای شوم برهنگی می شود ، مذموم و ناپسند می داند . علم نیز تجربه کرده است که بی حجابی موجب انحرافات روانی ، ناراحتی های عصبی و می شود.^۳

۱-۱-۳ اهمیت و ضرورت تحقیق

امروزه در جامعه ما ، رعایت نکردن حجاب اسلامی به صورت معضلی اجتماعی در آمده است . هر روز ، در کوچه و خیابان ، زنان و دخترانی را می بینیم که با پوشش خلاف شرع در انظار عمومی ظاهر می شوند و فضای جامعه را به فضای ضد اسلامی تبدیل کرده اند . بدین ترتیب بسیاری از مردان و پسران به دام فحشا و فساد کشیده می شوند و خود نیز در دام مردانی می افتند که به تعبیر قرآن مجید جزو ((فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ)) هستند .^۴ همین امر سبب شده است که هر روز متأسفانه شاهد اخبار تجاوز به زنان و دختران ، و افزایش آمار طلاق و باشیم .

۱ - مو نتسکیو، ۱۳۶۲ش، روح القوانین، علی اکبر مهتدی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ص ۱۰۱.

۲ - محمدی آشنایی ، علی ، ۱۳۷۸، حجاب در ادیان الهی، انتشارات یاقوت، قم، ص ۲۸.

۳ - روحانی ، شهریار، ۱۳۶۹، آیا حجاب ضرورت دارد، ، نشر اشراقیه ،تهران ، ص ۴۸.

۴ - احزاب ، ۳۲.

این پژوهش در پی طرح و اثبات این مسئله است که رعایت حجاب شرعی از مصادیق بارز حقوقی شهروندی است و نقش بسیار مهمی در حفظ و صیانت از فضای عفت عمومی دارد.

وقتی در جامعه ای افراد حجاب و عفاف را رعایت کنند و زمینه فساد و فحشا وجود نداشته باشد امنیت فکری و شغلی که یکی از نیازهای اساسی و حیاتی برای جامعه است و در آموزه های اسلامی نیز مورد تأکید است ایجاد خواهد شد همان گونه که امام صادق (ع) در حدیثی می فرماید: ((النَّعِيمُ فِي الدُّنْيَا أَلَّا مَن صَحَّهَ الْجِسْمِ وَ تَمَّامَ النِّعْمَةِ فِي الْآخِرَةِ دُخُولَ الْجَنَّةِ. «^۱

«آسودگی و خوشی در دنیا به دو چیز است یکی امن و امنیت؛ دیگری سلامتی جسم و بدن و تمام نعمت ها در آخرت هم به ورود در بهشت الهی است.»

در تاریخ اندیشه سیاسی و حقوقی نیز مفهوم آرامش و امنیت مورد توجه بوده است، از این رو لازم است دولت ها در حفظ امنیت و آرامش فکری و شغلی افراد و جامعه تلاش کنند و با آنچه که مخل این آرامش است برخورد جدی نمایند. لذا قانون گذار ارتکاب عمل حرام در انظار و اماکن عمومی و بی حجابی را جرم شناخته است. بنابراین هر یک از شهروندان و دولت اسلامی درباره این گناه آشکار باید چاره اندیشی کنند تا سلامت روان شهروندان را تضمین کنند و جامعه در محیطی سالم به رشد و تکامل انسانی تبدیل شود.

۱- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحارالانوار، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ج ۱، ص ۱۷۲، چاپ سوم.

۱-۱-۴ اهداف تحقیق

اهداف کلی این نوشتار بدین شرح است: اثبات لزوم رعایت حجاب و عفاف به عنوان یکی از حقوق شهروندان نسبت به هم و نیز نقش حجاب و عفاف در ایجاد امنیت اجتماعی و ثبات خانواده و حفظ ارزش زن، بررسی جرم بی حجابی بر محور ماده (۶۳۸) قانون مجازات اسلامی و روش و سیره معصومین در برخورد با بی حجابی.

لذا با استفاده از نصوص قرآنی و روایی و آراء فقهای اسلام و بنا بر ادله ی حجاب مبنی بر ضرورت و وجوب حجاب و عفاف به این موضوع پرداخته می شود.

۱-۱-۵ روش کار و تحقیق:

روش اصلی گردآوری مطالب کتابخانه ای و اسنادی می باشد که از منابع موجود در کتابخانه های دانشگاه قم، دانشگاه سمنان، حوزه سمنان و نرم افزار جامع فقه اهل بیت (ع) استفاده شده است هم چنین راهنمایی اساتید محترم راهنما و مشاور که در انجام این پژوهش حائز اهمیت است.

روشی که برای تدوین و ارائه مطالب به کار گرفته شده است روش تلفیقی می باشد که با بهره گیری از منابع فقهی و حقوقی به ضرورت و لزوم حجاب و عفاف پرداخته شده تا راهکارهای نظری و عملی جهت تبلیغ فرهنگ حجاب و عفاف و مبارزه با بی حجابی ارائه شود.

۱-۲ مفاهیم

حجاب و عفاف به عنوان دو ارزش در جامعه بشری و به ویژه اسلامی مطرح است. همواره این دو واژه در کنار هم به کار برده می شوند در نگاه اول به نظر می آید هر دو به یک معنا باشند اما با بررسی معنای لغوی این دو واژه به نکته قابل توجهی می رسیم و آن تفاوت این دو واژه است.

۱-۲-۱ معنای لغوی حجاب

حجاب در لغت به معنای پوشش و چیزی که مانع وصول می شود آمده است.

راغب اصفهانی در مفردات واژه حجاب را این گونه معنا کرده است: «: الْحُجْبُ وَ الْحِجَابُ، الْمَنْعُ مِنَ الْوَصُولِ: حجاب یعنی آنچه مانع رسیدن می شود.»^۱

در لسان العرب چنین آمده است:

«الْحِجَابُ، السِّتْرُ وَ إِمْرَاءُ الْمَحْجُوبَةِ» حجاب یعنی پوشش و امراه المَحْجُوبَةِ، یعنی زنی که خود را پوشانیده است.^۲

حجب و حجاب هر دو مصدر و به معنای پنهان کردن و منع از دخول است و به عنوان شاهد، آیه شریفه (وَ مِنْ بَيْنِنَا وَ بَيْنِكَ حِجَابٌ)^۳ را ذکر کرده اند.

«حجب الشی» یعنی چیزی را پوشاند و در ستر و پوشش قرار داد.^۴ حجاب واژه عربی به معنای پرده، چادر، درپوش، نقاب، ستر و پوشش است.^۵

با توجه به معانی ذکر شده در می یابیم حجاب امری ظاهری و در ارتباط با جسم است اگر چه این پوشش برخاسته از اعتقادات و باورهای درونی افراد است ولی ظهور در رفتار فرد دارد یعنی پوشش ظاهری افراد و به ویژه زنان را حجاب می گویند که مانع از نگاه نا محرم به آنان می شود.

۱ - راغب اصفهانی، حسین، ۱۴۰۴ق، مفردات، دفتر نشر کتاب، تهران، ص ۱۰۸.
۲ - ابن منظور، محمد، ۱۴۰۸ق، لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۴، ص ۲۵۷، چاپ اول
۳ - فصلت، آیه ۵.
۴ - جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۷، الصحاح، دار العلم الملايين، بیروت، ج ۲، ص ۶۷۶.
۵ - عمید، حسن، ۱۳۷۶، فرهنگ عمید، انتشارات امیر کبیر، تهران، ج ۱، ص ۷۷۹، چاپ یازدهم.

۱-۲-۲ مفهوم اصطلاحی حجاب

حجاب در کاربرد فقهی و اصطلاح فقیهان، قلمرو کوچک تر و فضای محدود تری دارد و مقصود از آن پوشش ویژه ای برای زنان است که مانع و بازدارنده نگاه نامحرمان به او و یا مانع انگیزش تمایل جنسی مردان باشد. چنان که در بحارالانوار آمده است شرع مقدس اسلام حجاب را این گونه معرفی کرده است: «پوشانیدن تمام اعضای بدن به جز صورت و دستها تا میج»^۱

پیدایش و کاربرد این اصطلاح به جای ستر که در گذشته، میان فقها رایج و معمول بوده است، به باور برخی از محققان چون شهید مطهری، پیشینه چندانی ندارد و یک اصطلاح نسبتاً جدید است.^۲

منشأ پیدایش و خاستگاه این اصطلاح و معنا، شماری از نصوص الهی و روایی است که در برخی از آن نصوص، واژه حجاب در معنای پرده و مخفی شدن چیزی که مانع از دیده شدن می شود به کار رفته است.

چنان که در قرآن آمده است: «حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ»^۳ تا وقتی که خورشید در پرده مخفی شد.

بنابراین حجاب در زنان یعنی چیزی که زنان را می پوشاند و مانع نظر نامحرمان به مقداری که پوشش آن لازم است می شود. فقهای اسلام همگی حجاب را از ضروریات دین برشمرده اند و انکار آن را در صورتی که به انکار خدا و رسولش بینجامد محکوم به کفر دانسته اند.^۴

در کتاب فقه و پوشش بانوان آمده است: «به نظر می رسد معادل دقیق اصطلاح پوشش در زبان عرب، واژه «ساتر» است و بیشتر فقیهان نیز از این واژه استفاده کرده اند»^۵.

فقها مسئله حجاب و پوشش را تحت عنوان «ستر» در دو جای فقه مطرح کرده اند: یکی در باب صلاة، چرا که در نماز واجب است زن تمام بدن خود را بپوشاند، خواه نامحرمی وجود داشته و یا نداشته باشد البته جز صورت، دستها تا میچ و روی پاها که استاد مطهری از آن تعبیر به (ستر صلاتی) می کند یعنی پوششی که در نماز باید به کار گرفته شود. دیگر در باب نکاح، از باب این که خواستگار تا حدودی حق

۱ - مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۸، ج ۳۶.

۲ - مطهری، مرتضی، ۱۳۸۸، مسئله حجاب، صدر، قم، ص ۷۳، چاپ هشتم و پنجم.

۳ - سوره ص، ۳۲.

۴ - استفتانات امام خمینی، ج ۳، ص ۲۵۶، محمدی، سید محسن، ۱۳۸۰، مسائل جدید از دیدگاه علماء و مراجع تقلید، ورامین، انتشارات علمی فرهنگی صاحب الزمان، ص ۳۸، چاپ ششم.

۵ - کلاتری، علی اکبر، ۱۳۹۰، فقه و پوشش بانوان، بوستان کتاب، قم، ص ۱۵۰، چاپ چهارم.

دارد به زن مورد نظر خود را نگاه کند که استاد مطهری از آن تعبیر به «ستر غیر صلاتی» می کند که باید در مقابل مردان بیگانه رعایت شود.^۱

۱-۲-۳ معنای لغوی عفاف

عفاف با فتح حرف اول، از ریشه عفت است و راغب اصفهانی در مفردات می نویسد: «أَلْعِفَةُ حُصُولُ حَالَةٍ لِلنَّفْسِ تَمْتَنِعُ بِهَا غَلْبَةُ الشَّهْوَةِ» عفت حالتی درونی و نفسانی است که توسط آن از غلبه شهوت جلوگیری می شود.^۲

در لسان لعرب ذیل واژه عفت چنین آمده است:

«الْكفَّ عَمَّا لَا يَحِلُّ وَلَا يَجْمَلُ عَفٌّ عَنِ الْمَحَارِمِ وَالْإِطْمَاعِ الدُّنْيَةِ.»^۳

«خود داری از آنچه که زیبا و شایسته نیست، خود داری از حرام ها و طمع های پست»

بنابراین می توان فهمید که «عفت» به معنای نگه داشتن نفس از ارتکاب معاصی و کارهای حرام می باشد و پایه عفاف خویشتن داری است و ردپایی از جنسیت یا اختصاص به جنس خاص (زن) در معنی لغوی عفاف وجود ندارد.

در ادب پارسی، عفاف از نظر معنا و گویش، تفاوت یافته است. در لغت نامه دهخدا عفاف، پارسایی، پرهیز گاری، نهفتگی، پاکدامنی، خویشتن داری معنا شده است.^۴

دکتر معین در فرهنگ فارسی معین آورده است:

«عفاف: پارسایی، پرهیزگاری، پاکدامنی، غالباً به کسر اول تلفظ می شود بنا بر این در گویش فارسی، عفاف به کسر اول و به معنی پاکدامنی به کار می رود.»^۵

-
- ۱ - محمدی اشتهاردی، محمد، ۱۳۶۹، پوشش زن در اسلام، کانون انتشارات ناصر، قم، ص ۱۵۴.
 - ۲ - راغب اصفهانی، مفردات، ص ۳۳۷.
 - ۳ - ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۲۵۲.
 - ۴ - دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت نامه، دانشگاه تهران، تهران، ج ۱۰، ص ۱۴۰۸۱، چاپ دوم.
 - ۵ - معین، محمد، ۱۳۷۹، فرهنگ فارسی معین، انتشارات امیر کبیر، تهران، ج ۲، ص ۲۳۱۹، چاپ یازدهم.

۱-۲-۴ معنای اصطلاحی عفاف

عفاف اصطلاح اخلاقی است، عالمان اخلاق، عفاف را در شمار مهمترین فضایل اخلاقی جای داده اند و فیلسوفان در حکمت عملی به آن پرداخته اند. که نمونه هایی از آن آورده می شود.

علامه سید محمد حسین طباطبایی، عفاف را از اصول سه گانه فضیلت های اخلاقی می داند که صبر، حیا، ایثار، سخاوت و..... برشاخه آن می روید.

ایشان پس از آن که قوای شهوانی، غضبی و فکری را منشا و خاستگاه تمامی اخلاق انسانی بر می شمرد، می گوید: « حدّ اعتدال در قوه شهوانی «عفاف» و افراط و تفریط در آن «شره» و «خمود» نامیده می شود.^۱

خواجه نصیر طوسی در تعریف عفاف می نویسد: «عفاف آن است که نیروی شهوت مطیع عقل باشد تا تصرف او به اقتضای رأی بود و اثر خیریت در او ظاهر شود و از تعبّد هوای نفس و استخدام لذت فارغ.»^۲

حاج ملا احمد نراقی نیز در کتاب ارزشمند خود، عفت را مطیع و منقاد شدن قوه شهویه از برای قوه عاقله می داند.^۳

بر اساس آنچه گفته شد عفاف معنایی فراخ تر از پاکدامنی از فحشاء وزنا دارد. قرآن کریم و نصوص روایی نیز، عفاف را در معنای وسیع تر از پاکی جنسی به کار برده و آن را به معنای در پیش گرفتن رو به اعتدال، خود نگهداری، تسلط بر خویشتن، صبوری و ایستادگی در برابر کامجویی ناروا می داند که در حوزه تمایلات جسمی و جنسی می گنجد و نفس آدمی خواهان بر آورده شدن بی حد و حصر آن نیازها است.

خداوند در آیه ای از قرآن (استعفاف) را به رام کردن قوه جنسی اطلاق فرموده است.^۴

و در روایتی از امام علی (ع) آمده است: «العِفَافُ زَهَادِهِ». عفاف زهد ورزی و خویشتن داری است.^۵

از مجموع معانی ذکر شده برای حجاب و عفاف می توان نتیجه گرفت که «عفاف» نوعی حجاب درونی است که انسان را از گناه باز می دارد. حفظ چشم، گوش، قلب و تمامی اعضا و جوارح از هر گونه خطا

- ۱ - طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۹۲، المیزان، مؤسسه انتشاراتی اسماعیلیان، تهران، ج ۱، ص ۱۳۷، چاپ سوم.
- ۲ - سجادی، سید جعفر، ۱۳۶۵، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان ایران، تهران، ج ۳، ص ۳۹۶، چاپ اول.
- ۳ - نراقی، احمد، ۱۳۲۶، معراج السّعادة، انتشارات دهقان، تهران، ص ۳۲۱.
- ۴ - نور، ۳۳. (وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ...)
- ۵ - محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۷۹، میزان الحکمه، دارالحديث، قم، ص ۳۵۹، ج ۱، چاپ اول.

و گناه عفاف است که حاصل این عفت و حجاب درونی، پوشش ظاهری است، به تعبیری لطیف تر حجاب میوه عفاف است و عفاف ریشه ی حجاب.

عفاف حالتی درونی و نفسانی است که غرایز را تعدیل و تحت کنترل خود در می آورد. «حجاب» نیز به عنوان یکی از مهمترین ابعاد عفت کنترل و تعدیل غریزه خود نمایی و جلوه گری در زنان می باشد.

عفاف را زبانی باید و آن حجاب است که نماد تفکر و اندیشه دینی می باشد. خدای تعالی در فرهنگ با شکوه عفاف از زن می خواهد به عنوان یک انسان، ارزش وجودی خویش را بشناسد و خود را ملعبه دست نامحرمان نسازد و از سوی دیگر همگان را به چشم پوشی از نامحرم دستور می دهد تا همه دست به دست هم نهاده عفاف اجتماعی را رقم زنند.

حجاب مقتضی عفت است و زمانی که حیا و عفت به درجه کمال رسید، ایجاب حجاب می کند. حضرت علی (ع) می فرماید: «بِالْعَفَافِ تَزْكَوُا الْأَعْمَالُ»^۱.

بنابراین می توان گفت بین حجاب و پوشش ظاهری و عفت و بازداری باطنی انسان «تأثیر و تأثر» متقابل است. بدین ترتیب که هرچه حجاب کامل تر باشد در تقویت و پرورش روحیه ی باطنی و درونی عفت تأثیر بیشتری دارد و بر عکس هر چه عفت درونی و باطنی بیش تر باشد باعث حجاب کامل تر در مواجهه با نامحرم می گردد.

۱-۲-۵ معنای لغوی حقوق شهروندی

حقوق جمع حق است که در لغت، واژه حق دارای معانی متعددی است. از جمله معانی مطابقت، موافقت، موجود ثابت، صدق، خلاف باطل آمده است.^۲

واژه شهروند مرکب از دو کلمه «شهر» به معنای جامعه انسانی با فرهنگ و «وند» به معنای عضو وابسته شهر است. کلمه شهروند از حیث واژه شناسی از واژه لاتین «سیتوتاس» مشتق شده است که تقریباً معادل کلمه پلیس در زبان یونانی و به معنای شهر می باشد. با توجه به تعاریف فوق شهروند به عنوان انسانی است که در یک اجتماعی زندگی می کند. مفهوم شهروند با مفهوم مدنی بودن همراه است و شهروند کسی است که حق سیاسی و مدنی در شهر دارد و در یک تعامل با شهر است، در برابر

۱ - محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۰۰۸.

۲ - جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، ص ۴۶۰، چاپ چهارم.

دولت تکلیفی دارد. کسی شهروند محسوب می شود که نه تنها فرمانبردار قوانین است بلکه از حقوق فطری و طبیعی نیز برخوردار است.^۱

۱-۲-۶ معنای اصطلاحی حقوق شهروندی

در اصطلاح فقه حق نوعی ملکیت است که به نحو خاصی بین مالک و مملوک وجود دارد.^۲

حق معنای گسترده تری دارد و گاهی عنوان عامی است که شامل همه مجعولات شارع مقدس می شود خواه جعل تأسیسی باشد یا امضایی، حق به این اطلاق عبارت است از تحقق وثبوت. بنابراین می توان گفت حقوق اسلامی دستورات شریعت است که برای اجرای امور فردی و اجتماعی وضع شده است.^۳

می توان گفت حق امتیاز و نفعی است متعلق به شخص که حقوق هر کشور در مقام اجرای عدالت از آن حمایت می کند، به او توان تصرف در موضوع حق منع دیگران از تجاوز آن را می دهد. واژه حق به طور معمول به معنی فردی یا شخصی به کار می رود در برابر حقوقی که به معنی احکام است.^۴

بنابراین حق اختیاری است که قانون برای فرد شناخته تا بتواند عملی را انجام یا آن را ترک نماید، چنان که گفته می شود حق مالکیت، حق تصرف. کاربرد واژه حق در این معنی در حقوق اسلامی سابقه دارد.^۵

به طور کلی حقوق مجموعه قواعد و مقررات لازم الاجرائی است، که بر روابط افراد یک جامعه حاکم است، آن جا که حقوق از روابط افراد صحبت می کند، حقوق فردی یا حقوق خصوصی نامیده می شود و آن جا که از روابط اجتماعی و به عبارتی روابط افراد با دولت سخن به میان می آید حقوق عمومی نامیده می شود. طبعاً افرادی که در یک جامعه زندگی می کنند، دارای هر دو قسم حقوق فردی و حقوق عمومی هستند. اطلاق حقوق شهروندی بر این دو دسته حقوق می تواند در برگیرنده مفاهیم موجود در هر دو دسته باشد.^۶

- ۱ - حاجی پور، رضا، ۱۳۸۹، آموزش شهروندی، انتشارات فرهنگ سبز، تهران، صص ۱۹ و ۱۸، چاپ اول.
- ۲ - طباطبایی حکیم، محسن، بی تا، مستمسک العروه الوثقی، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ج ۴، ص ۴۶.
- ۳ - محقق داماد، مصطفی، ۱۳۷۶، بررسی فقه و حقوق، همایش حقوقی، مجتمع آموزش عالی، ص ۴۷.
- ۴ - کاتوزیان، ناصر، ۱۳۶۵، فلسفه حقوق، انتشارات بهنشر، ص ۳۷۰، چاپ دوم.
- ۵ - امامی، حسن، ۱۳۴۲، حقوق مدنی، انتشارات کتابفروشی اسلامی، تهران، ج ۲، ص ۲، چاپ دوم.
- ۶ - وردی نژاد، فریدون، ۱۳۷۷، قانون اساسی و حقوق شهروندی، مجموعه مقالات جمهوری و انقلاب اسلامی، بی جا، ص ۳۳۳.

اصطلاح حقوق بشر و شهروند نخستین بار در اعلامیه ۲۶ اوت ۱۷۸۹ فرانسه به کار رفت. این اعلامیه مشتمل بر یک مقدمه و ۱۷ ماده بود. در مقدمه اعلامیه آمده بود که تنها علت بدبختی های عمومی و فساد دولت ها انکار یا فراموشی یا تحقیر حقوق انسانی مردم است.^۱

توجه و تمرکز مباحث حقوق بشر در قرن هجدهم بیشتر به مفهوم آزادی بود، در قرن نوزدهم تأکید از آزادی به برابری انتقال یافت، سرانجام در قرن بیستم مفهوم عدالت بود که در محور اصلی این مباحث قرار داشت.^۲

شهروندی معمولاً به صورت عضویت در یک قلمرو سرزمین و یک اجتماع سیاسی می‌شود.

در دایره المعارف بریتانیا آمده است:

«شهروندی عبارت است از رابطه‌ی بین یک فرد و یک دولت که بر اساس آن یک فرد وفاداری و تابعیت خود را نسبت به آن دولت اعلام می‌کند و به نوبه‌ی خود از محافظت و مراقبت از سوی آن دولت برخوردار می‌گردد. شهروندی بر شأن آزادی و مسئولیت ملازم آن دلالت دارد».^۳ در برخی تعاریف شهروندی، منزلتی است که موجبات برخورداری از حقوق و قدرت‌ها را فراهم می‌سازد.^۴

البته برخی از حقوق‌دانان درباره شهروندی گفته‌اند: «کلیه افرادی که در محدوده‌ی جغرافیایی یک کشور زندگی می‌کنند و نیز افرادی که به عنوان تبعه از مرزهای آن کشور (جامعه) زیست می‌نمایند، شهروند تلقی می‌شوند».^۵

در هر حال این نکته مسلم است که حقوق‌دان و قانونگذار می‌خواهند جامعه بشری را با تنظیم برنامه های فردی و اجتماعی به سوی کمال رهبری نمایند، و در پرتو تعیین وظایف افراد و تأمین حقوق آنان سعادت جسمی و روانی آنها را فراهم سازند. برای میل به این هدف، قانونگذار باید دو شرط اساسی داشته باشد: یک انسان شناس کامل باشد و از سوی دیگر باید ژرف نگر باشد و با وسعت دید همه افراد را مورد توجه قرار دهد. این هم تنها از خداوند متعال بر می آید. بشر هر قدر توانگر و دور اندیش باشد باز هم دارای دید محدود بشری است. دستورات ادیان الهی از آنجا که خاستگاه خدایی دارند، از هر دو خصیصه برخوردارند و از بین آنها اسلام که کامل ترین دین است کامل ترین قواعد حقوقی را برای بشر مطرح می‌کند، که مطابق با فطرت انسانی است.

۱ - مهر پور، حسین، ۱۳۷۷، نظام بین المللی حقوق بشر، انتشارات اطلاعات، تهران، ص ۳۰۵، چاپ اول.

۲ - موحد، محمد علی، ۱۳۸۱، در ندای حق و عدالت، نشر کارخانه، تهران، ص ۳۱.

۳- احمدی، فخری، ۱۳۸۳، شهروندی و مشارکت مدنی، بررسی تأثیر آگاهی شهروندی در شهر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه الزهرا.

۴- ابرکرامی، نیکلاس و همکاران، ۱۳۶۷، فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی حسن پریان، انتشارات چاپخش، تهران، ص ۶۵.

۵- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۲، ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، تهران، چاپ سیزدهم، ص ۷۵.

البته لازم به ذکر است که مهم ترین خاستگاه حقوقی در اندیشه اسلامی قرآن کریم است که «تبیان» کُلّ شئی است و تجدد را که بشریت در عرصه ارتباطات فردی، اجتماعی، سیاسی و بین المللی بدان نیازمند است، به بهترین صورت برای جوامع بشری به ارمغان آورده که شیوه نبوی (ع) و دیگر معصومان (ع) نیز مطابق با درک درست مفاهیم آن کتاب عظیم است. نخستین هدف در حکومت اسلامی در زمینه فرهنگ و ایدئولوژی مردم است. زیرا پاسخگویی به نیازهای فکری و اعتقادی مردم آن زمان و چه بسا بشریت، از مهم ترین اهداف رسالت پیامبر اکرم (ص) بوده است.

چنان که خداوند می فرماید: «پیامبری که بار سنگین را از دوش مردم برمی دارد و بندها و زنجیرها را از آنان باز می کند.»^۱

بدیهی است منظور از بارهای سنگین، آداب و رسوم جاهلی و نیز غل و زنجیرهای فکری و روحی می باشد که بر نیروها و استعداد های معنوی بشر سایه افکنده است.

اگر با دید کلی به هدف ها و فعالیت های مربوط به حقوق بشر و تعلیمات و پیام های ادیان الهی نگاه کنیم خواهیم دید تعلیمات ادیان الهی خود نقش بسیار موثری در ترویج حقوق بشر داشته است، لذا در سیر تاریخی مباحث حقوق بشر باید بزرگترین سهم را به ادیان الهی داد. زیرا اصولا ادیان الهی همواره در برابر ستمکاران و قدرتمندان غاصب و ناقض حقوق انسان ظهور کرده اند بنابراین تردیدی نیست که مفاهیم عالی انسانی از قبیل کرامت، آزادی، مساوات و شخصیت انسان ریشه در در تعالیم انبیاء الهی دارد و ادیان آسمانی کمک بزرگی به پیشرفت حقوق بشر کرده اند.

۱- (وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ) اعراف، ۱۵۷.

فصل دوم

اهمیت حجاب و عفاف

۲-۱ تاریخچه حجاب

همان طور که اشاره شد حجاب در لغت به معنای مانع، پرده و پوشش آمده است. استعمال این کلمه بیشتر به معنای پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش را می دهد که پرده و وسیله پوشش است. ولی هر پوششی حجاب نیست بلکه آن پوشش حجاب نامیده می شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت می گیرد.

مراد از حجاب، پوشش اسلامی است. مراد پوشش اسلامی زن، به عنوان یکی از احکام و جویی اسلام این است که زن هنگام معاشرت با مردان، بدن خود را بیپوشاند و به جلوه گری، خودنمایی و نمایشگری نپردازد. بنابراین حجاب به معنای پوشش اسلامی دارای دو بعد ایجابی و سلبی است.

بعد ایجابی آن وجوب پوشش بدن و داشتن عفاف و بعد سلبی آن، حرام بودن خودنمایی و جنبه نمایشگری زن به نامحرم است. به عبارتی دو بعد مکمل هم و شرط لازم و کافی تحقق حجاب اسلامی هستند و طبیعی است که این دو بعد باید در کنار یکدیگر رعایت شوند تا حجاب کامل اسلامی محقق شود.

براساس گواهی متون تاریخی، در بیشتر ملت ها و آیین های جهان، حجاب در بین زنان معمول بوده است، هر چند در طول تاریخ، فراز و نشیب های زیادی را طی کرده و گاهی با اعمال سلیقه حاکمان، تشدید یا تخفیف یافته است، ولی هیچ گاه به طور کامل از بین نرفته است. مورخان به ندرت از اقوام بدوی که زنانشان دارای پوشش مناسب نبوده و یا به صورت برهنه در اجتماع ظاهر می شدند، یاد می کنند.

دانشمندان، تاریخ حجاب و پوشش را به دوران ما قبل از تاریخ و عصر حجر نسبت می دهند. در کتاب زن در آیین تاریخ پس از طرح مفصل علل و عوامل تاریخی حجاب، آمده است: «با توجه به علل ذکر شده و بررسی آثار و نقوش به دست آمده، پیدایش حجاب به دوران پیش از مذاهب مربوط می شود و به این دلایل، عقیده عده ای که می گویند مذهب موجد حجاب می باشد، صحت ندارد، ولی باید پذیرفت که در دگرگونی و تکمیل آن بسیار موثر بوده است»^۱.

^۱ - علویقی، علی اکبر، ۱۳۵۷، زن در آیین تاریخ، انتشارات شرکت چاپ، تهران، ص ۷۵.

۲-۱-۱-۱ حجاب در یونان و روم باستان

دایره المعارف لاروس درباره پوشش زنان یونان باستان می نویسد: «زنان یونانی در دوره های گذشته صورت و اندامشان را تا روی پا می پوشاندند این پوشش که شفاف و بسیار زیبا بود، در جزایر کورس، امرجوس و دیگر جزایر ساخته می شد».^۱

ویل دورانت، تاریخ نویس مشهور نیز شواهد زیادی دال بر وجود حجاب در بین زنان یونان و روم باستان آورده است او درباره «الهه عفت» که یکی از خدایان یونان باستان است می گوید: «آریتمس» الهه عفت است و عالی ترین نمونه و الگو برای دختران جوان به شمار می آید که دارای بدنی نیرومند و ورزیده و چابک بوده و به زیور عفت و تقوا آراسته است.^۲

هم چنین درباره ی یکی از قبایلی، که نهصد سال پیش از میلاد زندگی می کرده اند، آورده است:

((در کنار دریای سیاه، سکاها بیابانگردی می کردند آنها مردم درشت اندام قبائل جنگی نیمه مغول و نیمه اروپایی بسیار نیرومندی بودند که در ارابه به سر می برند و زنان خود را سخت در پرده نگاه می داشتند.^۳

این تاریخ نگار نیز می نویسد: «زنان فقط در صورتی می توانند خویشان و دوستان خود را ملاقات کنند و در جشن های مذهبی و تماشاخانه حضور یابند که کاملاً در حجاب و تحت مراقبت باشند. در موارد دیگر باید در خانه بمانند و نگذارند کسی از درون پنجره به آنان نظر اندازد، بیشتر عمر آنان در حرمسرای که عقب خانه است می گذرد و هیچ مردی حق ورود به آن جا را ندارد. زنان باید وقتی که شوهرانشان مهمان دارند، از ظاهر شدن خوداری کنند».^۴

۲-۱-۲ تاریخچه حجاب در ایران

فرهنگ حجاب و پوشاندن بدن برهنه، فرهنگی است که از زمان های باستان تا کنون وجود داشته است؛ هرگاه ما عمیقاً به پیشینه ی تاریخی و فرهنگی خود مراجعه نمایم ملاحظه می کنیم که

۱- جر، خلیل، ۱۳۷۶، فرهنگ لاروس، سید حمید طبیبیان، انتشارات امیرکبیر، تهران، ص ۴۳۹، چاپ هفتم.

۲- ویل، دورانت، ۱۳۷۰، تاریخ تمدن، احمد آرام و همکاران، انتشارات آموزش و انقلاب اسلامی، تهران، ج ۶، ص ۵۲۰، چاپ سوم.

۳- همان، ص ۳۳۶.

۴- همان، ص ۳۴۰.

فرهنگ درست پوشاندن تن و بدن ، متناسب با احوال سیاسی و اجتماعی مسئله ای است که نیاکان ما به آن اندیشیده و در باور آنها تخطی از این فرهنگ گناهی بزرگ محسوب می شده است.

ویل دورانت می نویسد: «تجلیات پوشش در میان زنان ایرانی چنان چشمگیر است که برخی از اندیشمندان و تمدن نگاران ، ایران را منبع اصلی ترویج حجاب معرفی کرده اند.»^۱

در کتاب تاریخ پوشاک ایرانیان آمده است : «ایرانیان اگر بخشی از بدنشان برهنه باشد آن را بی شرمی می دانند و همیشه لباس بلند می پوشند ، بیشتر مردم قبایی می پوشند که تا ساق پا را می پوشاند.»^۲

مورخان درباره استفاده چادر توسط زنان اشکانی مطالب زیادی نوشته اند از جمله : «چادر زنان اشکانی به رنگ های ارغوانی و سفید بوده است.»^۳

مجسمه اشکانی زنی از پالمیر در موزه دمشق ، پوشش زنان این دوره را به وضعی بسیار روشن نشان می دهد . این بانو نشسته و چادری او را پوشانده است . نقاشی هایی که بر دیوار معبد زئوس شهر دورا اوروپوس در بین النهرین کشیده اند مربوط به اشکانیان است که عده ای را با لباس مخصوص در حال برگزاری مراسم مذهبی نشان می دهد در آن میان زنانی را نیز ساخته اند که پوشش آنان با رنگ آمیزی هایش مدرکی جالب برای شناسایی بیشتر با لباس بانوان آن عهد است . در این نقاشی ها زنی را نشان می دهد که چادری ارغوانی و بزرگ به سر افکنده که سرتاسر بدنش را پوشانیده است . زنی دیگر بر این دیوار نقاشی کرده اند که روی پیراهن ارغوانی خود چادری سراسر سفید پوشیده و به روی آن یک تکه پارچه ارغوانی افکنده است.^۴

برای اثبات توجه زنان ایرانی در این دوره به حجاب ، کافی است به این نقل تاریخی از منابع اسلامی توجه کنیم:

« پس از فتح ایران توسط عمر، دختران کسری پادشاه ایران ، حتی پس از اسارت حاضر نشدند روپوش صورت خود را بردارند بلکه علی رغم فریاد های خلیفه وقت ، عمر ، از کنار زدن آن خودداری نمودند و مشت بر سینه نمایندگان عمر زدند و آنان را از خود دور ساختند.»^۵

۱ - همان ، ج ۲، ص ۷۸.

۲- چیت ساز ، محمدرضا، ۱۳۷۹، تاریخ پوشاک ایرانیان از ابتدای اسلام تا حمله مغول ، مرکز تحقیقات و مطالعات صدا و سیما با همکاری انتشارات سمت ، ص ۱۲۴، چاپ اول .

۳ - ضیاء پور، جلیل، ۱۳۴۳، پوشاک باستانی ایرانیان از کهن ترین زمان ، انتشارات اداره کل موزه ها و فرهنگ عامه ، تهران، ص ۱۹۷ .

۴- همان، ص ۲۰۱.

۵ - رجیبی، عباس، ۱۳۸۶، حجاب و نقش آن در سلامت روان ، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ، قم، ص ۳۴، چاپ سوم، (به نقل از الحلبي، علی بن برهان الدین، سیره حلبیه،)

محققان نوشته اند از تن پوش زنان در قرون اولیه (قرن اول و دوم هجری) اطلاع چندانی نداریم ولی آثار باقی مانده (دیوار نگاره ها ، نقش برجسته ها و) و هم چنین از نوشته های پراکنده مورخان و نویسندگان می توان دریافت که تن پوش زنان در قرن اولیه تن پوش محلی بوده که ادامه همان تن پوش زنان دوره ساسانی است و عناصر اصلی لباس زنان در دوران مختلف (طاهریان تا ایلخانیان) تقریباً یکسان بوده ولی مقنعه و چادر از عناصر اصلی و مهم پوشش زنان در خارج از خانه در این دوران بوده است.^۱

پوشش سر در دوران اولیه اسلامی شامل : تاج و کلاه و عمامه و مقنعه و چادر بود و گاهی نیز از پیشانی بند هایی استفاده می کردند که مزین به جواهر بود .

مقنعه نیز از دیگر پوشش سر بود که در دوران بعد از اسلام رایج بوده و در تصاویر ، گوناگونی آن مشاهده می شود . در کتاب مقامات حریری تصویر زن پیری با مقنعه مشاهده می شود که علاوه بر شانه تمام سینه او را پوشانیده است . در مورد چادر نیز آمده است : پیش از اسلام این کلمه به پوشش سراسری اطلاق می شده و در دوره هخامنشیان همراه با تاج کار برد داشته است.

بعد از اسلام که صورت معرب آن شوذر به معنی چادر در فارسی مورد استفاده قرار گرفت ، همان معنی از آن استنباط می شود ، یعنی پوششی سراسری که زنان برای پوشاندن و ستر حجاب برتر به کار می برند.^۲

کتاب « سفرنامه پولاک » در باره پوشش زنان می نویسد:

لباس های زنان که در حرم سرا می پوشند ، با آنچه در کوچه ، خیابان به تن دارند ، بسیار متفاوت است، زیرا لباس کوچه و بازار را از این جهت تهیه می کنند تا همه قسمت های بدن را از چشم عابران بپوشاند و به اصطلاح ، همه زنان را از لحاظ ظاهری به یک شکل و صورت در آورد . هر زنی به کوچه برود چادری به رنگ آبی نیلی بر سر می کند و آن پوشش است که تمام بدن از سرتا پا در آن پیچیده می شود.^۳

۱ - چیت ساز ، محمد رضا ، تاریخ پوشاک ایرانیان ، ص ۳۳۸.

۲ - همان ، ص ۳۵۰.

۳ - پولاک ، یاکوب ادوارد ، ۱۳۶۸ ، سفرنامه پولاک در ایران و ایرانیان ، کیکاووس جهانداری، انتشارت خوارزمی ، تهران ، ص ۱۱۵.

در تاریخ پوشاک ایرانیان آمده است: «به طور کلی پوشش اصلی زنان دوره اول و دوم قاجاریه در خارج از خانه چادر بود و چادر انواع گوناگون داشت که عبارت بود از چادر چیت، کرباس، و اطلس یا چادر کرباس چهارخانه به رنگ های آبی و قهوه ای که آن را چادر هم می گفتند.»^۱

۱-۲-۱-۲ تاریخ مبارزه با حجاب در ایران

از آن چه گفته شد به دست می آید که زنان ایران در طول تاریخ، پاسدار فرهنگ عفت و حیا بوده اند و حجاب را به خوبی حفظ کرده اند.

در اواخر دوران قاجاریه، بر اثر نفوذ دولت های استعماری در دستگاه حکومت، زمزمه های بی حجابی آغاز شد و پس از برقراری مشروطیت، صحبت از رفع حجاب به میان آمد و تفکر آزادی زن به سبک غربی به تدریج توسعه یافت سپس با اعلام رسمی رفع حجاب در ۱۷ دی ماه سال ۱۳۱۴ شمسی از سوی رضا خان، حجاب در بین تمام زنان ایرانی ممنوع شد و این ممنوعیت تا سال ۱۳۲۰ که هم زمان با بر کناری رضا خان از حکومت ایران بود ادامه یافت.^۲

پس از رضاخان نیز مخالفت با حجاب ادامه پیدا کرد. گر چه محمد رضا نتوانست مانند پدرش با آن قاطعانه برخورد کند و به ظاهر زنان را در انتخاب پوشش آزاد گذاشت، ولی از راه تهاجم فرهنگی بر ضد حجاب، با آن مبارزه کرد. تا سر انجام به لطف خداوند و در سال ۱۳۵۷، انقلاب اسلامی ملت ایران، به این حکومت شیطانی خاتمه داد و زنان مسلمان کشورمان چون سابق، سنگردار، حجاب شدند.

بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) در این باره می فرماید:

بانوان محترم ایران ثابت کردند که دژ محکم عفت و عصمت هستند و جوانان صحیح و نیرو مند و دختران عفیف و متعهد به این کشور تسلیم خواهند کرد و هیچ گاه در آن راههایی که قدرت های بزرگ برای تباه کردن این کشور به دوش آنان گذاشته بود نخواهند رفت.^۳

۱-۲-۲ حجاب در فرهنگ اسلامی ملی ایران

در هر جامعه، نوع و کیفیت لباس زنان و مردان افزون بر آن که شرایط اقتصادی، اجتماعی و اقلیمی آن جامعه پیروی می کند، به شدت تابع جهان بینی و ارزش های حاکم بر فرهنگ آن جامعه و حتی مبین و آئینه آن جهان بینی است.

۱ - چیت ساز، محمد رضا، تاریخ پوشاک ایران، ص ۵۹۸.

۲ - رجیبی، عباس، حجاب و نقش آن در سلامت روان، ص ۷۱، (به نقل از تاریخ بیست ساله ایران، حسین مکی).

۳ - خمینی، روح الله، ۱۳۷۸، صحیفه امام، انتشارات مؤسسه و تنظیم نشر آثار امام خمینی، تهران ج ۱۴، ص ۳۵۶.

دکتر حداد عادل می نویسد :

«رابطه لباس و فرهنگ به اندازه ای قوی است که وقتی یک خارجی و غربیه وارد محیطی می شود، نخستین علامتی که او را می شناساند ، همان لباس اوست ، گویی انسان ها با لباس خود با دیگران صحبت می کنند و هر کس با زبان لباس خویش، خود را معرفی می کند که من کیستم، از کجا آمده ام و به چه دنیا و چه فرهنگی تعلق دارم.»^۱

بررسی تاریخ نشان می دهد که مردم شریف ایران ، حجاب را به عنوان ارزشی والا پاس داشته و زنان ایرانی ، با پوشش کامل ظاهر می شد. و به آن افتخار می کرده اند ، بنا بر این همان طور که در بحث های گذشته ثابت شد زنان ایرانی از پوشش منحصر به فرد یعنی «چادر» استفاده می کردند .

چنانچه رهبر معظم انقلاب ، حضرت آیت الله خامنه ای در این باره می فرماید :

«باید توجه کنید که هیچ بخشی در زمینه های مربوط به پوشش زن متأثر از هجوم تبلیغاتی غرب نباشد. زیرا اگر متأثر از آن باشد ، خراب می شود .چادر هم ، بهترین نوع حجاب است و هم یک نشانه ملی ماست که هیچ منافاتی با هیچ نوع تحرکی در زن ندارد.»^۲

بنا براین توجه به فرهنگ اصیل ایرانی در پوشش زن یعنی استفاده از چادر که کاملاً از فرهنگ غنی اسلام متأثر است آن هم به طور ی که موازین شرعی در آن کاملاً رعایت شود سبب جلوگیری از نفوذ فرهنگ های بیگانه و حفظ احترام و شخصیت زنان می شود.

۲-۱-۳ حجاب در ادیان الهی

همه ادیان الهی ، بشر را به عفاف وپوشش دعوت ، بلکه امر کرده اند اگر چه تحریف در کتب مقدس باعث شد ، تا جوانبی از این امر مورد افراط و تفریط قرارگیرد .

۲-۱-۳-۱ پوشش در آیین زرتشت

در کتاب گاتا چند اصل اساسی اصول آموزشی زرتشت محسوب می شود . از جمله آزادی مطلق انتخاب ، امنیت کامل ، و تأکید و سفارش مؤبدان به حفظ پوشش و حجاب بر گرفته از اصول اساسی این آیین در کتاب آسمانی گاتا زرتشت است . اصولی چون امنیت کامل ایجاب می کند که پیروان این آیین

^۱ - حداد عادل، غلامعلی، ۱۳۶۳، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی ، انتشارات سروش، تهران، ص ۸.

^۲ - خامنه ای ، سید علی، ۱۳۷۵، فرهنگ و تهاجم فرهنگی ، انتشارات سازمان مدارک انقلاب اسلامی تهران ، ص ۲۶۱.

پوشش و حجاب را رعایت کنند. اصل آزادی اقتضا می کند جهت عدم سلب آزادی دیگران و عدم تهییج قوه شهویه دیگران پوشش و حجاب را رعایت کنند.^۱

ویل دورانت مورخ مشهور نیز می نویسد: «در زمان زرتشت پیغمبر، زنان همان گونه که عادت پیشینیان بوده منزلت عالی داشتند و با کمال آزادی و روی گشاده در میان مردم آمد و شد می کردند و صاحب ملک و زمین می شدند و در آن تصرفات مالکانه داشتند. پس از داریوش، زنان طبقات بالای اجتماع جرأت آن را نداشتند که جز در تخت روان سرپوش دار از خانه بیرون بیایند و هرگز به آنان اجازه داده نمی شد که آشکارا با مردان آمد و رفت کنند. و زنان شوهردار حق نداشتند هیچ مردی را ولو پدر و برادرشان باشد، ببینند. در نقش هایی که از ایران باستان برجای مانده است، هیچ صورت زن دیده نمی شود و نامی از ایشان به نظر نمی رسد.»^۲

دین زرتشت بر سه اصل اساسی یعنی اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک بنیان گذاشته است. مؤبدان در تغییر اندیشه و کردار نیک می گویند:

«یک زرتشتی مؤمن می بایست از نگاه ناپاک به زنان دیگر دوری جوید.» در نصیحت فوق علاوه بر تأکید بر لزوم پرهیز از بد چشم بودن از قبول نمودن آنان که در نگاه ناپاک هستند حتی به عنوان معاونت و کمک نهی شده است. در اندرز «آذربادمارالسنید» به مؤبد مؤبدان آمده است: «مرد بد چشم را به معاونت خود قبول نکن.»^۳

۲-۱-۳-۲ حجاب در آیین یهود

از مسلمات تاریخ این است که که حجاب در بین قوم یهود رواج داشته است، تا آنجا که همه مورخان نیز بدان تصریح کرده اند.

در کتاب مقدس «تورات» و کتاب فقهی «تلمود» که یکی از کتابهای مهم دینی و در حقیقت فقه مدون و آیین نامه زندگی یهودیان است به طور صریح و روشن وجوب پوشش سر از نامحرمان در بیرون از خانه، حتی برای عبور از راه مخصوص بین دو خانه، نهی از تشبّه زن به مرد و بالعکس در لباس پوشیدن، منع لمس و تماس و اختلاط با زن بیگانه، پرهیز از آرایش و ناز و صدا در آوردن خلخال های پا که موجب نزول قهر و عذاب الهی می گردد بیان شده است.^۴

۱ - محمدی آشنایی، علی، حجاب در ادیان الهی، ص ۱۳۷.

۲ - ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۵۵۲.

۳ - سالنمای ۱۳۷۲، چاپ انجمن زرتشتیان، تهران، ص ۱۰.

۴ - محمدی آشنایی، علی، حجاب در ادیان الهی، ص ۱۰۲.

یهود حجاب را مختص زن نمی داند بلکه از دیدگاه آنان ، مردان هم ملزم به رعایت حجاب ، مخصوصاً حجاب در نگاه هستند . به عنوان مثال ، از جمله قوانینی که در « تلمود » آمده است : « اجتناب از نگاه به نا محرم توسط مردان است . » و پاره ای از علمای یهود با این کلام عیسی (علیه السلام) موافق بودند که شخص ممکن است از راه چشم مرتکب زنا گردد .^۱

در کتاب « گنجینه ای از تلمود » آمده است :

« و اگر رفتار زن فضیحت آمیز باشد شوهر حق دارد او را بدون پرداخت مبلغ " کتوبا " « مهریه » طلاق دهد و زنانی که در موارد زیر به رفتار و کردار آنها اشاره می شود ازدواجشان باطل است و مبلغ کتوبا به ایشان تعلق نمی گیرد : « زنی که از اجرای قوانین دینی یهود سر پیچی می کند و فی المثل بدون پوشش سر خود به میان مردان می رود ، در کوچه و بازار پشم می ریسد و زنی که با صدای بلند در خانه با شوهر خود درباره امور زناشویی صحبت می کند و همسایگان او می شنوند که چه می گوید.»^۲

آن چه از این نوشته بر می آید این است که در تلمود مجازات سنگین «طلاق بدون پرداخت مهریه برای متخلفین از قانون حجاب پیش بینی شده است .

ویل دورانت نیز می نویسد : « اگر زنی به نقض قانون یهودی می پرداخت مثلاً بی آن که سر خود را پوشانده باشد به میان مردم می رفت، با هر سنجی از مردان درد و دل می کرد یا صدایش آنقدر بلند بود که چون در خانه تکلم می کرد همسایگان می شنیدند در آن صورت مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد.^۳

در تورات از چادر ، برقع و روبنده ای که زنان با آن ، سر و صورت و اندام خویش را می پوشانده اند به طور صریح نام برده شده است ، که نشانگر کیفیت پوشش زنان یهود در آن عصر است . برای نمونه در کتاب روت آمده است :

« بُوَعَز به آن زن گفت : چادری که بر تو است بیاور و بگیر . پس آن بگرفت و او شش کیل جو پیموده بر وی بگذارد و به شهر رفت. »^۴

ویل دورانت در مورد لزوم سکوت زن و پرهیز از آرایش در آیین یهود می نویسد :

۱- همان، ص ۱۶۰.

۲ - کهن، آبرهام، ۱۳۵۰، گنجینه ای از تلمود، امیر فریدون گرگانی، انتشارات یهودا، تهران ص ۲۷۸.

۳ - ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۴، ص ۴۶۱.

۴ - تورات، کتاب روت ، باب سوم ، فقره ۱۵۰.

« به تفصیل تمام از پرگویی زنان اظهار تأسف می کردند ، اعتیاد را به استعمال سرخاب و سرمه نکوهیده می شمردند. موافق بودند که مرد باید برای پوشاک زن خویش سخاوتمندانه خرج کند ، لکن غرض آن بود که زن خود را برای شوهر خویش بیاراید نه برای سایر مردها.»^۱

نیز در تورات آمده است: « و خداوند می گوید از این جهت که دختران صهیون با گردن افراشته و غمzات چشم راه می روند و به ناز می خرامند و به پاهای خویش خلخال ها را به صدا در می آورند بنابراین خداوند فرق سر دختران صهیون را کل خواهد ساخت و به عوض عطریات عفونت خواهد شد و به عوض کمر بند ریسمان و به عوض موهای بافته کلی و عوض زیبایی سوختگی خواهد افتاد.»^۲

۲-۱-۳-۳ حجاب در آیین مسیح

رواج حجاب در مسیحیت، وجوب و رعایت آن از سوی زنان مسیحی ، مطلبی است که هم کتب عهدجدید یعنی اناجیل به آن اشاره دارند وهم سیره عملی زنان مسیحی شاهد و گواه بر آن است .

بنابراین مسیحیت که بعد از شریعت یهود به مرحله ظهور رسید نه تنها احکام سخت شریعت یهود در مورد حجاب زنان را استمرار بخشید بلکه در برخی موارد ، آن را تشدید هم نمود .

انجیل نه تنها در مواضع متعدد وجوب حجاب و پوشش را تذکر داده است بلکه در برخی از آیات خود کوشیده است درون را از تمایل به اعمال شهوانی منزّه سازد و بدین وسیله عفاف درون را پشتوانه مستحکم حجاب برون قرار دهد .

در کتاب مقدس مسیحیان به طور صریح آیاتی درباره لزوم عفت و خانه نشینی ، آراستگی زن به وسیله حیاء پرهیز از آرایش با زیور آلات و بافتن موی ، هم چنین وجوب پوشاندن موی سر به ویژه در مراسم عبادی ، سکوت در کلیسا و داشتن وقار آمده است.^۳

در کتاب مقدس چنین آمده است :

« ای زنان ، شما را زینت ظاهری نباشد از بافتن موی و متحلی شدن به طلا و پوشیدن لباس بلکه انسانیت باطنی قلبی در لباس غیر فاسد روح حلیم و آرام که نزد خدا گرانبهاست زیرا بدین گونه زنان

۱ - ویل ، دورانت ، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۳۱.

۲ - تورات ، کتاب اشیاء ، نبی ، باب سوم ، فقره (۱۶ _ ۲۶).

۳ - محمدی آشنایی ، علی ، حجاب در ادیان الهی ، ص ۱۱۳.

مقدّسه در سابق نیز که متوکّل به خداوند بودند خویش را زینت می نمودند و شوهران خود را اطاعت می کردند، مانند ساره که ابراهیم را مطیع بود و او را آقا می خواند و شما دختران او شده اید.^۱

اما هر زنی که سر برهنه دعا کند، سر خود را رسوا می سازد. زن می باید عزّتی بر سرداشته باشد. به سبب فرشتگان در دل خود انصاف دهید آیا شایسته است که زن نا پوشیده نزد خدا دعا کند.

پس در جایی که برای دعا باید سر زن پوشیده باشد. به هنگام روبرو شدن با نامحرم پوشش سر لازم تر خواهد بود.^۲

در انجیل برنابا نگاه به زنان گناهی شمرده شده که یاد آن موجب شرم است: «پس حالا آن کسی که به زنان نظر می کند و فراموش می کند خدایی که زن را برای خیر انسان آفریده او را دوست داشته و خواستار او شده *و این شهوت او به جایی رسیده که دوست می دارد با او هر چیزی را که شبیه است به آن چیز محبوب، پس ناشی می شود از آن گناهی که از یاد نمودن آن شرم می آید* پس چون انسان به چشم های خود لجامی نهد آقای حس می شود»^۳

در روایاتی که از اهل بیت (ع) نقل شده است می خوانیم که حضرت عیسی(ع) فرموده اند :

از نگاه کردن به زنان بپرهیزید زیرا شهوت را در قلب می رویاند و همین برای ایجاد فتنه برای نگاه کننده کافی است.^۴

می بینیم که حضرت مسیح (ع) همانند انبیاء و اوصیای دیگر از نگاههای لغزش آور نهد می کند.

۱ - انجیل، رساله پطرس رسول، باب سوم، فقره ۶-۱.

۲ - همان، رساله اول پولس رسول به قرنثیان، باب یازدهم، فقره (۱-۶).

۳ - انجیل برنابا، علامه حیدر قلی سردار کابلی، فصل ۱۱۹، فقره ۵-۸ ص ۵۳۸.

۴ - قمی، عباس، بی تا، سفینه البحار، دار المرتضی، بیروت، ص ۵۹۶، ماده نظر.

۲-۱-۳-۴ پوشش زنان عرب قبل از اسلام

زنان عرب قبل از اسلام به پوشش کامل مقید نبودند و لباس های زنانه ، تمام بدن را نمی پوشاند و مقداری از سرو گردن و سینه و دست و پای آنان باز بود.

زمخسری در این زمینه نوشته است :

گریبان جامه زنان گشاد بود ، به گونه ای که گودی گردن ، سینه ها و اطراف آن آشکار می شد. زنان روسری خود را به پشت سر می بستند واز جلو ، مکشوف می ماندند....^۱

شواهد متعددی از قرآن نیز حاکی از این نکته است که در جامعه عرب قبل از اسلام زنان برای حضور در اجتماع از پوشش مناسب و مطلوبی برخوردار نبودند ، به همین دلیل همسران پیامبر (ص) از متابعت آن الگو منع شدند .

چنان که خداوند متعال می فرماید :

«ای همسران پیامبر شما هم چون یکی از زنان معمولی نیستید اگر تقوا پیشه کنید ، بنابراین به گونه ای هوس انگیز سخن نگوئید که بیمار دلان در شما طمع کنند و سخن ناشایسته نگوئید و در خانه های خود بمانید و همچون جاهلیت نخستین ((در میان مردم ظاهر نشوید و))^۲

دستور های اصلاحی اسلام نسبت به پوشش زنان نیز حاکی از برخی نقص ها و کاستی ها در پوشش آن دوره و فاصله آن با پوشش مورد سفارش اسلام است .

چنان که خداوند می فرماید :

ای پیامبر : « به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو جلباب های خود را بر خویش فرو افکنند این کار برای این که (به عفت و پاکدامنی شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است و خداوند همواره غفور و رحیم است.^۳

در تفسیر نمونه آمده است :

« در آن زمان معمول بوده است که کنیزان بدون پوشش سر و گردن از منزل خارج می آمدند و از آن جا که از نظر اخلاقی وضع خوبی نداشتند گاهی جوانان هرزه مزاحم آنها می شدند ، در این جا به زنان

۱ - زمخسری، محمدبن عمر، ۱۴۰۷ هـ. ق ، الکشاف ، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت ، ج ۳ ، صص ۲۳۱ ، چاپ اول.

۲ - احزاب ، آیه ۳۲ و ۳۳

۳ - احزاب، ۵۹ .

دستور داده شد که حجاب اسلامی را کاملاً رعایت کنند تا مورد اذیت و آزار قرار نگیرند در ادامه نیز به مزاحمان اخطار شدید داده شده است.^۱

۲-۱-۳-۵ حجاب در شریعت اسلام

اسلام که آخرین آئین الهی و بالطبع کامل ترین دین است و برای همیشه و همه بشریت ، از طرف خداوند عالم نازل شده است . لباس را « هدیه الهی » معرفی نموده و وجوب پوشش زنان را با تعدیل و انتظام مناسبی به جامعه بشری ارزانی داشته است . از انحرافات و افراط و تفریط هایی که پیرامون پوشش زنان وجود داشته است اجتناب نموده و در تشریح قانون ، حد و مرزی متناسب با غرایز انسانی را در نظر گرفته است . در حجاب اسلامی ، سهل انگاری های مضر و سخت گیری های بی مورد وجود ندارد .

اسلام با توجه به فطرت انسانی و نیاز به پوشش ، حجاب را در عرصه های عمومی مطرح کند و برای پاسخ گویی به غریزه خود نمایی و تبرج زنان ، آنها را تشویق به زینت در عرصه های خصوصی می کند تا با رعایت حکم حجاب و پرهیز از اختلاط حرمت و کرامت انسانی خود را حفظ نمایند.

همان طور که در تاریخچه اشاره شده در ادیان گذشته نیز حجاب وجود داشته است ولی حکم حجاب در دین اسلام بسیار مترقی است ، زیرا برای حجاب حدی متناسب با غرایز انسانی در نظر گرفته شده است . به همین دلیل بود که وقتی حکم حجاب وضع شد زنان از این دستور حکیمانه الهی استقبال کردند. دلیل این مدعا گزارشی است که عایشه از استقبال زنان از آیات حجاب ارائه کرده است: «من برتر از زنان انصار ندیدم همین که آیات سوره احزاب نازل شد یک نفر از آنان دیده نشد که مانند سابق بیرون بیاید سر خود را با جلباب های مشکی می پوشاندند گویی کلاغ روی سرشان نشسته است.» بعد از نزول آیات حجاب زنان مدینه احساس شخصیت می کردند و این دستور الهی را با اشتیاق پذیرفتند و بی درنگ به این واجب الهی عمل کردند.^۲

دستورهای اسلام ، در بیان زنان تحولی چشمگیر پدید آورد .

در سنن ابی داوود از ام سلمه چنین نقل شده است : پس از آن که آیه «يُدْنِينَ عَلِيَهُنَّ مِنَ الْجَلَابِيْبِ»^۳ نازل شد ، زنان مسلمان ، حجاب و پوشیدگی را شعار خود ساختند و در طول زندگی خویش حجاب را مایه کرامت انسانی خود شمردند و بدان افتخار کردند.^۴

۱ - مکارم شیرازی ، ناصر، ۱۳۷۶ ه. ش ، تفسیر نمونه ، دارالکتب الاسلامیه ، تهران ج ۱۷ ، ص ۴۲۷ ، چاپ شانزدهم .
۲ - سیوطی ، عبدالرحمان بن کمال جلال الدین، ۱۴۱۴ ه. ق. ، الدار المنثور، دارالفکر، بیروت، ج ۶ ، ص ۶۵۹ ، چاپ اول .
۳ - احزاب ، ۵۹ .
۴ - ابی داود ، سلیمان بن الأشعث، ۱۴۰۹ ق ، سنن ابی داود ، انتشارات مؤسسه الکتب الثقافیه ، بیروت .

شهید مطهری در این باره می نویسد :

اسلام می گوید : نه حبس نه اختلاط، بلکه حریم، سنت جاری مسلمین از زمان رسول خدا همین بوده است که زنان از شرکت در مجالس و مجامع منع نمی شدند. ولی همواره اصل «حریم» رعایت شده است . در مساجد و مجامع ، حتی در کوچه و معبر، زن با مرد مختلط نبوده است . شرکت مختلط زن و مرد در برخی مجامع مانند برخی مشاهد مشرفه که در زمان ما محل ازدحام فوق العاده است ، بر خلاف مرضی شارع مقدس اسلام است.^۱

بنابراین از بررسی و مقایسه حدود و کیفیت حجاب در ادیان الهی استنباط می شود که حجاب در ادیان دیگر ، نسبت به اسلام از شدت بیشتری برخوردار بوده است . به طور مثال پوشاندن صورت ، گرچه در زمان زرتشت معمول نبوده ولی بعد از او در میان زرتشتیان معمول شده است .

استفاده زنان از چادر و روبند از ارکان اخلاقی مسیحیان و یهودیان محسوب می شده است در حالی که بنابر نظر اکثر فقهای اسلامی ، پوشاندن صورت واجب نیست . لزوم کناره گیری کامل زن در ایام حیض در دین زرتشت ، محق دانستن مرد در طلاق زنی که صدایش در کوچه شنیده شده باشد بدون پرداخت مهریه از طرف دین یهود ، رکن بودن چادر و روبند و ذکر نام آن دو به طور صریح در کتاب مقدس مسیحیان و وجوب سکوت زن نزد بیگانه و در کلیسا از طرف مسیحیت ، بهترین گواه برای مطالب است. بنابراین نه تنها اسلام واضع قانون حجاب نبوده است بلکه در جهت جلوگیری از افراط و تفریط های که در طول تاریخ در مورد حجاب به وجود آمده بود ، به قانونمند کردن و تنظیم آن همت گماشته است و آن را به صورتی متعادل ، صحیح و متناسب با فطرت انسانی زن و غیرتمندی مرد ارائه نموده است .

۱ - مطهری ، مرتضی ، ۱۳۸۸، مسئله حجاب، صدر، قم، ص ۲۲۰، چاپ هشتم.

۲-۲ حکم حجاب و ادله ی آن

۲-۲-۱ حکم فقهی حجاب

نگاهی به مبانی حجاب و عفاف که برخاسته از حقایق دین و در افق بالاتر از عالم ماده تدوین و تبیین شده است در عصر برهنگی تنها پاسخ مثبت و حقیقی به نیازهای درونی و بازگشت به گرایش های فطری جامعه انسانی است که سلامت، امنیت و کمال را در خانواده و اجتماع میسر می سازد و این انتخاب تنها راه رسیدن به کمال و سعادت الهی است.

اگر چه فقها در کم و کیف پوشش اختلاف نظر دارند ولی در اصل وجوب آن بر زنان در برابر مردان نامحرم هیچ اختلافی ندارند و این حکم مورد اجماع علمای اسلام است. علامه حلی می نویسد:

«عورة المرأة جميع بدنها إلا الوجه باجماع علماء الأمصار عدا أبابكر بن عبدالرحمن بن هشام: فإنه قال: كل شيء من المرأة عورة حتى ظفرها، وهو مدفوع بالإجماع. و أما الكفان: فكالوجه عند علمائنا أجمع. و به قال مالك والشافعي والأوزاعي و أبو ثور و قال أحمد و داود: الكفان من العورة؛^۱

بنابر اجماع دانشمندان شهرها، عورت زن عبارتست از همه ی بدن او به جز چهره، به جز ابابکر بن عبدالرحمن بن هشام که گفته است: همه بدن زن، حتی ناخن های او، عورت است. و این سخن، به اجماع، مردود است. اما دو دست نیز از نظر همه ی علمای ما، مثل چهره است و فتوای مالک و شافعی و اوزاعی و ابو ثور نیز همین است.... ولی احمد و داود گفته اند: دو دست از عورت است.

نیز در مبحث لباس نمازگزار از کتاب ارشاد الاذهان می نویسد:

جَسَدَ الْمَرْأَةِ كُلُّهُ عَوْرَةٌ عِداً الْوَجْهَ وَالْكَفَّيْنِ وَالْقَدَمَيْنِ^۲. همه ی بدن زن، جز چهره، دو دست و قدم های او، عورت است.

۱ - حلی، حسن بن یوسف، (علامه) ۱۴۱۴ ق، تذکره الفقهاء، مؤسسه آل البيت (ع)، قم، ج ۲، ص ۴۴۸.

۲ - حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۰، قواعد الاحکام، چاپ شده در سلسله الینابیع، ج ۲۷، ص ۵۳۳، چاپ اول.

صاحب جواهر، پس از بیان دلیل هایی بر وجوب پوشیدن عورت و حرمت نگرستن به آن می نویسد:

والحاصلُ ما دلّ وجوب السّتر و حرمة النظر أكثر من أن يُحصى.^۱ «حاصل سخن این است که آنچه بر وجوب پوشانیدن عورت و حرمت نگرستن بدان دلالت دارد بیش از آن نیست که به شمارش آید.»

عالمان فقه در مبحث نکاح نیز بر حرمت نگرستن به زنان نامحرم - به غیر از چهره و دستان آنان - اتفاق نموده اند.

شیخ طوسی در مبسوط می نویسد:

لا تحلّ لأجنبيّ أن تنظر إلى أجنبيه لغير حاجة و سبب، فنظره إلى ما هو عوره منها محظورٌ. و إلى ما ليس بعوره مكروهٌ، و هو الوجه و الكفان؛^۲ مرد نمی تواند بدون سبب، به زن نامحرم بنگرد. نگرستن او به قسمت هایی از بدن که عورت است، حرام و به آن قسمت هایی که عورت نیست یعنی چهره و دو دست، مکروه می باشد.

محقق حلی نیز می گوید: لا ينظر الرجل إلى الأجنبيه أصلاً إلا لضرورة، و يجوز أن ينظر إلى وجهها و كفيها مرّة، ولا يجوز معاودة النظر^۳

این حکم از نظر فخرالمحققین، مورد اجماع علمای اسلام و از نگاه صاحب جواهر از احکام ضروری دین و مذهب است.^۴

چنان چه گفته شد مسأله حجاب و اصل وجوب پوشش زن در برابر مرد نامحرم از اصول مسلم و بدیهی اسلام است که مورد اتفاق جمیع فقهای اسلام می باشد و آن چه می تواند به گونه صریح مستند حکم مزبور یعنی وجوب پوشش زنان در برابر مردان نامحرم باشد. شماری از نصوص قرآنی و روایی است و

۱ - نجفی، محمد حسن، ۱۳۶۶، جواهر الکلام، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ج ۲، ص ۳، چاپ دوم.

۲ - طوسی محمد بن حسن، ۱۳۸۸ ق، مبسوط، المطبعة الحیدریه، تهران، ج ۴، ص ۱۶۰، چاپ دوم.

۳ - محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین، جعفر بن حسن، ۱۳۷۴ ش، شرایع الاسلام، انتشارات اعلمی، تهران، ج ۲، ص ۲۶۹، چاپ دوم.

۴ - فخرالمحققین، محمد بن علامه حلی، ۱۳۸۹ ق، ایضاح الفوائد، اسماعیلیان، قم، ج ۳، ص ۶، چاپ اول، نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج

۲۹، ص ۷۵

علاوه بر آن‌ها دلایل دیگری از جمله سیره‌ی زنان مسلمان، براهین عقلی و فطرت انسانی نیز بر حکم مزبور دلالت دارند. که در این قسمت به بررسی نصوص قرآنی و روایی پرداخته می‌شود.

۲-۲-۲ ادله وجوب حجاب

۲-۲-۱-۱ قرآن

در بررسی حکم شرعی حجاب آیاتی از قرآن کریم بر وجوب و حدود پوشش دلالت دارند. در سوره نور، آیه ۳۱ که حدود حجاب را بیان می‌کند و از مهم‌ترین آیات در این زمینه است دستورهایی برای حفظ حریم عفاف و حجاب بیان شده است و در سوره احزاب آیه ۵۹ که به اصل وجوب حجاب زنان تصریح نموده و در پایان به یکی از فلسفه‌های حجاب که عدم آزار از ناحیه مزاحمان است اشاره کرده است، نیز آیه ۶۰ سوره نور که حکم حجاب زنان سالخورده را بیان می‌کند که در این فصل به بررسی این آیه پرداخته می‌شود.

۲-۲-۱-۲ آیه ۳۱ سوره نور

و قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرَ أُولَى الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنَ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ^۱

یعنی و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که ظاهر است آشکار ننمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشیده شود) و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدر شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران همسرشان یا برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان هم‌کشیشان یا بردگانشان (کنیزانشان) یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند یا کودکانی که از امور

۱- ۳۱، نور.

جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند آن ها هنگام راه رفتن پای های خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود (و صدای خلخال که برپا دارند به گوش رسد) و همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان تا رستگار شوید.

در شأن نزول آیه آمده است:

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِسْتَقْبَلَ شَابٌّ مِّنَ الْأَنْصَارِ امْرَأَةً بِالْمَدِينَةِ وَكَانَ النَّسَاءُ يَتَفَعْنَ خَلْفَ آذَانِهِنَّ فَتَنْظُرُ إِلَيْهَا هِيَ مُقْبِلَةٌ فَلَمَّا جَاوَزَتْ نَظَرَ إِلَيْهَا وَدَخَلَ فِي زِقَاقِ قَدِ سَمَاءِ بِنْتِ فُلَانٍ فَجَعَلَ يَنْظُرُ خَلْفَهَا وَاعْتَرَضَ وَجْهَهُ عَظْمٌ فِي الْحَائِطِ أَوْ زُجَاجِهِ فَشَقَّ وَجْهَهُ فَلَمَّا مَضَتْ الْمَرْأَةُ فَإِذَا الدَّمَاءُ تَسِيلُ عَلَى صَدْرِهِ وَثُوبِهِ فَقَالَ: وَاللَّهِ لَا تَيْنَ رَسُولَ (ص) وَ لِأَخْبِرَنِي قَالَ: فَاتَاهُ فَلَمَّا رَأَى رَسُولَ (ص) قَالَ لَهُ: مَا هَذَا؟ فَأَخْبَرَهُ فَهَبَطَ جَبْرئِيلُ (ع) بِهَذِهِ الْآيَةِ «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فَرُوجَهُمْ ذَلِكُ أَزْكَى لَهُمْ إِنْ أَلَّ اللَّهُ خَيْرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ»^۱

جوانی از انصار در مدینه با بانویی رو به رو شد و چنان فریفته او شد که لحظه ای چشم از او بر نمی داشت. در بین راه به سبب بی توجهی به اطراف و غرق شدن در جمال آن زن و بر اثر برخورد شیشه یا استخوانی که در دیوار بود صورت آن جوان شکافته شد و خون جاری گردید و سینه و لباسش را آلوده کرد و جوان سوگند خورد که جریان واقعه را به عرض پیامبر (ص) برساند. از این رو حضور آن حضرت رفت. وقتی پیامبر (ص) آن حالت را در وی مشاهده کرد و از سبب آن جويا شد جوان قضیه را شرح داد و چگونگی مصدوم شدن خود را به سمع پیامبر (ص) رسانید. در پی این امر جبرئیل نازل شد و آیه فوق را آورد.

لازم به یادآوری است اگر چه این روایت به عنوان شأن نزول آیه ۳۰ سوره نور آورده شده اما باید توجه داشت که آیه ۳۰ و ۳۱ نور باهم نازل شده اند.^۲ بنابراین شأن نزول آیه هر دو آیه محسوب می شود و چنان که تفسیر صافی این حدیث را در شأن نزول آیه (ولا یُبدینَ زینتَهُنَّ الا ما ظهَرمنها) بیان کرده

۱ - کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵، کافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۵، ص ۵۲، چاپ چهارم.

۲ - کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵، فروع الکافی، دار الکتب الاسلامیه، ج ۵، باب ۱۶۰، حدیث ۵، ص ۵۲۰

است و در این دو آیه خداوند حکم نگاه و پوشش مردان و زنان هر دو را بیان می کند.^۱ سوره نور در حقیقت سوره عفت و پاکدامنی و پاکسازی از انحرافات است و بحث های مختلف آن از این نظر انسجام روشنی دارد.

آیه ی مورد بحث که احکام حجاب و نگاه کردن را بیان می کند نیز کاملاً به این امر مربوط است. در این آیه، سه فراز نورانی (وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا) (وَلِيَضْرِبَنَّ بِخُمْرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ) (وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ) به روشنی بر اصل وجوب پوشش دلالت دارند.^۲ که به ترتیب بیان می شوند.

فراز اول : اولین حکمی که در آیه بیان شده است (وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا) زنان نباید زینت خود را آشکار سازند جز آن مقدار که طبیعتاً ظاهر است.

در این که منظور از زینتی که زنان باید آن را بپوشانند و هم چنین زینت آشکاری که در اظهار آن مجازند چیست؟ در بیان مفسران اختلاف نظر است.

بعضی از مفسران زینت پنهان را به معنی زینت طبیعی (اندام زیبای زن) گرفته اند و برخی دیگر آن را به معنی «محلّ زینت» گرفته اند. زیرا آشکار کردن خود زینت مانند گوشواره و دستبند و بازوبند به تنهایی مانعی ندارد، و برخی دیگر آن را به معنی خود زینت آلات گرفته اند. منتها در حالی که روی بدن قرار گرفته باشد. در هر صورت برای روشن شدن این موضوع ابتدا مفهوم زینت بررسی شده و سپس نظرات مفسران بیان می شود.

در بررسی لفظ «زینت» باید گفت حقیقت زینت عبارت است از نیکویی در ظاهر هر چیز، خواه عرضی یا ذاتی باشد. پس زینت در زن هر آن چیزی است که از زیبایی ها و نیکویی هایش آشکار می شود.^۳

یعنی هم شامل زیبایی ها و آرایه های طبیعی و خلقی می شود و هم شامل زیبایی ها و آرایه های آرایشی و عارضی، خواه بدان متصل باشد مانند سرمه و حنا و خواه قابل انفکاک باشد مانند دستبند، گردن بند و^۴

۱ - فیض کاشانی، ملا محسن، ۱۴۱۶ ق، تفسیر صافی، مؤسسه الهادی، قم، ج ۳، ص ۴۳۰، چاپ دوم.

۲ - کلانتری، علی اکبر، ۱۳۸۹، فقه و پوشش بانوان، بوستان کتاب قم، ص ۳۷، چاپ چهارم.

۳ - مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، التحقیق فی کلمات القرآن، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ج ۴، ص ۳۷۵.

۴ - مودودی، ابوالاعلی، ۱۳۷۹، تفسیر سوره نور، نشر احسان، تهران، ص ۱۶۵.

در کتب تفسیری برخی گفته اند مراد از زینت در آیه، مواقع و مواضع زینت است و آیه از باب «تعبیر حال و اراده محل» لفظ زینت را آورده، مرادش قسمت هایی از بدن زن است که محل قرار گرفتن زینت و زیور آلات مثل دست و پا و گردن و سینه و گوش است، آشکار کردن و نگاه کردن به خود زینت که قطعاً خالی از اشکال است و ذکر زینت بدون مواضعش برای مبالغه بر پوشش بوده زیرا این زینت ها واقع بر مواضعی هستند که به طریق اولی نگاه کردن نامحرم به آن مواضع و آشکار کردن آن ها در برابر نامحرم حرام است جز در مواردی که استثنا شده است.^۱

برخی دیگر از مفسرین بر این نظرند که مراد از زینت در آیه شریفه نفس زینت است یعنی چیزهایی که سبب تزئین و تجمل می شود و دلیل ندارد که از ظاهر آیه چشم بپوشیم و مواضع را در تقدیر بگیریم.^۲

علامه طباطبائی نیز می نویسد: «ابداء» به معنی آشکار نمودن است و منظور از زینت (که طبق آن نباید آن را آشکار ساخت) محل های زینت است. زیرا آشکار نمودن خود زینت مثل دستبند و انگو حرام نیست. بنابراین منظور جایگاه زینت است که آشکار نمودنش حرام می باشد.^۳

نکته قابل توجه این که در آیه مذکور از آشکار نمودن خود زینت نهی شده است. اگر منظور از زینت، زیور آلات، مانند دستبند و گردن بند و خلخال باشد آشکار نمودن محل آن ها به طریق اولی مورد نهی و حرام است. بنابراین مفاد این دستور این است که زنان نباید آرایش و زیور آلات خود را آشکار سازند. و سپس دو استثنا برای این وظیفه ذکر شده است که در ذیل مورد بررسی قرار می گیرد:

استثنای اول: (أَلَا مَا ظَهَرَ مِنْهَا)، یعنی جز زینت هایی که آشکار باشد. در تعیین مصداق زینت ظاهری که در این آیه، از مورد نهی، استثنا شده اقوال زیر بیان شده است:

۱- لباس ۲- سرمه، انگشتر، گونه ها و حنای کف دست؛ ۳- سرمه، انگو و انگشتر، ۴- چهره و سرانگشتان؛ ۵- چهره و دو دست.^۴

۱ - مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، بی تا، زبدة البیان فی احکام القرآن، تحقیق و تعلیق محمد باقر بهبودی، مکتبه المرتضویه، تهران، ص ۵۴۵، سیفی مازندرانی، علی اکبر، ۱۳۷۵، دلیل تحریر الوسیله، احکام الستر و النظر الامام الخمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ص ۴۵.

۲ - سیوری، جمال الدین مقداد بن عبدالله (فاضل مقداد)، ۱۳۸۰ ش، کنز العرفان فی فقه القرآن، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ج ۲، ص ۲۸۷.

۳ - طباطبائی، محمد حسین، المیزان، ج ۱۵، ص ۱۱۱

۴ - طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۵ ق، مجمع البیان، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ج ۷، ص ۲۴۱، چاپ چهارم.

- در روایت صحیحہ ای، عبدالله بن جعفر حمیری از هارون بن مسلم و او از مسعدہ بن زیاد چنین نقل می کند: « قال سمعتُ جعفرًا و سئل عما تُظهر المرأة من زينتها. قال: الوجه والكفين: ^۱ شنیدم از امام جعفر صادق (ع) درباره چیزی که زن می تواند از زینتش آن را آشکار کند، پرسیده شد فرمود: چهره و دو دست را.

این روایت که در مقام تفسیر فراز نورانی (وَلَا يُبْدِينَ زَيْنَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا) در آیه می باشد، افزون بر کمیّت پوشش، بر اصل وجوب آن نیز دلالت دارد.

و نیز در روایت دیگری شیخ کلینی آورده است:

«عن زرارہ عن ابی عبدالله (ع) فی قوله تعالیٰ اَلَا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» قال : «الزینة الظاهرة الکحل والخاتم» ^۲.

از امام صادق (ع) سؤال شد که منظور از زینت آشکار که پوشیدنش برای زن واجب نیست چیست؟ فرمود زینت آشکار عبارتست از سرمه و انگشتر .

- در روایتی از امام محمد باقر (ع) در تفسیر آیه شریفه (وَلَا يُبْدِينَ زَيْنَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا) نقل شده که فرمودند:

«فهی ثيابٌ والكحل والخاتم و خضاب الکفّ و السوار والزینة ثلاثٌ: زینة للنّاس و زینة للمحرم و زینة للزوج. فما زینة للنّاس فقد ذکرناها و اما زینة للمحرم فموضع القلادة فما فوقها والدملج و ما دونه و الخلخال و ما أسفل منه و اما زینة الزوج فالجسد کله» ^۳.

امام باقر (ع) فرمود: زینت ظاهر عبارت است از جامه، سرمه، انگشتر، خضاب دستها، النگو. سپس فرمود زینت سه نوع است: یکی برای همه مردم است و آن همین است که گفتیم. دوم برای محرم ها است و آن جای گردن بند و به بالاتر و جای بازوبند به پایین و خلخال به پایین است. سوم زینتی است که اختصاص به شوهر دارد و آن تمام بدن زن است.

۱ - حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۳۹۱ ق، وسائل الشیعه، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت، ج ۱۴، ابواب مقدمات نکاح، باب ۱۰۹، حدیث ۵، ص ۱۴۶، چاپ چهارم.

۲ - کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، جلد ۵، ۵۲۱، حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۵.

۳ - قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۷۸، تفسیر قمی، تصحیح و تعلیق سید طبیب موسوی جزائری، نجف، ج ۲، ص ۱۰۱.

به هر حال لفظ زینت در هر یک از دو معنایی که مفسرین گفته اند، باشد بر وجوب پوشش مواضع زینت دلالت می کند بنابراین حتی اگر به ظاهر آیه استدلال کنیم و بگوییم مراد نفس زینت است هیچ منافاتی با قول کسانی که می گویند مراد مواضع زینت است ندارد زیرا در آیه نفس زینتی مراد است که متصل به بدن باشد چنان که روایات وارده در تفسیر استثنایی که از این زینت است به هر دو معنا دلالت دارد. مثلاً در صحیح مسعده بن زیاد آمده، مراد از استثنا (أَلَّا مَا ظَهَرَ) وجه و کفین است.^۱

که اشاره دارد به مواضع زینت. و در روایت زراره آمده، مراد از استثنا سرمه و انگشتری^۲ است که بر خود زینت دلالت دارد.

فراز دوم: دومین حکمی که در آیه بیان شده، فراز نورانی، (وَلِيَضْرِبَنَّ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ) «آنها باید خمارهای خود را بر سینه های خود بیفکنند».

در آیه ی مورد بحث، واژه ی «خُمُر» جمع خمار است و این دو کلمه در اصل به معنی پوشش است و اگر شراب را به زبان عربی خمر گویند از این روست که موجب پوشیدن حواس ظاهری و باطنی است و از این رو به روسری خمار می گویند که زن به وسیله آن سرش را می پوشاند.^۳

در لسان العرب آمده است: «الخِمَار ما تَعَطَّى بِه المرأَةُ رَأْسَهَا»^۴، خمار پوششی است که زن با آن سر خود را می پوشاند.

طبرسی نیز گفته است:

خُمُر، جمع خمار و به معنای مقنعه است و آن پوشش سر و گریبان زن است.^۴

تعبیر به «ضرب» اشاره دارد به شدت پوشش و محکم نمودن مقنعه به هر طریق ممکن، خواه با بستن، یا گره زدن و وصل نمودن، تا این که از روی گریبان کنار نرود و تعبیر به صیغه امر (وليضربن) به تأکید

۱ - حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۴، کتاب نکاح، باب ۹، ج ۳، ص ۱۴۶.

۲ - حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۴۶، کلینی، محمد بن یعقوب، فروع الکافی، ج ۵، ص ۳، ص ۵۲۰.

۳ - مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، التحقیق فی کلمات القرآن، بنگاه نشر و ترجمه کتاب، تهران، ج ۳، ص ۱۲۹.

۴ - ابن منظور، محمد، لسان العرب، ج ۴، ص ۲۱۳.

۴ - طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۴۱.

آن اشاره دارد. و واژه «جیوب» جمع «جیب» به معنی یقه ی پیراهن است که از آن تعبیر به گریبان می شود گاه به قسمت بالای سینه به تناسب مجاورت با آن نیز اطلاق می شود.^۱

در تفسیر مجمع البیان در ذیل آیه مورد بحث آمده است:

«زنان مأمور شده اند که روسری های خود را بیفکنند تا دور گردن آن ها پوشیده شود. گفته شده است که قبلاً دامنه روسری ها را به پشت سر می افکندند و سینه ها یشان پیدا بود. کلمه «جیوب» «گریبان ها» کنایه است از سینه ها، زیرا گریبان هاست که روی سینه ها را می پوشاند و گفته شده است که از آن جهت این دستور رسیده است که زنان موها و گوشواره ها و گردن های خویش را بپوشانند.^۲

در سومین حکم، مواردی را که زنان در آن جا می توانند حجاب خود را بگیرند و زینت پنهان خود را آشکار سازند با این عبارت شرح می دهد. (وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ) یعنی زینت های خود را آشکار نکنند مگر برای شوهرانشان و... که دوازده مورد استثنا شده اند و غالباً کسانی هستند که در اصطلاح فقه به نام محارم نامیده می شوند.

- استثناء دوم: بخش اول آیه با جمله «لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ» حکم عامی را صادر می کند گویی در مقابل جمیع افراد این دستور را باید اجرا نمود. اما استثنا «إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ»...» افرادی را از تحت عام خارج می سازد. گروه های دوازده گانه که اعم از محارم نسبی و سببی هستند و از آن عام استثنا شده اند. که عبارتند از «شوهرانشان، پدرانشان، پدران شوهرانشان، پسرانشان، پسران همسرانشان، برادرانشان، پسران برادرانشان، پسران خواهرانشان، زنان هم کیششان، بردگانشان، طفیلیانی که تمایلی به زن ندارند و یا کودکانی که از امور جنسی بی خبرند یا توانایی کار زناشویی ندارند. در موارد ذکر شده چهار مورد اخیر نیاز به بحث و بررسی دارد:

الف: «نِسَائِهِنَّ» نهمین گروهی که از حکم عام یاد شده استثنا شده اند «زنان» هستند مصداق نِسَائِهِنَّ در این آیه نیازمند بررسی است. به تصریح فقها، بانوان می توانند به تمامی بدن بانوان به جز شرمگاه آنان بنگرند. چنان که مردان می توانند به تمامی بدن هم جنسان خود به جز شرمگاه آنها بنگرند، البته مشروط به این که نگرستن آنان به قصد لذت و از روی ریبه نباشد.

۱ - مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات قرآن، ج ۳، ص ۳۵۸

۲ - طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۳۸.

علامه در قواعد می نویسد: يجوز أن ينظر إلى مثله آلا العوره و إن كان شاباً حسن الصوره آلا لريبه أو تلذذ، كذا المرأة.^۱ مرد می تواند به مثل خود به جز شرمگاه او بنگرد، اگرچه جوان و زیبا چهره باشد، مشروط بر این که کار او از روی ریه یا لذت جویی نباشد. به همین ترتیب زن نیز می تواند به مثل خود نگاه کند.

سخن صاحب شرایع نیز به همین مضمون است:

يجوز أن ينظر الرجل إلى مثلها خلا عورته... ما لم يكن النظر لريبه أو تلذذ، و كذا المرأة.^۲
اما استثنایی که در آیه آمده، منظور از نساءن چیست؟ شیخ طوسی در تفسیر «نساءن» می نویسد:
«نساء المؤمنین دون نساء المشركين.»^۳

در روایتی که شیخ کلینی به سند معتبر از حفص بن بختری نقل می کند از قول امام صادق (ع) آمده است:

«لا ينبغي للمرء أن تنكشف بين يدي اليهودية و النصرانية فأنهن يصفن ذلك لأزواجهن.»^۴
سزاوار نیست که زن (مسلمان) نزد یهودی و نصرانی کشف حجاب نماید زیرا اینان وی را نزد شوهرانشان توصیف می کنند.

بر این اساس، صاحب جواهر می نویسد:

فعلى ذلك ليس للمسلمه أن تدخل مع الذميمة إلى الحمام ، بل مقتضى دليله عدم جواز ذلك لغير الذميمة من الكفار.^۵

بنابراین برای زن مسلمان، جایز نیست با زن ذمی (یهودی و مسیحی) به حمام رود، بلکه مقتضای آنچه در دلیل حکم آمده، روا نبودن این کار با زنان کافر غیر ذمی است.

۱ - حلی، حسن بن یوسف، قواعد الاحکام، چاپ شده در سلسله الینابیع الفقیهه، ج ۱۹، ص ۵۸۴.

۲ - محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن، شرائع الاسلام، ج ۲، ص ۲۶۹.

۳ - طوسی، محمد حسن، ۱۴۰۹، التبیان فی تفسیر القرآن، مطبوعه الاعلام الاسلامی، بیروت، ج ۷، ص ۴۳۰، چاپ اول.

۴ - حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۳. ابواب مقدمات نکاح، باب ۹۸ حدیث ۱.

۵ - نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۷۲.

چنان که صاحب جواهر اشاره می کند، بعضی مانند شیخ طوسی، در اثبات این حکم به آیه (وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ)^۱ استدلال کرده اند.^۲

در تفسیر نمونه آمده است: زنان مسلمان تنها می توانند در برابر زنان مسلمان حجاب را بر گیرند، ولی در برابر زنان غیر مسلمان باید با حجاب اسلامی باشند و فلسفه این موضوع چنان که در روایات آمده این است که ممکن است آن ها بروند و آنچه را دیده اند برای همسرانشان توصیف کنند و این برای زنان مسلمان صحیح نیست.^۳

ب- «مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ» ظاهر این جمله مفهوم وسیعی دارد و نشان می دهد که زن می تواند بدون حجاب در برابر برده ی خود ظاهر شود. ولی در بعضی از روایات اسلامی تصریح شده است که منظور از ظاهر شدن در برابر کنیزان است هر چند غیر مسلمان باشند و غلامان را شامل نمی شود. در حدیثی از امام علی (ع) آمده است: لا ينظر العبد الی شعر مولاته:^۴ «غلام نباید به موی زنی که مولای اوست نگاه کند.»

روایت دیگر از قاسم صیقل نقل شده است که:

قال: كتبت إليه أمّ عليّ تسأل عن كشف الرأس بين يدي الخادم، و قالت له: إن شيعتك اختلفوا عليّ، فقال بعضهم: لا بأس، و قال بعضهم: لا يحلّ.

فكتب عليه السلام: سألت عن كشف الرأس بين يدي الخادم، لا تكشف رأسك بين يديه فأنّ ذلك مكروه؛^۵

امّ علی در نامه ای که به امام (ع) نوشت، از حکم برهنه کردن سر در برابر خدمتکار پرسید و افزود: شیعیان در این مورد اختلاف دارند. بعضی می گویند: عیب ندارد، ولی بعضی می گویند: این کار حلال نیست.

۱ - نور، ۳۱

۲ - نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۲۱.

۳ - مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۳۵۱.

۴ - حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ابواب مقدمات نکاح، باب ۲۴، حدیث ۷، ص ۱۶۶.

۵ - همان، ص ۱۶۶.

حضرت در پاسخ وی نوشت: در مورد برهنه کردن سر در برابر خدمتکار پرسیده ای، سر خود را در برابر او برهنه نسا! که این کار مکروه است.

در کتاب فقه پوشش بانوان آمده است ممکن است گفته شود این روایت مضمهره است، زیرا معلوم نیست ام علی با چه کسی مکاتبه کرده است، افزون بر این که مضمون صریح روایت، مکروه بودن این کار است. ولی باید گفت به قرینه ی تعبیر ام علیّ به «شیعتک» تردیدی نیست در این که طرف مورد خطاب وی، یکی از امامان بوده است. تعبیر به کراهت نیز مانع از استدلال به روایت نمی شود زیرا بر خلاف دوران متأخر که این تعبیر در معنای خاص و در برابر حرمت استعمال شده، در عصر صدور روایت و مدت ها پس از آن، در معنایی اعم از حرمت و کراهت، استعمال می شده است.^۱ آنچه این سخن را تأیید می کند، روایت زیر است که آن را عبدالله بن جعفر حمیری با سندی از حسین بن علوان نقل می کند:

عن جعفر، عَن أَبِيهِ، عن علي عليه السلام أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ: لَا يَنْظُرُ الْعَبْدُ إِلَىٰ شَعْرِ سَيِّدَتِهِ؛^۲

امام جعفر صادق علیه السلام از پدرش و او از علی (ع) نقل کرد که ایشان می فرمود: غلام به موی خانمش نگاه نکند. تعبیر «كَانَ يَقُولُ» در این روایت نشان می دهد این سخن، به طور مکرر از امام علی (ع) صادر شده است.

بنابراین حکم مردانی که امروزه در برخی منازل و اماکن، به عنوان خدمتکار و سرایدار و مانند آن، به کار اشتغال دارند نیز روشن می شود، زیرا وقتی بر اساس دلیل های یاد شده، وجوب پوشش بانوان در برابر غلامان و خواجگان ثابت شده وجوب پوشش آنان در برابر مردان مزبور که از آزادگان هستند، به طریق اولی ثابت می شود، به ویژه با توجه به روایت قاسم صیقل که مورد پرسش و پاسخ در آن، عنوان کلی «خادم» بود.^۳

ج- (التَّابِعِينَ غَيْرَ أَوْلَىٰ الْإِرْبَةِ) «اربه» از ماده «أرب» به معنای نیازمندی و شدت احتیاج است. راغب در مفردات می گوید: الأرب فرطُ الحاجة المقتضى للاحتيال في رَفَعِهِ..... و قوله اولى الأربه کنایه عن الحاجة الى النكاح^۴ به معنی شدت احتیاج است که انسان برای برطرف ساختن آن چاره جویی

۱ - کلاتری، علی اکبر، نقد پوشش بانوان، ص ۹۲.

۲ - حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، ابواب مقدمات نکاح، باب ۱۲۴، حدیث ۸، ص ۱۶۶.

۳ - کلاتری، علی اکبر، نقد پوشش بانوان، ص ۹۷.

۴ - راغب، حسین، مفردات، ص ۱۵.

می کند، و اولی الاربه «نیازمندانی هستند که کشش جنسی آن ها را به تلاش و حرکت برای زدودن نیاز وادار کرده است. بنابراین «غیر اولی الاربه» کسانی هستند که این تمایل در آن ها نیست.^۱ در این که منظور از این عنوان چه کسانی هستند آراء مفسران متفاوت است.

برخی آن را فقط شامل ابله و دیوانه دانسته که تمایلی به زن ها ندارند. علامه طباطبایی نوشته است: اربه به معنی حاجت است و مراد از آن شهوتی است که مرد را به ازدواج نیازمند می کند مراد از این، بدانسان که در روایات آمده است، مردانی هستند که شهوت ندارند.^۲

مطهری نیز می نویسد:

قدر مسلم، این جمله دیوانگان و افراد ابله را که دارای شهوت نیستند و جاذبه ای را که در زن است درک نمی کنند، شامل می گردد.^۳

در روایتی که شیخ کلینی به سند صحیح از زراره نقل می کند آمده است: «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع): عَنْ قَوْلِ اللَّهِ: «أَوَاتَّبِعِينَ غَيْرَ أُولَى الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ» قَالَ: «الْأَحْمَقُ الَّذِي لَا يَأْتِي النِّسَاءَ» از امام محمد باقر (ع) در مورد این گفته خدا، «او التابعین ...» سؤال کردم فرمود: مرد احمقی که کاری به زن ندارد.^۴

برخی دیگر گفته اند: افزون بر اینان، پیرمردها را نیز شامل می شود. در حدیثی از امام کاظم (ع) نیز روی این گروه از پیرمردان تکیه شده است ولی به هر حال مفهوم آیه این نیست که این دسته از مردان مانند محارمند، قدر مسلم این است که پوشیدن سر یا کمی از دست و مانند آن در برابر این گروه واجب نیست.^۵

د- الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ: گروه بعدی که حجاب در برابر آن ها واجب نیست اطفالی هستند که از شهوت جنسی هنوز بهره ای ندارند. در تفسیر این عبارت، دو نظر ابراز شده؛ بعضی گفته اند مقصود از آن کودکانی است که اطلاعی از عورات و امور نهانی زنان ندارند. برخی نیز گفته اند منظور

۱ - مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۵۲.

۲ - طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۱۵، ص ۱۰۲.

۳ - مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، ص ۱۶۰.

۴ - حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ابواب مقدمات نکاح، ج ۱.

۳ - مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۵۳.

از آن ، کودکانی است که بر استفاده از امور نهانی زنان، توانایی ندارند، احتمال اول بر بچه های غیر ممیزی منطبق است که قدرت تشخیص امور زنانگی را ندارند و احتمال دوم بر بچه هایی انطباق دارد که بر امور جنسی، توانایی ندارند، یعنی نابالغند، هر چند ممیز باشند.^۱

در تفسیر المیزان آمده است:

الف و لام در «الطفل» برای استغراق است و کلیت را می رساند، یعنی جماعت اطفالی که بر عورت های زنان غلبه نیافته اند یعنی آن چه از امور زنان که مردان از تصریح آن شرم دارند، اطفال زشتی آن را درک نمی کنند، و این به طوری که دیگران هم گفته اند کنایه از بلوغ است.^۲

و نیز در تفسیر نمونه آمده است:

جمله «لم یظهروا» گاهی به معنی «لم یطلعوا» (آگاهی ندارند) و گاهی به معنی «لم یقدروا» (توانایی ندارند) تفسیر شده، زیرا این ماده به هر دو معنا آمده است. به هر حال منظور اطفالی است که بر اثر عدم احساس جنسی نه توانایی دارند و نه آگاهی. بنابراین اطفالی که به سنی رسیده اند که این تمایل و توانایی در آن ها بیدار شده باید بانوان مسلمان حجاب را در برابر آن ها رعایت کنند.^۳

شماری از فقها پوشش زنان را در برابر پسر بچه های ممیز واجب می دانند.^۴

این دیدگاه با برخی از روایات نیز تأیید می شود.

از جمله موثقه سکونی که در آن آمده است:

سُئِلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) عَنِ الصَّبِيِّ يَحْجُمُ الْمَرْأَةَ، قَالَ: إِذَا كَانَ يَحْسُنُ أَنْ يَصِفَ خَلَا.^۵

۱ - طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۹.

۲ - طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، بی تا، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۱۵، ص ۱۵۷.

۳ - مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۵۳.

۴ - حلی، حسن بن یوسف، تذکره الفقها، ج ۲، ص ۵۷۴.

۵ - حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۷۲، ابواب مقدمات النکاح، باب ۱۳۰، ج ۲.

از امیرالمؤمنین (ع) درباره ی پسر بچه ای پرسیده شد که حجامت زن می کند، فرمود: اگر می تواند، به خوبی (آن چه را که می بیند) توصیف کند، نه (جایز نیست).

در فراز اخیر آیه، (وَ لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ) پاهای خود را بر زمین نکوبند، تا آنچه پنهان می دارند، آشکار شود.»

زنان عرب معمولاً خلخال به پا می کردند گفته شده گاهی پای خود را به هم می زدند تا صدای خلخال شنیده شود خداوند آنان را از این کار نهی فرمود. چنان که سیوطی در الدر المنثور گفته است:

از سعید بن جبیر نقل شده که خلخال زن دارای زنگوله هایی بود که هر گاه مرد غریبی بر او می گذشت پایش را عمدی تکان می داد تا او صدای خلخال را بشنود.^۱

این دستور نشان می دهد که اسلام به اندازه ای در مسائل مربوط به عفت عمومی جدی است که حتی اجازه ی راه رفتنی که محرک و مهیج باشد و پیام بی بند و باری داشته باشد را نمی دهد. بنابراین زن مجاز نیست در عرصه ی عمومی به گونه ای راه برود که پیام فحشا و فساد و ارتباط جنسی را به مخاطب منتقل کند.

سرانجام با دعوت عمومی همه مؤمنان اعم از مرد و زن به توبه و بازگشت به سوی خدا، می فرماید: (وَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) که نشانگر مسئولیت همه مردم نسبت به مسأله حجاب و نگاه است و برای نگاه های حرام خود باید توبه کنند.^۲

از مجموعه مطالبی که بیان شد به دست می آید که استثنای محارم زن در آیه مؤیدی است. بلکه دلیل مستقلی است بر وجوب حجاب، اگر حجاب واجب نبود. استثناء در آیه عبث و لغو بود.

۱ - سیوطی، عبدالرحمن کمال الدین، الدر المنثور، ج ۶، ص ۱۸۶.

۲ - قرائتی، محسن، ۱۳۸۵، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، تهران، ج ۸، ص ۱۷۸، چاپ اول.

۲-۲-۱-۲ آیه ۵۹ سوره احزاب

(يا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا)^۱

یعنی ای پیغمبر! به همسرانت و دخترانت و زنان مؤمنین بگو که جلباب‌ها (روسری‌ها) خویش را به خود نزدیک سازند این عمل مناسب‌تر است تا به (عفت و پاکدامنی) شناخته شوند و مورد آزار و اذیت قرار نگیرند و خداوند آمرزنده و مهربان است.

در شأن نزول آیه آمده است:

فَأَنَّهُ كَانَ سَبَبَ نَزُولِهَا أَنَّ النَّسَاءَ كُنَّ يَخْرُجْنَ إِلَى الْمَسْجِدِ وَيَصَلِّينَ خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَ إِذَا كَانَ بِاللَّيْلِ خَرَجْنَ إِلَى صَلَاةِ الْمَغْرِبِ وَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ وَ الْغَدَاةِ يَقْعُدُ الشَّبَابُ لَهُنَّ فِي طَرِيقِهِنَّ فَيُؤْذِنَهُنَّ وَ يَتَعَرَّضُونَ لَهُنَّ فَأَنْزَلَ اللَّهُ.^۲

این آیه نیز به اصل وجوب حجاب زنان تصریح نموده است و در پایان به یکی از فلسفه‌های حجاب که عدم آزار از ناحیه مزاحمان است، اشاره کرده است.

- مفهوم شناسی آیه «جلایب» صیغه جمع است و مفردش جلباب هم به فتح جیم و هم به کسر جیم آمده است و اصل لغت آن از «جلب» می باشد که دو معنا برای آن ذکر شده است، معنای اول آوردن شی از جایی به جایی است. و معنای دوم چیزی که شی دیگر را می پوشاند و جلباب از معنای دوم مشتق شده است.^۳

ابن منظور واژه جلباب را جامه ای بزرگتر از روسری و کوچکتر از عبا دانسته که زن سر و سینه اش را با آن می پوشاند.^۴

۱- احزاب، ۵۹.

۲- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۹۹، طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۶، ص ۳۶۶، فیض کاشانی، ملا محسن، ۱۴۱۶ ق، تفسیرصافی، مؤسسه الهادی، قم، ج ۴، ص ۲۵۴، چاپ دوم.

۳- ابن فارس، احمد، ۱۴۱۰ ق، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، مکتبه الاسلامی، قم، ص ۴۶۹.

۴- الجلبات ثوب، أوسع من الخمار دون الرء تغطي به المرأة رأسها و صدرها « ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۳۱۷.

طریحی نیز در مجمع البحرین می گوید:

«جلباب» جامه گشادی است که از چارقد بزرگتر و از عبا کوچکتر است و زن به وسیله آن سر خود را می پوشاند و باقی آن را بر سینه اش رها می سازد.^۱

واژه شناس معروف، جوهری می نویسد: الجلباب، الملحفة.^۲

لغت نامه دهخدا در ذیل واژه جلباب آن را این گونه معنا کرده است: پارچه ای که زنان برای پوشانیدن چهره و دست ها و سایر اعضا و البسه بر روی همه لباس ها پوشند.^۳

شیخ طوسی در بیان معنای جلباب گفته است: هو خُمار المرأة و هی المقنعه تغطی جیبتهآ و رأسها؛^۴ جلباب به معنای مقنعه ای است که سر و سینه زن را می پوشاند.

علامه طباطبایی نیز می نویسد:

الجلابیب- جمع جلباب- و هو ثوب تشتمل به المرأة فیغطی جمیع بدنها أو الخمار الّذی تُغطی وجهها.^۵

جلابیب، جمع جلباب و آن لباسی است که زن به دور خود می گیرد و همه بدن او را می پوشاند و یا این که به معنای مقنعه است، یعنی پوششی که زن با آن، سر و صورت خود را می پوشاند.

این ها عمده اقوال لغویین و مفسرین در معنی لفظ جلباب است که با دقت و تأمل در تعاریف ذکر شده می توان آن را در سه معنا خلاصه کرد:

- ۱- خمار و روسری که به وسیله آن زن سر و سینه و گریبانش را می پوشاند.
- ۲- لباس بزرگی که بزرگتر از خمار و کوچکتر از رداء است و سر و صورت و شانه و سینه و مقداری پایین تر از آن را می پوشاند.
- ۳- پوششی که زن آن را روی لباس هایش می پوشد تا با آن تمام بدنش از سر تا پایین پاهایش را بپوشاند که به آن ملحفه و رداء و کساء نیز گفته می شود.^۶

واژه «یدنین» نیز در اصل از «دنوّ» هم به معنی نزدیک کردن آمده و هم به معنی آویختن.^۱

۱ - طریحی، فخرالدین، ۱۳۶۲، مجمع البحرین، تحقیق سید احمد حسینی، انتشارات مرتضوی، تهران، ج ۲، ص ۲۳، چاپ دوم.
۲ - جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح اللغه، ج ۱، ص ۱۰۱.
۳ - دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت نامه، دانشگاه تهران، تهران، ج ۵، ص ۶۹۹۱، واژه ی چادر.
۴ - طوسی، محمد بن حسن، التبیان، ج ۸، ص ۳۶۱.
۵ - طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۱۶، ص ۳۳۹.
۶ - سیفی، مازندرانی، علی اکبر، دلیل تحریر الوسیله، احکام الستر و النظر الامام الخمینی، ص ۲۹.

آیه شریفه می فرماید: «يُذِنَنَّ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ ادْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِنَنَّ» معنی آیه این است که زنان مسلمان باید جلباب هایشان را به خود نزدیک کنند یا بر سر بیاویزند تا شناخته شوند به این که زن مسلمان آزاد هستند.^۲ یا شناخته شوند با این که پوشیده و با عفت هستند.^۳

در تفسیر نمونه آمده است:

و منظور از «يُذِنَنَّ» (نزدیک کنند) این است که زنان «جلباب» را به بدن خویش نزدیک سازند تا درست آن ها را محفوظ دارد، نه این که آن را آزاد بگذارند به طوری که گاه و بی گاه کنار رود و بدن آشکار گردد،^۴

در مورد خروج حضرت فاطمه (س) از منزل و استفاده از جلباب آمده است:

«تَجَلَّبَتْ وَ تَبَرَّقَعَتْ بِبِرْقَعِهَاوَ إِرَادَتْ النَّبِيَّ (ص).»^۵

حضرت فاطمه زهرا (س) وقتی می خواستند از خانه خارج شوند و نزد پیامبر اکرم (ص) بروند از پوشش های خاص مثل جلباب (چادر) و برقع (پوشش مخصوص چهره) استفاده می کردند.

و نیز در داستان فدک آمده است که حضرت فاطمه زهرا (س) برای دفاع از حق خود با پوشش کامل (جلباب) به مسجد رفتند که شرح کامل آن در بخش روایات خواهد آمد.

با توجه به توضیحات بالا می توان گفت که این آیه شریفه به زنان دستور داده که حجاب را رعایت کنند تا به حیا و عفت شناخته شوند و حجاب مانع آزار و اذیت است. هم چنین اهمیت حجاب تا حدی است که در آیه بعدی^۶ آمده است. منافقین و اراذل و اوباش (افرادی که مزاحم زنان می شوند) و کسانی که با پخش شایعات ایجاد اضطراب عمومی می کنند، هر سه گروه در قرآن مورد تهدید شدید قرار گرفته اند.

بنابراین زنان مسلمان وظیفه دارند چنان در میان مردم رفت و آمد کنند که علایم عفاف و وقار و پاکی از آن هویدا باشد و با این صفت شناخته شوند تا بیمار دلان مأیوس شده و فکر آزار در ذهنشان خطور نکند.

-
- ۱ - زمخشری، محمد بن عمر، تفسیر الکشاف، ج ۳، ص ۵۶۵، سیوطی، عبدالرحمن بن کمال جلال الدین، الدر المنثور، ج ۶، ص ۶۶۱.
 - ۲ - طبرسی، علی فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۸، ص ۱۸۱.
 - ۳ - طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۱۶، ص ۳۶۱.
 - ۴ - مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۲۸.
 - ۵ - جعفریان، رسول، ۱۳۸۰، رسائل حجابیه، انتشارات دلیل ما، قم، ص ۲۳۶، چاپ اول، (به نقل از صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۶۳)
 - ۶ - احزاب، ۶۰.

۲-۲-۱-۳ آیه ۶۰ سوره نور : حکم حجاب برای زنان سالخورده

در این آیه می خوانیم:

«الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحاً فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»

یعنی: و زنان از کار افتاده ای که امید به ازدواج ندارند گناهی بر آن ها نیست که لباس های (روئین) خود را بر زمین بگذارند به شرط این که در برابر مردم خودآرایی نکنند و اگر خود را بپوشانند برای آن ها بهتر است و خداوند شنوا و دانا است.

از این آیه استفاده می شود که «القواعد من النساء» در امر پوشش به اندازه زنان جوان مکلف نیستند

کلمه قواعد جمع قاعده است، که به معنای زنی است که از نکاح باز نشسته است.

در تفاسیر مختلف در مورد معنای «قواعد» بررسی شده است.

زمخشری می نویسد: المسنات اللاتی يقعدن من المحيض و عن التزويج.^۱

جمعی از فقها و مفسران آن را پایان دوران قاعدگی و رسیدن به حد نازایی و عدم رغبت کسی به ازدواج با آن ها دانسته اند.^۲

آنچه لازم است بررسی شود مشخص شدن محدوده ی این ارفاق است، چرا که ظاهر آیه جواز برداشتن همه ی لباس است. صاحب جواهر در مورد این دسته از زنان نوشته است:

و أما القواعد من النساء: فالذی يظهر بقاء حکم العورة بالنسبة إلى ما يعتاد ستره من الأجساد فی مثلهن من البطن و نحوها، نعم، لا بأس ببروز وجوههن و بعضی شعرهن و أذرعهن و نحو ذلك مما يعتاد فی العجائز المسنة ... لا أن المراد ارتفاع حکم العورة بالنسبة إليهن الذی يمكن دعوی ضرورة المذهب أو الدين علی خلافه؛^۳

۱ - زمخشری، محمد بن عمر، تفسیر کشاف، ج ۳، ص ۲۵۵.

۲ - نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۲۸، سیوری، جمال الدین مقداد بن عبدالله (فاضل مقداد)، کنز العرفان، ج ۲، ص ۲۲۶

۳ - نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۸۵.

اما در مورد زنان سالخورده، آنچه (از ادله) ظاهر می شود این است که حکم عورت (و وجوب پوشش) نسبت به آن قسمت هایی از بدن، مثل شکم و مانند آن که دیگر زنان می پوشند؛ در مورد ایشان (نیز) باقی است. بلکه اشکال ندارد این دسته از زنان چهره، بخشی از مو، قسمت آرنج به پایین و مانند آن را آشکار کنند، یعنی قسمت هایی که آشکار کردن آن ها در میان پیرزن ها متعارف است نه به این معنا که حکم عورت و پوشش (به طور کلی) در مورد ایشان برداشته شده، چرا که می توان ادعا نمود ضرورت مذهب یا دین، برخلاف این برداشت است.

زمخشری می گوید: «ثیاب لباس ظاهر است مثل ملحفه و روپوش که روی روسری انداخته می شود.^۱ به نظر طبرسی، مقصود از «ثیاب» جلباب است.^۲

در صحیح حذیر بن عبدالله آمده است: عن أبي عبدالله (ع) أنه قرأ (أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ) قال الْجَلْبَابُ وَالْخِمَارُ إِذَا كَانَتِ الْمَرْأَةُ مَسْنَةً.^۳

امام صادق (ع) در پیوند با آیه ی مورد بحث فرمود: زن در صورتی که سالخورده باشد، می تواند روپوش و روسری خود را بردارد.

«غیر متبرّجات بزینة» یعنی کنار نهادن ثیاب نایستی به منظور ابداء و اظهار زینت مخفی باشد که خداوند به حکم آیه و لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ...^۴ از اظهار آن نهی کرده است.^۵

بنابراین آنچه از مضمون آیه و جمع بندی روایات به دست می آید آن که بر زنان سالخورده که امید و رغبتی به ازدواج ندارند و نگرستن به آنان، موجب تحریک و تهییج شهوت نمی شود، گناهی نیست روپوش و روسری از خود بر گیرند و در برابر نامحرمان ظاهر شوند. البته به شرطی که قصدشان از این کار، خود نمایی و ابراز زینت و زیبایی نباشد. (غیر متبرّجات بزینة.) با این حال در آخر آیه می فرماید:

۱ - زمخشری، محمد بن عمر، الکشاف، ج ۳، ص ۳۲۵.

۲ - طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۷۱.

۳ - کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، ج ۵، ص ۲۲، حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ابواب مقدمات نکاح، باب ۱۱۰، ص ۱۴۷.

۴ - نور، ۳۱.

۵ - زمخشری، محمد بن عمر، تفسیر کشاف، ج ۳، ص ۲۲۵.

(وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لهنَّ) یعنی از نظر اسلام بهتر است که اینان نیز مانند دیگر زنان، بدون پوشش ظاهر نشوند.

بنابراین می توان گفت آیه شریفه صراحت دارد بر این که زنان سالخورده که امیدواری به ازدواج ندارند و اسیر شهوت نیستند حجاب بر آن ها واجب نیست مشروط بر این که متبرج به زینت نباشند.

اگر حجاب و تستر بر عموم زنان واجب نبود، رفع تکلیف حجاب (بدون زینت) موجب امتنان آنان نمی شد. این آیه از آیات امتناییه است، پس رفع تکلیف از پیرزنان مورد نظر در این آیه، ثبوت تکلیف است بر زنانی که در معرض خطر هستند، از طرفی اگر حجاب واجب نبود تخصیص این حکم به پیر زنان معنا نداشت زیرا اگر همه زنان بی حجاب بودند، اختصاص وضعیت پوشش به قواعد از نساء بی محل بود.^۱

حاصل سخن این که برای حفظ سلامت جامعه و پایداری از سنگر عفاف و پاکی محیط هر چیزی که موجب تحریک هوس های آلوده گردد اگرچه از ناحیه زنان سالخورده باشد از نظر اسلام ممنوع است، این آیه مسلمانان را به حفظ حریم حجاب و عفت دعوت می کند و آنها را از هر گونه عوامل آسیب رساندن به عفت عمومی بر حذر می دارد.

علاوه بر آیات ذکر شده، آیات دیگری از قرآن کریم نیز هستند که مفهوم آن ها بر وجوب حجاب دلالت دارد و به زنان دستور می دهد که به گونه ای هوس آلود سخن نگویید که بیمار دلان در شما طمع کنند (فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ)^۲ و این که مانند جاهلیت نخستین در میان جمعیت ظاهر نشوید و اندام و وسایل زینت خود را در معرض تماشای دیگران قرار ندهید. (وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى).^۳

به طور کلی می توان گفت هر گونه بی حجابی که موجب فساد و چشم چرانی و امور خلاف عفت گردد از نظر اسلام ممنوع است. چرا که اشاعه فحشاء جامعه را آلوده و مسموم می سازد.

۱ - جعفریان، رسول، رسائل حجابیه، جلد ۲، ص ۱۸۶.

۲ - ۳۲، احزاب

۳ - احزاب، ۳۳

بر همین اساس پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «من أذاعَ فاحِشَةً كَانَتْ كَمُبْتَدئِهَا»^۱

کسی که کار زشتی را نشر دهد همانند کسی است که آن را در آغاز انجام داده است.

علاوه بر این، آیات متعددی در مورد مجازات گستاخان به حریم عفت (نور، ۲) نهی از ورود به خانه مردم بدون اجازه (نور، ۲۷ و ۲۸)، ممنوعیت ورود به اتاق پدر و مادر بدون اجازه (نور ۵۸ و ۵۹) وجود دارد که همگی بر حفظ عفت و پاکدامنی دلالت دارند که به دلیل اطاله ی کلام از بیان آن ها خودداری می شود.

۱ - کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۳۵۶

۲-۲-۲-۲ روایات

همان گونه که خداوند متعال در آیاتی از قرآن به مسأله پراهمیت حجاب اشاراتی داشته است پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار(ع) نیز با توجه اهمیت و نقش حجاب و عفاف در سلامت فرد و جامعه، دستورات مؤکدی را در این زمینه ارائه فرموده اند که در ذیل نمونه هایی از آنها آورده می شود :

* روایاتی که پوشیدن لباس های نازک و مهیج را نهی می کند :

امام علی (ع) می فرماید :

« عَلَیْكُمْ بِالصِّیقِ ، فَانَّ مَنْ رَقَّ ثَوْبَهُ رَقَّ دِیْنَهُ »^۱

پوشیدن لباس ضخیم بر شما لازم است زیرا کسی که لباسش نازک و بدن نما باشد ، دینش نیز ضعیف و نازک است .

- از اسامه بن زید نقل شده است: رسول خدا (ص) لباس قبطنی را که دحیه کلبی به حضرت هدیه کرده بود به من بیوشاند که من نیز آن را به همسرم پوشاندم، رسول خدا (ص) از من پرسید : چرا لباس قبطنی را نمی پوشی من در پاسخ گفتم : آن را به همسرم پوشاندم حضرت فرمود : به او امر کن در زیر آن زیر پوش استفاده کند به راستی که من می ترسم حجم بدن او را نمایش دهد.^۲

نیز رسول خدا(ص) در روایتی فرمود: «هرکس به همسرش اجازه دهد با لباس های نازک و مهیج در بین مردمان حاضر شود، خداوند او را به آتش جهنم می افکند.»^۳

با استفاده از قراین و شواهد حدیثی می توان نتیجه گرفت که پوشش لباسهای نازک و کوتاه با سیره و سنت اسلامی مخالف است .

* روایاتی که در مورد لزوم حجاب و پاک زیستی وارد شده است :

- امیر مؤمنان علی(ع) در ضمن گفتاری به فرزندش امام حسن (ع) می فرماید :

وَ اَكْفُفْ عَلَیْهِنَّ مِنْ ابْصَارِهِنَّ بِجِجَا بَكِ اِیْهِنَّ ، فَانَّ شَدَّةَ الْحِجَابِ اَبْقَى عَلَیْهِنَّ^۴.

۱- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۱۸۳.

۲- زیدان، عبدالکریم، ۱۴۱۷ ه. ق. المفصل فی احکام المرأة و البنت المسلمة فی الشریعة الاسلامیة، مؤسسه الرسالة، بیروت، ج ۳، ص ۳۳، چاپ سوم.

۳- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۲.

۴- نهج البلاغه، نامه ۲۳.

زنان را در پرده حجاب نگاهشان دار تا نامحرمان را ننگرند زیرا که سخت گیری در پوشش، عامل سلامت و استواری آنان است .

- هنگامی که بازماندگان شهیدان کربلا را به صورت اسیر به مجلس یزید بردند، نگاه یزید به حضرت سکینه، دختر امام حسین علیه السلام افتاد، دید گریه می کند، پرسید چرا گریه می کنی ؟ سکینه (ع) در پاسخ فرمود:

«كَيْفَ لَا يَبْكِي مَنْ لَيْسَ لَهَا سَاتِرَةٌ يَسْتُرُ وَجْهَهَا عَنكَ وَعَنْ جُلَسَاءِ مَجْلِسِكَ»^۱

چگونه گریه نکند کسی که پوشش برای او نیست ، خود را از تو و حاضران در مجلست بیوشاند ؟

* روایاتی که نگاه به نامحرم را نهی می کند:

افزون بر آیات قرآن که حکم نگاه به نامحرم را بیان^۲ می کند روایات نیز به شدت نگاه به نامحرم را نهی کرده اند .

در روایت صحیحی از امام صادق (ع) می خوانیم: نگاه به نامحرم، تیری از تیرهای مسموم شیطان است چه بسیار نگاهی که موجب حسرت طولانی شده است.^۳

و نیز امیر مؤمنان علی (ع) فرموده است :

عمى البصر خيرٌ من كثير النظر؛ کوری چشم بهتر از بسیار نگاه کردن به نامحرم است .

نهی از نگاه به نامحرم در روایات و به کار بردن تعبیرات شدید نظیر تیر سهمگین شیطان وامری که حسرت طولانی در پی دارد ، نشان دهنده خطر جدی است که در این ارتباط وجود دارد.

در روایت دیگری آمده است: «وَعَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَنَّهُ نَهَى النِّسَاءَ أَنْ يَنْظُرْنَ إِلَى الرَّجَالِ.»^۱ پیامبر خدا (ص) زنان را از نگاه کردن به مردان نهی کرد.

۱ - قمی، عباس ، ۱۴۰۵، ترجمه نفس الهموم، مکتبه البصیرتی، ص ۲۲۱.

۲ - نور ، ۳۰ و ۳۱ .

۳ - حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۸.

۴ - مجلسی ، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۲۸۴ .

* روایاتی که مصافحه و دست دادن دادن زن و مرد بیگانه را ممنوع می کند.

قال رسول الله (ص): «وَمَنْ صَافَحَ امْرَأَةً حَرَامًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَغْلُوبًا، ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ».^۲

- رسول خدا (ص) فرمود: «هر کس با زن نامحرمی، مصافحه کند، در روز قیامت در غل و زنجیر خواهد شد، آن گاه به آتش انداخته می شود»

- وبر اساس روایتی از امام صادق (ع) که به «حدیث مناهی» معروف است آمده است:

«مَنْ صَافَحَ امْرَأَةً تَحْرِمُ عَلَيْهِ، فَقَدْ بَاءَ بِسَخَطِ مَنْ أَلَّهِ»؛ هر کس با زنی نامحرم مصافحه کند، به خشم خدا مبتلا می شود.^۳

- در روایت دیگری که شیخ کلینی به سند خود از مفضل بن عمر نقل می کند آمده است:

به امام صادق (ع) عرض کردم هنگامی که رسول خدا با زنان بیعت کرد چگونه با آنان مصافحه نمود؟ فرمود: ظرف وضوی خود را طلبید در آن مقداری آب ریخت سپس دست راست خود را در آن فرو برد، هر زنی می خواست با او بیعت کند پیامبر (ص) می فرمود: «أَدْخَلَنَّا أَيْدِيَكُمْ فِي هَذَا الْمَاءِ فَهِيَ الْبَيْعَةُ»^۴

دست هایتان را در میان این آب داخل کنید و خارج سازید همین بیعت شما است .

پیامبر (ص) با مردان به صورت مصافحه بیعت کرد ولی در مورد زنان فرمود به این شکل بیعت نمی کنم امتناع آن حضرت از مصافحه با زنان و اعلان آن به صورت صریح دلیل بود که دیگران نیز مرتکب آن نشوند، به عبارت دیگر مصافحه نکردن حضرت با زنان به سبب ممنوع بودن آن بوده است و ایشان با این عمل خواسته به دیگران پیاموزد دست دادن با زنان نامحرم در اسلام جایز نیست.

*روایاتی که بذله گویی و مزاح با نامحرم را نهی می کند:

۱ - نوری، میرزاحسین، ۱۴۰۹ ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، بیروت، ج ۱۴، ص ۲۸۶.

۲ - حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۶۳ .

۳ - همان، ص ۱۴۲.

۴ - همان، ص ۱۵۳.

بدله گویی و مزاح نوعی برقراری ارتباط صمیمی میان انسان ها است که معمولاً به هدف تفریح وادخال سرور در مخاطب صورت می گیرد پیشوایان دینی ما افراد را از شوخی با نامحرم بر حذر داشته اند.

- پیامبر گرامی اسلام (ص) در خطبه ای که در اواخر عمر شریف خود برای مسلمانان ایراد کرده فرمود:

«هر مردی با زن نامحرم شوخی کند، خدا به اندازه هر کلمه ای که با او در این دنیا سخن گفته، هزارماه او را در آتش زندانی می کند.^۱» به زنان نیز فرمود: «هر زنی که از مرد (نامحرمی) اطاعت کند، تا درباره وی مرتکب گناهی شود یا مقدمات گناه ، را انجام دهد یا با او شوخی کند ، گناه آن زن برابر مرد خواهد بود.^۲»

در روایت نبوی برای این رفتار، وعده عذاب داده شده که بیا نگر زشتی و ناپسندی این عمل است . و ضمناً وعده عذاب در روایت ها مقید به حالت خاص یا شوخی ویژه ای نشده، بنابراین شوخی کردن زن و مرد نامحرم در هر جا و به هر عنوان عملی ناپسند و غیر مجاز خواهد بود.

سرّ این مطلب نیز این است که این گونه شوخی ها و بدله گویی ها ، یا از ابتدا به قصد لذت است یا در نهایت به آن می انجامد علاوه بر این سبب فرو ریختن شرم و حیا میان زن و مرد نامحرم می گردد و حریم عفت و پاکدامنی را متزلزل می کند و راه را برای فساد و فحشا هموار می سازد.

*روایاتی که بی حجابی را خروج از دین اعلام می کند:

- اصیغ بن نباته، عن امیرالمؤمنین (ع) قال ، سمعته یقول : « یظهر فی آخر الزمان و هو شر الازمنه نسوه کاشفات عاریات متبرجات، من الدین خارجات، فی الفتن داخلات، مائلات، إلی الشهوات مُسرعات، إلی اللذات، مُستحلات المحرمات، فی جهنم خالدات »^۳

ترجمه: «اصیغ بن نباته گفت، شنیدم از امیرالمؤمنین علی (ع) که در آخر الزمان که بدترین زمانها است زنان بی حجاب و برهنه آشکار شوند که با زینت و آرایش بیرون آیند، آنان از مرز دین خارج شده اند، و در فتنه ها وارد گشته اند به سوی شهوت ها تمایل و شتاب دارند، حرام ها را حلال کنند و سرانجام در دوزخ گرفتار عذاب ابدی خواهند شد.»

۱ - صدوق ، علی بن بابویه، ۱۳۶۸، ثواب الاعمال، منشورات رضی، قم، ص ۲۸۰، چاپ دوم.

۲ همان ، ص ۲۸۴.

۳ - حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۹.

از این فرمایش هشدار دهنده، مطالب مهمی فهمیده می شود که در زیر به برخی از آنها اشاره می شود:

۱- آن زمان که زنان رعایت حریم حجاب و عفاف نکنند، بدترین زمان ها است و زنانی که با آرایش و نمایش از خانه بیرون آیند و سنگر عفت را بشکنند، از دین خارج شده اند و در مقابل دین قرار گرفته اند.

۲- این گونه زنان در فتنه ها وارد شده اند و موجب فتنه ها و انحرافها و گناهان خواهند شد.

۳- آنان حرام های الهی را حلال کرده و با بی بند و باری خود حدود الهی و مرزهای دینی را زیر پا گذاشته و موجب افزایش فساد می شوند در نتیجه گرفتار عذاب ابدی در دوزخ خواهند شد.

حاصل سخن این که در فرمایش امام علی (ع) بی حجابی با خروج از دین و حلال کردن حرام الهی قرین شده و مستوجب خلود در جهنم گشته است، معلوم می شود که حجاب زنان از امور مؤکد، شرع اسلام است و بی حجابی از لحاظ قانونی و شرعی و اخلاقی مورد نهی قرار گرفته است چرا که مفساد زیادی را به دنبال دارد.

*روایاتی که آرایش و زینت کردن زن برای مردان بیگانه را حرام می داند:

- «ان النبی صلی الله علیه و اله نهی ان تتزین المراه لغير زوجها فان فعلت کان حقا علی الله عزوجل ان یحرقها بالنار.»^۱

رسول خدا (ص) زنان را از آرایش برای غیر شوهرانشان نهی کرد و فرمود: هر کس چنین کند، خداوند حق دارد او را به آتش جهنم بسوزاند.

- نیز در روایتی رسول خدا (ص) درباره عذاب زنان گناهکار در روز قیامت می فرماید:

«و اما التي کانت تأکل لحم جسدها فانهما کانت تزین بدنها للناس.»^۲

و اما زنی که گوشت بدن خود را می خورد، به این دلیل بود که بدنش را برای نامحرم آرایش می کرد.

*روایاتی که دلالت دارد بر این که چشم پوشی از اجنبی واجنبیه از واجبات و حق چشمان است:

۱- نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۳، ص ۲۴۴.

۲- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۷.

- در باب حقوق از علی بن الحسین (ع) آمده است:

حق چشم این است که بپوشانی او را از آن چه حلال نکرده خدا برای تو و عبرت بگیری به نظر نمود خود در آیات الهیه و حق عورت آن است که آن را حفظ کنی از زنا و حفظ کنی عورت خود را از این که کسی نظر نماید به سوی او.^۱

- یحیی بن زکریا (علیه السلام) فرمود: مرگ محبوبتر و پسندیدتر است نزد من از نگاه کردن غیر واجب.^۲

* روایاتی که افراد را به داشتن عفت و حیا و غیرت تشویق می کند :

- قال امیرالمؤمنین علیه السلام : « یا اهل العراق نبت ان نسائکم یدافعن الرجال فی الطریق اما تستحیون و لاتغارون ؟ نسائکم یخرجن الی الاسواق و یزاحمن العلوج . لعن الله من لا یغار^۳ »

امام علی (ع) می فرماید: ای اهل عراق: به من خبر رسیده که زنان شما در کوچه و خیابان به مردان تنه می زنند آیا حیا نمی کنید؟ آیا در مورد زنان غیرت ندارید که به بازارها می روند و مزاحم مردان می شوند؟

خدا لعنت کند مردی را که غیرت ندارد.

- پیامبر اکرم (ص) نیز فرمود: « کان ابراهیم ابی غیور، و انا اغیر منه و ارغم الله انف من لا یغار^۴ »

پدرم، ابراهیم خلیل (ع) بسیار غیرتمند بود و من از او غیرتمندتر هستم، و خداوند بینی آن کسی که بی غیرت است به خاک بماند .

*روایاتی که بی حجابی و رعایت نکردن حریم بین مرد و زن را سبب فساد اخلاق می داند:

۱ - صدوق، علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ۱۴۱۰، تصحیح علی اکبر الغفاری، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، قم، ج ۲، ص ۶۱۸.

۲ - نوری، میرزا احسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۶۹.

۳ - حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۳۵.

۴ - مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۸.

عن الرضا عليه السلام قال: «حَرَّمَ النَّظْرَ إِلَى شُعُورِ النِّسَاءِ الْمَحْجُوبَاتِ بِالْأَزْوَاجِ وَغَيْرِ هُنَّ مِنَ النِّسَاءِ لِمَا فِيهِ مِنْ تَهْيِيجِ الرِّجَالِ وَ مَايَدْعُو التَّهْيِيجُ إِلَى الْفَسَادِ وَ الدُّخُولِ فِيهَا لِأَيِّحُلُّ وَ لَا يَجْمَلُ كَذَلِكَ مَا اشْبَهَهُ الشُّعُورُ .^۱»

امام رضا (ع) فرمود: نگاه کردن به مردی سر زنان، چه شوهردار و چه بی شوهر حرام است، زیرا سبب برانگیخته شدن غریزه شهوت مردان می شود و این برانگیختگی، آنان را به فساد و انجام کارهای حرام و نازیبا می کشاند چنان که نگاه کردن به قسمت های دیگر بدن نیز همین حکم را دارد.

*روایاتی که زنان را از تعطر و تزین برای نامحرمان نهی می کند :

زن نیز مانند مرد مجاز است از بوی خوش استفاده کند و این مطلب هم از اطلاق روایات استفاده می شود وهم روایاتی که در خصوص استفاده زنان از بوی خوش وارد شده است، چون وقتی روز عید فطر برای رسول خدا (ص) عطر می آوردند به نخست از آن به زنان خود می داد.^۲

بنابراین اصل استفاده زن از بوی خوش مانعی ندارد ولی محل استفاده از بوی خوش مورد بحث است آن چه مسلم است و به آن تأکید شده این است که زنان برای همسران خود از بوی خوش استفاده کنند ولی هنگام بیرون رفتن از خانه نه تنها به استعمال بوی خوش سفارش نشده اند . بلکه از آن به شدت نهی شده اند.

- پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «زنی که با بوی خوش از خانه بیرون رود ، تا زمانی که به خانه بازنگشته ، از رحمت الهی به دور است.»^۳

- امام صادق (ع) فرمود: «لَا يَنْبَغِي لِلْمَرْأَةِ تَخَمَّرُ ثَوْبَهَا إِذَا خَرَجَتْ.»^۴

برای زن هنگام خروج از خانه شایسته نیست که لباسش را خوشبو کند.

توضیح این که زن هنگام خروج از خانه شایسته نیست با آن چه از بوی خوش در خانه استفاده می کند، در اجتماع حاضر شود . دلیل نهی این است که بوی خوش نیز یکی از ابزارهای ارتباط و انتقال

۱- همان، ج ۱۰۱، ص ۳۴.

۲- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۴، ص ۱۷۰.

۳- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۹.

۴- کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، ج ۵، ص ۵۰۷.

پیام به دیگران است انسان به طور طبیعی با استشمام بوی خوش از چیزی یا جایی، به طرف آن جذب می شود، بنابراین پیام بوی خوش، دعوت به خود، الفت و نزدیکی است هر چند انگیزه ای در کار نباشد ولی زنی که در عرصه عمومی بوی خوش استعمال می کند مردان را به سوی خود فرا می خواند.

* روایاتی که در ممنوعیت اختلاط زن و مرد و نامحرم آمده است:

اسلام برای هریک از زن و مرد، حریمی قایل است که باید در جامعه محترم شمرده شود. رسول خدا (ص) ورود مختلط زنان و مردان، از یک در به مسجد را مناسب زنان مسلمان ندید و دستور داد زن و مرد برای حضور در مسجد، از درهای جداگانه وارد شوند.

- در روایتی آمده است:

(قال رسول الله (ص): «لوترکنا هذا الباب النساء»^۱ چه خوب است این در مخصوص بانوان باشد. در حرکت کردن در کوچه نیز به زنان می فرمود از کنار کوچه حرکت کنند.

این احادیث حاکی از آن است که رسول خدا (ص) اختلاط زن و مرد را در حرکت کردن در کوچه و ورود به مسجد و خروج از آن برای مسلمان پسندیده نمی دانست.

نتیجه این که جلوگیری از اختلاط و جداسازی محل اجتماع زن و مرد در مجالس و محافل جزء فرهنگ اسلامی است و باید حفظ شود و از هر گونه افراط و تفریط ها پرهیز شود.

احادیث زیادی پیرامون حجاب و عفاف وجود دارد که فقط چند نمونه بیان شد. پیامبر اکرم (ص) و امامان (ع) با هشدارها و اخطارهای خود مسلمانان را به حفظ و حراست جدی از حریم عفت و حجاب زن و مرد، دعوت و تأکید نمود و آنان را از هر گونه مسامحه و سهل انگاری در این راستا، برحذر داشته اند و هر کدام با زبان گویا و تعبیرات گوناگون به لزوم رعایت پوشش و حریم عفت با ذکر نتایج درخشان آن و پیامدهای شوم و نکبت بار بی حجابی تأکید فراوان نموده اند. این وظیفه هر زن و مرد مسلمانی است که با پیروی از گوهر بار ایشان زندگی سعادت مندی را برای خود و هموعانش فراهم نماید.

۱ - صدوق، علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۶.

۲-۲-۳ سیره عملی زنان مسلمان

سومین دلیل از ادله وجوب حجاب دینی بعد از قرآن و روایات، سیره حضرت فاطمه و زنان مسلمان از صدر اسلام تا به حال بوده است، آنان همواره در برابر نامحرم بدن و موی خود را می پوشانده اند.

*پوشش حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در محوطه منزل در برابر بیگانه نمونه ای از حجاب کامل ایشان است. از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده است:

«عن ابی جعفر علیه السلام عن جابر بن عبدالله الانصاری خرج رسول الله صلی الله علیه و آله یرید فاطمه علیه السلام و انا معه فلما انتهیت الی الباب وضع یده علیه فرفعه ثم قال: السلام علیکم: فقالت فاطمه: علیک السلام یا رسول الله (ص) قال أَدْخِلْ؟ قالت: ادْخُلْ یا رسول الله، قال، و من معی؟ فقالت: یا رسول الله لیس علیّ قناع، فقال: یا فاطمه خذی ملحفتک ففعلت^۱»

«امام باقر (ع) از جابر بن عبدالله انصاری این گونه نقل کرده است که: رسول خدا (ص) از خانه خارج شد و می خواست به خانه ی فاطمه زهرا برود من (جابر) نیز همراه حضرت بودم هنگامی که به در خانه رسیدیم حضرت دست خود را روی در گذاشتند و در را باز کردند و به فاطمه سلام کردند و ایشان نیز پاسخ حضرت را دادند سپس حضرت فرمود: داخل شوم؟ حضرت فاطمه زهرا(س) گفتند: داخل شوید ای رسول خدا (ص) دو باره پیامبر (ص) فرمودند آیا به همراه کسی که با من است داخل شوم؟ حضرت فاطمه در جواب گفتند سرم برهنه است حضرت فرمودند ای فاطمه سرت را با مقدار اضافه چادرت بپوشان. او نیز این کار را کرد.»

سیره حضرت فاطمه زهرا (ص) در برخورد با جابر بن عبدالله انصاری(ره) بالاترین شیوه تبیین حکم الهی است که حضرت بدان عمل می کند و وظیفه دیگر زنان را در برابر بیگانه نشان می دهد، برخورد حضرت فاطمه با جابر که شخص مؤمن و مورد اعتماد رسول خدا (ص) است در محیط خانه خویش این چنین است، مسلم است که زنان متعهد در حفظ خود در داشتن پوشش صحیح در جامعه وظیفه ای سنگین تر دارند.

۱- کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، ج ۵، کتاب نکاح، باب دخول علی النساء، ص ۵۲۸، حدیث ۵.

*نحوه حضور حضرت فاطمه (س) در مسجد برای دفاع از قضیه ی فدک :

یکی از حوادثی که بیانگر مقدار حجاب فاطمه زهرا (س) در بیرون از منزل در مواجهه با نامحرم است، نحوه و روش آمدن ایشان به مسجد برای دفاع از قضیه ی فدک است در داستان غم انگیز فدک آمده است که عبدالله بن حسن (نوه امام حسن مجتبی (ع)) از پدران خود نقل می کند: «وقتی که ابوبکر و عمر تصمیم گرفتند که حضرت را از فدک محروم کنند آن حضرت با پوشش خاصی به مسجد آمدند، راوی داستان شکل خاص حجاب آن حضرت (س) را این گونه توصیف می کند:

«لائت خمارها علی رأسها و اشتملت بجلبایها و اقبلت فی لمة من حفدتها و نساء قومها.»^۱

حضرت زهرا (س) هنگام خروج از منزل مقنعه را محکم به سر بستند و جلباب و چادر خود را به گونه ای بر تن کردند که تمام بدن آن حضرت را پوشانده بوده و گوشه های آن به زمین می رسید و در حالی که به همراه گروهی از نزدیکان و زنان قوم خود بودند به سوی مسجد حرکت نمودند، راه رفتن او (در متانت و وقار) از راه رفتن رسول خدا (ص) هیچ کم نداشت.

در روایت فوق نکاتی وجود دارد که هر کدام بیانگر حریم عفاف و حجاب حضرت زهرا (س) در این حادثه است.

- آن حضرت هنگام خروج از خانه مقنعه خود را که به طور کامل سر و گردن و سینه اش را می پوشاند به سر گرفت. (لائت)

- حضرت زهرا (س) علاوه بر آن مقنعه، جلباب و چادری به تن کردند که تمام بدن آن حضرت پوشیده بود. (واشتملت جلایها)

- لباس ایشان به قدری بلند بود که هنگام راه رفتن گاهی گوشه های آن به زمین می رسید (تطأ ذیولها)

- آن حضرت مانند رسول خدا (ص) با متانت و وقار حرکت می کرد.

- علاوه بر این در مسجد پرده ای نصب کردند و آن حضرت در پشت آن پرده در حالی که زنان هم فکر و خویشاوندش اطرافش را گرفته بودند نشست و سخنرانی کرد.

۱ - طبرسی، ابی منصور احمد بن علی، ۱۴۰۳ق، الاحتجاج، منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ج ۱، ص ۹۸، چاپ دوم.

نتیجه این که حضرت زهرا (س) که برترین زنان در جهان و الگوی زنان مسلمان است این گونه با رعایت همه موازین حفظ حریم و حجاب در میان مردم ظاهر می شود وظیفه زنان مسلمان روشن است .

*حضرت فاطمه (س) و نگرانی از پوشش بعد از رحلت :

نقل شده است که حضرت فاطمه (س) نیز حتی از این که حجم بدنش پس از رحلت هنگام تشییع جنازه برای نامحرم آشکار گردد ، نگران بود اسما بنت عمیس می گوید: «روزی فاطمه (س) به من فرمود: من از کار مردم مدینه که زنان خود را بعد از وفات به صورت ناخوشایندی برای دفن می برند و تنها پارچه ای بر او می افکنند که حجم بدنش از پشت آن نمایان است ناراحت هستم .» اسماء گفت : «من در سرزمین حبشه چیزی دیده ام که با آن جنازه ی مردگان را حمل می کنند شاخه هایی از درخت نخل را بر می دارند و به صورت تابوت مخصوصی در می آورند ، پارچه ای روی چوب های آن می افکنند سپس بدن مرده را درون آن می گذارند به گونه ای که پیدا نمی شود. هنگامی که فاطمه (س) این مطلب را شنید تبسم نمود و این تنها تبسم او بعد از وفات رسول خدا بود.^۱

آن حضرت به جهت اهمیت موضوع چنین فرمود : «برای من تابوتی تهیه کن که در موقع حمل جنازه، بدنم پیدا نباشد و طرز ساختنش چنین و چنان باشد.»^۲

علاوه بر حضرت فاطمه زهرا (س) ام کلثوم دختر حضرت علی (ع) نیز از جلباب و رداء که به معنای چادر هستند استفاده می کرده اند.^۳ زنان عرب نیز به تاسی از ایشان پوشش مناسب استفاده می کرده اند که نمونه ذیل اثبات کننده این مدعا است :

عایشه نقل کرده است که من و ابوبکر حضور پیامبر خدا بودیم که همسر رفاعه قرظی نزد ایشان آمد و گفت :

« ای رسول خدا من زوجه رفاعه بودم او مرا اطلاق داد و با تکرار سه بار صیغه ی طلاق ، طلاق مرا قطعی کرد بعد از رفاعه به زوجیت عبدالرحمن بن زید در آمدم حال آن که به خدا قسم او چیزی ندارد مگر مثل ریشه ی این چادر .»^۱

۱ - حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲، کتاب الطهاره، ابواب الدفن، باب ۵۲، حدیث ۵.

۲ - مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۹۲.

۳ - «لبست (ام کلثوم) جلابیهها و دخلت علیهن فی نسوة»، همان، ج ۳۲، ص ۹۰.

- اعتراض شدید حضرت زینت (ع) به یزید در ماجرای اسارت زینب (س) و همراهان، ایشان را به گونه ای وارد دمشق کردند که به آنها هتک حرمت شد به طوری که روپوش آنها را غارت کردند هنگامی که ایشان را به مجلس یزید وارد کردند حضرت زینب در همان جا سخنرانی شدید بر ضدّ روش های ظالمانه یزید و یزیدیان نمود، از جمله به یزید فرمود:

«أَمِنَ الْعَدْلُ يَا بِنَ الطَّلَقَاءِ تَخْدِيرِكِ حَرَائِرِكَ وَأَمَائِكَ وَ سَوْقِكَ بَنَاتِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) سَبَايَا، قَدْ هَتَكَتِ سْتُورَهُنَّ وَ أَيْدِيَهُنَّ وَ جُوهَهُنَّ؟»^۲

آیا این عدالت است که زنان و کنیزان خود را در پشت پرده بنشانی، ولی دختران رسول خدا (ص) را به صورت اسیر حرکت دهی و حریم پوشش زنان ما را بشکنی و نقاب از چهره آنها برداری؟

سپس فرمود: «سوگند به خدا جز پوست خودت را نکنده ای، و گوشت خودت را پاره پاره نکرده ای، حتما تو را در قیامت نزد رسول خدا «ص» ببرند با بار سنگین گناه، گناه ریختن خون اهل بیت آن حضرت، و هتک حرمت (حجاب) آنها، آن گاه حق ما از تو گرفته خواهد شد، و در آنجا عزت ما و ذلت خود را خواهی دید.»^۳

این فراز بیانگر آن است که خاندان رسالت در مورد «قداست حریم حجاب» بسیار حساس بودند، به طوری که هتک آن را در کنار گناه بزرگ ریختن خونشان به عنوان یک گناه بزرگ می شمردند و با ذکر آن، به سلطان ستمگر وقت اعتراض می نمودند.

بنابراین با مطالعه ی کیفیت پوشش در تاریخ اسلام پی می بریم که استفاده از پوشش کامل و حداکثری در خارج از منزل و در مواجهه با نا محرم در بین بانوان مؤمن و مسلمان که اطاعت از خاندان وحی را باعث افتخار خود می دانسته اند به عنوان یک سیره اسلامی وجود داشته است و به نظر می رسد منشأ نخست پیدایش و گسترش این سیره اسلامی نیز الهام بانوان از آیه ی جلیاب و الگوپذیری از بانوان خاندان اهل بیت (ع) همچون حضرت فاطمه زهرا (س) و ام کلثوم (س) و همسران پیامبر اکرم (ص) بوده است.

۱- بخاری، ابی عبدالله محمد بن اسماعیل، بی تا، صحیح البخاری، دار المعرفه، بیروت، ج ۴، ص ۱۳۴.

۲- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۳۴.

۳- همان، ص ۱۳۵.

۲-۲-۴ حجاب از نظر عقل

لزوم پوشش از نظر عقل، نیاز به توضیح ندارد، چرا که هر عقل سلیم آن چه را برای انسان مایه ی کرامت و حفظ از انحرافات و بیهودگی و پوچی ها است، موجب استواری انسان می داند و آن چه را که باعث فساد اخلاقی و پیامدهای شوم برهنگی می شود، آن را مذموم و ناپسند می داند و این یک مطلب وجدانی عقلی است که به اصطلاح «قیاساتها معها» (دلیلش همراه خودش است) ^۱.

رشد فکری و عقلی پس از بلوغ جسمانی روبه تکامل می رود پس از بحران های بلوغ، فرد استعدادها، توانایی ها و امکانات محیطی خود را بهتر می شناسد و نسبت به شخصیت خود بیشتر آگاهی می یابد و در نتیجه تصمیماتش بیشتر از عقل نشأت می گیرد تا احساسات. عقل چون چراغی تابان است که زشتی ها و نیکی ها را نشان می دهد و عوامل خوشبختی و بدبختی را نشان می دهد همان گونه در فلسفه حجاب گفته شد، حجاب از عوامل خوشبختی است و موجب سلامتی و تکامل فرد و جامعه می شود و برهنگی و بی حجابی باعث انحطاط جامعه می شود.

به این ترتیب نتیجه می گیریم که رعایت حجاب و عفاف برای زنان و مردان ضروری است به طور کلی هرچیزی که مایه انحراف و فساد است، عقل آن را حرام می داند و هر چه چیزی که باعث رشد و تکامل و سلامتی فرد و جامعه می شود عقل آن را شایسته دانسته و انسان را بر انجام آن ملزم می سازد. ^۲

خصلت، «حیاء» یکی از شعبه های عقل است، وجود حیا در انسان او را به سوی حفظ پوشش و عفت دعوت می کند و به عکس بی حیایی که از شعبه های جهل است انسان را به برهنگی و بی عفتی فرا می خواند.

چنان که امام علی (ع) می فرماید: «حیا لباسی بلند و حجابی منع کننده و پوششی نگهدارنده از بدی ها است» ^۳.

۱ محمدی اشتهرادی، محمد، بی تا، حجاب بیانگر شخصیت زن، انتشارات ناصر، قم، ص ۷۰. چاپ اول.

۲ - مهدی زاده، حسین، ۱۳۸۷، پرسمان حجاب، انتشارات صهبای یقین، قم، ص ۳۵، چاپ سوم.

۳ - ابن ابی الحدید، عبد الحمید، ۱۴۰۴ق، شرح نهج البلاغه، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ج ۲۰، ص ۲۷۲.

هم چنین ایشان فرموده است: خداوند به حضرت آدم وحی کرد: «من تو را به انتخاب یکی از سه صفت مخیر نمودم که عبارتند از: عقل، حیا و دین، یکی از آنها را انتخاب نما و صفت دیگر را رها کن»

آدم (ع) عرض کرد: من عقل را برگزیدم.

خداوند توسط جبرئیل (ع) به حیا و دین فرمود: «از عقل جدا گردید و او را به خودش واگذارید.» آنها به جبرئیل گفتند: «ما از سوی خدا فرمان داده شده ایم که از عقل جدا نگردیم، هر کجا عقل باشد ما همراه آن هستیم.» جبرئیل گفت: «چنین باشید»^۱.

بنابراین انسان عاقل با ترک شهوت و هر گونه وابستگی نادرست شهوانی به رشد و کمال می رسد، ترک پوشش، محرک شهوت است و رعایت حجاب، مانع بسیاری از تحریکات شهوی است به حکم عقل، هر چیز که شرط لازم برای کمال و رشد می باشد باید اجرا شود. نتیجه این که حجاب به عنوان شرط لازم کمال انسان باید رعایت شود. این دلیلی است که برای همه زنان حقیقت طلب مفید است حتی کسانی که مسلمان و مؤمن نیستند و به احکام اسلام متعبد نمی باشند.

اما برای یک زن مسلمان، مؤمن و مقید می توان این گونه دلیل عقلی را بیان کرد که: خداوند متعال امر فرموده است که زن خود را از نامحرم بپوشاند که آیات و احادیث فراوانی بیان کننده این مطلب هستند، خدا مولا و مالک انسان است و عقل حکم به لزوم اطاعت از مولا و مالک می کند نتیجه این که زن به حکم عقل که امر به اطاعت از فرمان خدا می کند باید خود را از نامحرم بپوشاند و حجاب داشته باشد.

پس عقل حکم می کند که انسان آنچه را که موجب سعادت است عمل کند و از آنچه که موجب شقاوت دنیوی و اخروی است پرهیز کند. انسان عاقل می داند که باید به آنچه که منافع سالم و مورد نیاز او را تأمین می کند و یا زینتی را از او دور می سازد مبادرت ورزد.^۲

پوشیدگی زن همان گونه که در مباحث آثار حجاب و بی حجابی خواهد آمد آثار مثبتی نظیر آرامش درونی، امنیت، مصونیت زن و جامعه از مفسدات اجتماعی، رشد و پرورش استعداد های زن، تحکیم خانواده، سلامت نسل، صیانت ارزش والای زن، موفقیت های معنوی و اطاعت از پروردگار را به همراه

۱ - «تا امرنا ان نکون مع العقل حیث کان.»، کلینی محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۱ و ۱۰.

۲ - محمدی اشتهاردی، محمد، حجاب بیانگر شخصیت زن، ص ۷۲.

دارد و هم چنین از زیان های بی حجابی نظیر تزلزل خانواده ، ایجاد غفلت، سقوط ارزش های زن، بلوغ زودرس جنسی جوانان، اسارت روح و غضب پروردگار متعال پیشگیری می کند. بنابراین هر عقلی که اسیر زنجیر شهوت نباشد به لزوم حجاب حکم خواهد کرد اگر چه به ادیان الهی پای بند نباشد چه این که جوانه های پذیرش فرهنگ حجاب در بین برخی از زنان غربی که خسارت های ناشی از برهنگی زن را کاملاً احساس می کنند آشکار شده است.

بنا براین می توان گفت حجاب یک وظیفه اخلاقی برای همه زنان عقیف با هر گونه عقیده است.

۲-۲-۵ فطری بودن حجاب

حجاب و پوشش در ذات و فطرت بشر نهاده شده است انسان فطرتاً میل به پوشش بدن خود دارد و از برهنگی مضطرب می شود. از آیات ۱۹ تا ۲۷ سوره مبارکه اعراف که مربوط به خلقت آدم و حوا است استفاده می شود که حجاب و پوشش انسان دارای منشأ فطری و الهی است و در مقابل عریانی و برهنگی منشأ غیر الهی و شیطانی دارد.

خداوند در این آیات به انسان هشدار می دهد که مواظب باشند مبادا همان گونه که فتنه و فریب شیطان باعث برهنگی آدم و حوا گردید، موجب فریب و برهنگی آنان نیز شود.

قرآن می فرماید: « فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجْرَةَ ، بَدَتْ لَهُمَا سَوَاتُهُمَا وَ طَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ »^۱

هنگامی که از آن درخت چشیدند ، زشتی برهنگی شان برای آنان آشکار شد و به (پوشاندن خویش با چسباندن برگ درختان بهشت بر خود پرداختند).

از این داستان می توان فهمید که آدم و حوا هنگام برهنه شدن پریشان شدند، زیرا برای رهایی از این حالت، به برگ های درختان پناه آوردند و خود را با آن ها پوشاندند و صبر نکردند تا لباس مناسبی بدست آورند .

این در حالی است که:

اولاً: آنها همسر یکدیگر بودند و جایز بود در مقابل هم برهنه شوند.

ثانیاً: هیچ کس در آن جا نظاره گر آنها نبود که شرمندگی شان به خاطر او باشد.

ثالثاً: چون اولین انسان بودند پوشش برای آنها جنبه اکتسابی هم نداشت.

بنابراین تنها دلیل اضطراب ایشان از برهنگی فطری بودن حیوا به دنبال آن ، فطری بدون پوشش در آن ها بود و چون برهنگی خلاف فطرت است اضطراب به همراه دارد.^۱ البته مقصود از فطری بودن پوشش، فطری بودن حجاب مصطلح اسلامی نیست ، بلکه می توان گفت پوشش به طور اجمالی برای زن فطری است و برهنگی در تضاد با فطرت او است.

برای اثبات این مطلب ، باید دو مقدمه را در نظر گرفت:

اول این که قرآن در این آیات سخن از کشف «سوءه» دارد. کلمه «سوءه» در لغت به معنای آن چیزی است که انسان از ظهورش کراهت دارد.^۲

بنابراین می توان گفت منظور قرآن از کلمه «سوءه» در سوره اعراف آیه های ۲۰ (سوء تهما)، ۲۲ (سوء تهما) و ۲۶ (سوء تکم) و ۲۷ (سوء تهما)، جاهایی از بدن آن ها بوده که از آشکار شدن آن خجالت می کشیدند، یعنی جاهایی که جاذبه جنسی داشته، نه فقط اعضای تناسلی، زیرا در همین سوره خداوند از لباس که «سوءه» انسان را می پوشاند «لباس تقوا» تعبیر کرده و می فرماید: «یا بَنِي آدَمَ قَدْ أُنزِلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُّوَارِي سَوْآتِكُمْ وَ رِيشًا وَ لِبَاسٌ ذَلِكَ خَيْرٌ»^۳

از این بیان استفاده می شود لباس عفاف یا پوشش عفیفانه به پوششی گفته می شود که جاذبه های جنسی انسان را بپوشاند ، نه فقط عنصر تناسلی را . پس به احتمال قوی می توان گفت: کلمه «سوءه» در این آیات کنایه از جاذبه جنسی است و علت اضطراب آدم و حوا از بین رفتن عفاف شان بوده است. هم چنین تعبیر قرآن در سوره اعراف «يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا»^۴ که به معنای جدا شدن لباس های آنها و برهنه شدن تمام بدنشان است، کنایه از این واقعیت دارد که ناراحتی آنها صرف آشکار

۱- قرآنی، محسن، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۴۱.

۲- قرشی، سید علی اکبر، ۱۴۱۲ ه. ق، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۳، ص ۳۴۹، چاپ ششم.

۳- اعراف، ۲۶.

۴- همان، ۲۷.

شدن عضو تناسلی نبوده است.^۱

در تأیید این مطلب، در تفسیر قمی از امام صادق (ع) در توضیح این آیه آمده است: «از درخت ممنوعه خوردند، پس همان طور که خداوند از این جریان حکایت می کند، اندام پنهان شان آشکار گردید و لباس هایی که خداوند از بهشت بر آنها پوشانده بود، از ایشان جدا شد در این هنگام به وسیله برگ درختان شروع به پوشیدن بدن خود نمودند.^۲

در روایت دیگری از آن حضرت آمده است (فَلَمَّا أَكَلَا مِنَ الشَّجَرَةِ طَارَ عَنْهُمَا الْحِلْيُ وَالْحُلُّلُ عَنْ اجْسَادِهِمَا وَبَقِيَ عُرْيَانِينَ ...)^۳، وقتی آدم و حوا از درخت ممنوعه خوردند، زیورها و لباس هایشان از بدن شان جدا شده برهنه ماندند.

مقدمه دوم، این که جاذبه های جنسی و اندام هایی که انسان از کشف آن حیا می کند در زن و مرد متفاوت است. در مردان فقط اعضای تناسلی یا حداکثر بین ناف تا زانو جاذبه جنسی دارد ولی در زنان تمام بدن دارای جاذبه جنسی است. با این دو مقدمه می توان استدلال کرد که زن مانند مرد نیست که فقط از کشف اعضای تناسلی حیا کند، بلکه کمترین برهنگی برای زن در مقابل مرد آزار دهنده است از این رو می توان نتیجه گرفت از نظر قرآن، هر گونه برهنگی زن، با فطرت او در تضاد است و همین موجب اضطراب او می شود.

اسلام برای این که زن از این آسیب محفوظ بماند بین تشریح و تکوین هماهنگی ایجاد کرده است به همین دلیل حکم حجاب، یعنی پوشش تمام بدن، مخصوص زنان است، ولی حجاب مردان در حد پوشیدن عضو تناسلی یا حداکثر بین ناف تا زانو است.

از شواهد دیگری که به فطری بودن حجاب حکایت می کند، فطری بودن حیا، به ویژه در زن و بلکه در جنس ماده است. این مطلب از قرآن و روایات اثبات می شود و هم زیست شناسان و روان شناسان به آن معتقدند. قرآن در قصه حضرت مریم (ع)، پس از این که می گوید مریم به اعجاز الهی بار دار شد و برای این که مردم نادان او را به فحشا و بی عفتی متهم نکنند، از آنان فاصله

۱- رجبی، عباس، حجاب و نقش آن در سلامت روان، ص ۸۱.

۲- «فَاكَلَا مِنَ الشَّجَرَةِ فَكَانَ كَمَا حَكَی اللّٰهُ بَدَنَ لِهَمَا سَوَاتِهِمَا وَسَقَطَ عَنْهُمَا مَالِبَسَهُمَا مِنْ لِبَاسِ الْجَنَّةِ وَاقْبَلَا يَسْتَتِرَانِ مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ.» قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۴۳.

۳- همان، ص ۳۲۲.

گرفت تا دور از آنها وضع حمل کند ، می فرماید: (یا لیتنی متَّ قَبْلَ هَذَا كُنْتُ نَسِيًّا مَنَسِيًّا)^۱ (مریم آن قدر ناراحت شد که) گفت: «ای کاش پیش از این مرده بودم و به کلی فراموش می شدم.» این سخن ، نهایت پریشانی و ناراحتی زنی است که احساس می کند از نظر مردم ، حیا و عفتش لکه دار شده است ، از این جهت آروزی مرگ می کند .

این نشان می دهد که حیا تمام وجود اوست و این دلیل بر فطری بودن حیا است از این بیان معلوم می شود که وقتی حیا در زن فطری باشد پوشش و حجاب که لازمه حیا می باشد نیز فطری خواهد بود ، زیرا امکان ندارد زنی حیا داشته باشد و آن گاه اجازه دهد نا محرم از نگاه کردن به بدن او لذت ببرد به عبارت دیگر ظهور تبلور حیا در زن ، به پوشش مناسب است. در واقع عامل اصلی گرایش زن به حجاب و پوشش ، تأمین نیازی درونی و فطری به نام شرم و حیا است.

هم چنین قرآن در قصه حضرت یوسف علیه السلام ، به حرکت فطری زن عزیز مصر اشاره می کند که وقتی خواست از یوسف کام بگیرد ، درها را بست. « وَ غَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ »^۲ تا کسی او را نبیند.

امام زین العابدین (علیه السلام) در این باره می فرماید: «در این هنگام آن زن با پارچه ای روی بت خود را پوشاند یوسف از او پرسید: چرا این کار را کردی؟ گفت: «از بت حیا می کنم.» یوسف گفت: «تو از بت حیا می کنی، ولی من از خدا حیا نکنم.»^۳

از این جریان مشخص می شود که حیا امری فطری است. زیرا مثل چنین زنی هم به طور فطری و غریزی چنین احساسی دارد.

امام صادق (ع) نیز می فرماید: «حیا ده جزء است که نه جزء آن در زنان و یک جزء آن در مردان است.»^۴ از این روایت هم استفاده می شود که در طبیعت و آفرینش زن، حیا قرارداد شده و جزء فطرت اوست.

۱- مریم، ۲۳.

۲- یوسف، ۲۳.

۳- میبیدی، ابوالفضل رشیدالدین، ۱۳۷۱ش، تفسیر کشف الاسرار و عده الابرار، امیر کبیر، تهران، ج ۵، ص ۲۸.

۴- صدوق، علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۶۸، ۶۴۳، مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۴.

برخی از روان شناسان معتقدند حیا با آفرینش زن به هم آمیخته است و تطورات جنسی دوران بلوغ که معمولاً با بروز حالت روحی و روان گوناگونی همراه است، حامل درونی حیا را به نمایش می گذارد. به اعتقاد آنان، فرق این دو جنس خیلی زیاد است، مثلاً دختر در این سن متانت خویش را دارد و در نهایت رشد و وقار زندگی می کند، در حالی که پسر سال های دراز دیگری را لازم دارد تا عاقل گردد.^۱

بنابراین وقتی حیا در زن فطری باشد، حجاب و پوشش هم که از آثار و نتایج آن است، فطری خواهد بود.

مونتسکیو می گوید:

«تمام ملل جهان در این عقیده مشترک اند که زن ها باید حجب و حیا داشته باشند تا بتوانند خوداری کنند. علت این است که قوانین طبیعت این طور حکم کرده است و لازم دانسته زنان ها محجوب باشند و بر شهوات غلبه نمایند، طبیعت مرد را طوری آفریده که تهورش زیادتر باشد ولی زن طوری آفریده شده که خودداری و تحملش زیادتر باشد. بنابراین هرگز نباید تصور کرد که افسار گسیختگی زن ها بر طبق قوانین طبیعی است، بلکه افسار گسیختگی بر خلاف قوانین طبیعت می باشد و برعکس، حجب و حیا و خودداری مطابق قوانین طبیعت است، زیرا طبیعت ما را طوری آفریده که به نقص خود پی ببریم و به همین جهت است که دارای حجب و حیا هستیم.»^۲

روان شناسان معتقدند که پوشیدگی زنان ریشه ی روانی دارد و برای رشد و بلوغ روانی آنان ضروری است، برخی از روان شناسان نیز ریشه پوشش و حجاب زنان را تدبیر هو شمندان فطری زن برای جذابیت بیشتر خود معرفی کرده اند.

دکتر شهریار روحانی در این رابطه می نویسد:

«کسانی که علت تفاوت در پوشش مردان و زنان را نشانی از برتری جویی یا دلیل نابرابری حقوق زن و مرد و یا نشانه ای از اسارت زنان می دانند از این حقیقت غفلت کرده اند که ضروریات بلوغ روانی

۱ - محمدی آشنایی، علی، حجاب در ادیان الهی، ص ۲۶.

۲ - مونتسکیو، روح القوانين، ص ۴۴۲.

مردان و زنان در مرحله ای از یکدیگر جدا شده و بر خلاف تبلیغات عوامانه «پوشش» مناسب برای زنان به تفاوت مراحل رشد روانی آنان باز می گردد و ریشه در فطرت انسان دارد.^۱

بنابراین روانشناسان و جامعه شناسان نیز حجاب و پوشش را مقتضای فطرت و طبیعت جامعه بشری دانسته اند.

از بررسی آیات و روایات و نظر روان شناسان اثبات می شود که زشتی برهنگی و کرامت پوشش جزء فطرت انسان است و پوشش ارزش است ، اگر چه با ساده ترین وسیله باشد . انسان با حیا از برهنگی مضطرب و پریشان می شود چون برهنگی با فطرت او سازگار نیست.

۲-۲-۲-۶ اجماع

فقه‌های اسلام بر ضرورت حجاب اجماع نموده اند به طوری که باید آن را از ضروریات دین و مذهب به شمار آورد.^۲ با این حال، با وجود آیات و روایات ، این اجماع مدرکی بوده و از حجیت و اعتبار مستقل برخوردار نمی باشد.

۲-۳ فلسفه حجاب

فلسفه حجاب از مسائل مهمی است که آگاهی از آن می تواند یکی از پایه های تحقق فرهنگ پوشش اسلامی گردد و به آن عمق و فضا بخشد ، زیرا به این سوال مهم بانوان که « چرا باید با حجاب باشیم » پاسخ می دهد .

با نگاهی به آموزه های دین اسلام می توان دریافت که زن از دیدگاه اسلام دارای شخصیتی شایسته و جایگاهی والا و الهی است که می تواند مدارج کمال را طی کرده و به مراتب عالی انسانیت راه یابد و مصداق تحقق فلسفه خلقت یعنی خلیفه و جانشین خدا گردد .

دستورات الهی و اوامر و نواهی خداوند ، چه در بخش رفتارها و احکام عملی و چه در حوزه اخلاق حکیمانه ، هدفمند و بر اساس مصالح و مفاسدی است که در رفتار انسان وجود دارد و انجام و ترک آنها ، در تکامل آدمی و سعادت ابدی او مؤثر است .

۱- روحانی، شهریار ۱۳۶۹، آیا حجاب ضرورت دارد، نشر اشراقیه، تهران ، ص ۹.

۲- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۲۵.

بنابراین، همه ی واجبات و محرمات الهی و حتی جزئیات برخی از اعمال، حکمت و فلسفه دارد؛ گرچه بسیاری از آنها به ویژه در بخش عبادات برای ما روشن نیست. وجوب استفاده از پوشش مناسب بر زن نیز به عنوان یکی از احکام عملی مشمول این قاعده است. بدین سبب، نظر به اینکه وجوب پوشش برای زن، مورد توجه زنان و مردان بوده و درباره ی آن سخنان فراوانی گفته شده و می شود، به اختصار برخی از حکمت ها و فلسفه های پوشش زن را با توجه به آیات و روایات بر می شماریم.

۲-۳-۱ معرف شخصیت زن

خداوند متعال در آیه ی ۵۹ احزاب، پس از بیان لزوم پوشش بر زنان، با عبارت «ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ» به دو حکمت این دستور اشاره کرده است:

از واژه ی ((يُعْرَفْنَ)) در جمله ی ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ استفاده می شود که پوشش، معرف زن است. در اینکه مقصود از معرف بودن پوشش در آیه چیست، دو احتمال گفته شده است:

یک این که در زمان نزول آیه زنان با سر و گردن برهنه از منزل خارج می شدند و پوششی نداشتند. این امر سبب می شد گاهی بعضی از جوانان هرزه مزاحم آنها شوند. بدین سبب، به زنان دستور داده شده برای خروج از خانه، از پوشش استفاده کنند تا از کنیزان متمایز شوند و بهانه ای برای مزاحمت هرزگان وجود نداشته باشد. این احتمال بر اساس شأن نزولی است که برای آیه ذکر شده و معرف بودن پوشش نیز در این جهت است که زن آزاد را از کنیز متمایز می کند و در نتیجه، مزاحمت هایی که برای کنیزان وجود داشته، از آن بر داشته می شود.^۱

دوم اینکه پوشش معرف زن در بُعد عفت و صلاح است و زنان عقیف را از زنان بی پروا و بدکاره جدا می کند در نتیجه اهل فسق و فجور متعرض آنان نمی شوند و زنان از اذیت آنان مصون می مانند.^۲

بنابراین پوشش زن در عرصه ی عمومی، معرف پاکدامنی و عفت اوست که امروزه این خاصیت برای حجاب زنان مطرح است. حضور زنان و دختران با پوشش اسلامی در مرکز فرهنگی و علمی یا مرکز اقتصادی و اشتغال به کار و دانش، نشانه ی عفت و پاکدامنی آنان است و البته یکی از آثارش آن است که مردان با دیده ی احترام به ایشان می نگرند و افراد لابلالی مزاحم آنان نمی شوند.

۱- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۵ ق، جامع البیان عن تاویلات القرآن، دارا لفکر، بیروت، ج ۲۲، ص ۵۵، طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۸، ص ۵۸۰، عروسی حویزی، علی بن جمعه، ۱۴۱۲ق، تفسیر نور الثقلین، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ج ۴، ص ۳۰، چاپ چهارم.

۲- طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۱۶، ص ۳۳۹.

توجه به این نکته لازم است که این مطلب بدین معنا نیست که در زمان ما، هر خانمی که از پوشش استفاده نمی کند یا از پوشش های نامناسب استفاده کند، بی عفت و بدکاره است؛ بلکه پوشش، نشانه ی عفت و پاکدامنی است و زنی که در جامعه از پوشش استفاده کند، با این نشانه خود را در شمار زنان عفیف و پاکدامن معرفی می کند.

ممکن است زنی بدکاره، از چادر برای گول زدن دیگران استفاده کند، ولی این مطلب بدین معنا نیست که چادر حجاب بد است یا نشانه ی پاکدامنی نیست؛ زیرا برخی ناعفیغان از آن استفاده می کنند، بلکه اتفاقاً به عکس، نشانه پاکدامنی است، چون زن بدکاره نیز از همین نشانه بودن آن سوء استفاده کرده است، و گرنه نمی توانست خود را در شمار پاکدامنان معرفی کند.

۲-۳-۲ تأمین امنیت اجتماعی

حکمت دیگری که از آیه ی ذَلِكْ اَدْنٰى اَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِنَنَّ مِی توان استفاده کرد، این است که استفاده از پوشش مناسب در مجامع عمومی، زنان را از آزار مردان هرزه مصون می دارد و امنیت اجتماعی آنان را تأمین می کند. این مطلب از ترتب ((فَلَا يُؤْذِنَنَّ)) بر ((يُعْرَفْنَ)) به دست می آید.

بنابراین، افزون بر اینکه حجاب، نشانه ای بر عفت زن و حافظ و نگهبان او در برابر آزار فاسقان و فاجران نیز به شمار می آید موجب می شود همه افراد، به ویژه افراد بیمار دل و کسانی که اسیر هوای نفس هستند، بفهمند که این زنان پاک و با وقارند پس مزاحم آنان نشوند و امنیت ایشان را به خطر نیندازند، این مطلب در تفسیر المیزان نیز آمده است.^۱

در حقیقت، آیه ی ذَلِكْ اَدْنٰى اَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِنَنَّ به زنان و دختران می گوید اگر بخواهید از متلک ها، تهاجم ها و تهدیدهای افراد آلوده و هرزه در امان باشید، باید خود را بپوشانید.

بی حجابی با مزاحمت های خیابانی رابطه ی مستقیم دارد. نبود حجاب و وضعیت زننده ی زنان و دختران در کشورهای غربی، سبب شده زنان امنیت اجتماعی نداشته باشند. خانم وندی شیلت در کتاب فمینیسم در آمریکا، درباره ی رواج مزاحمت های خیابانی می نویسد: دختران پیوسته احساس می کنند با رفتارهای خشونت آمیز به آنان بی احترامی می شود. این رفتار به صورت های گوناگون، مانند

۱- طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۳۴۲.

۲- وندی شیلت و دیگران، ۱۳۸۶، فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ترجمه معصومه محمدی و دیگران، دفتر نشر معارف، تهران، ج ۴، ص

مزاحمت های جنسی ، اذیت و آزار روانی ، آزار جسمی و کلامی و تجاوز به عنف دیده می شود. و بیشتر دختران حتی برای قدم زدن در خیابان احساس امنیت نمی کنند .^۱

خانم شیلت با اشاره به امنیت خیابانی زنان در گذشته می گوید : ((محترم شمردن پاکدامنی به زنان نیرو می بخشد)) وی رهایی از مزاحمت های جنسی را نتیجه ی مستقیم ارزش قابل شدن برای عفاف زنان در جامعه بر می شمرد.^۲

در کشور ما نیز زنان و دخترانی که با پوشش مناسب در خیابان ها و در مجامع عمومی حاضر می شوند ، مشکل مزاحمت ندارند یا بسیار کم دارند و بیشتر مزاحمت ها برای دختران و زنان بی حجاب است .

بنابراین حجاب نه تنها مانعی برای حضور زن در جامعه نیست ، بلکه حامی و مدافع او نیز به شمار می آید پوشش برای امنیت بخشیدن به زن و حفظ او از آزارها ، متلک ها و تجاوز هاست ، نه برای زندانی کردن وی در حصار خانه.

۲-۳-۳ دفاع از شخصیت انسانی زن

زن از دیدگاه اسلام پیش از آنکه به عنوان زن و جنس مؤنث مطرح باشد، حقیقت و هویت انسانی دارد و شخصیت واقعی او به انسانیت اوست ، نه به مؤنث بودنش و نه به جسم و زیبایی های جسمی و جذابیت های جنسی او. بنابراین آنچه در مورد زنان توجه بیشتری می طلبد، شخصیت زن و بعد انسانی اوست ، نه بعد جسمانی او در حالی که آنچه امروز از جمعیت زن در دنیای غرب مورد توجه است جسم زن است. به این ترتیب زنی که می تواند با توانمندی ها مادی و استعداد های معنوی خود در کنار فعالیت های اجتماعی ، در مسیر معنوی و انسانی خود گام بردارد و به کمال برسد به ابزاری برای ارضای شهوت هوس رانان یا وسیله ای برای جلب و جذب مشتری و افزایش در آمد کارخانه داران و سرمایه داران تبدیل می شود و حقیقت خود را فراموش می کند و به نابودی می کشاند. اسلام با طرح مسئله حجاب و لزوم استفاده از پوشش مناسب برای حضور در عرصه عمومی کاری کرد که زن در اجتماع به عنوان یک انسان حاضر شود نه به عنوان مؤنث و وسیله ارضای شهوت. بنابراین پوشش دینی نه تنها بند و حصار و مایه محدودیت نیست بلکه نشانه حرمت و طبیعت زن و دفاع از شخصیت اوست.

^۲ - همان، ص ۲۹.

آیه الله جوادی آملی در کتاب زن در آینه جلال و جمال می نویسد: «حجاب عبارت است از احترام گذاردن و حرمت قائل شدن برای زن که نامحرم او را از دید حیوانی ننگرند. لذا نظر کردن به زنان غیر مسلمان را بدون قصد تباهی جایز می داند و علت آن این است که زنان غیر مسلمان از این حرمت بی بهره اند»^۱.

۲-۳-۴ بهداشت روانی

پاره ای از آیات نیز حکمت پوشش را پا کیزی قلب از وسوسه های شیطانی دانسته است. در آیه ۵۳ سوره احزاب می خوانیم: «إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ»^۱، «وهنگامی که چیزی از وسایل زندگی به عنوان عاریت از آنها (همسران پیامبر) می خواهید، از پشت پرده بخواهید. این کار دل های شما و آنها را پاک تر می دارد». جمله ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ در مقام بیان فلسفه و مصلحت این دستور است.^۲ «أطهر» صفت تفضیل به معنای پاک تر و پاکیزه تر و «قلوب» جمع قلب و مقصود از آن نفس و روان بوده، جمع آمدن آن در آیه، به اعتبار مخاطبان است. معنای آیه این است که آن رفتار (درخواست چیزی از زنان پیامبر از پشت پرده) دل های شما و زنان پیامبر را از میل به فجور و وسوسه های شیطانی پاک تر نگاه می دارد.^۳

زیرا نگاه زن و مرد به یکدیگر و برخورد مستقیم داشتن با همدیگر، در تحریک میل جنسی نقش بسیاری دارد. نگاه به زن سبب ایجاد اندیشه های شیطانی در نفس می شود و افکار انسان را به هوس می اندازد و هوس، سبب تحریک میل جنسی می شود، ولی اگر این ارتباط از پشت پرده باشد، زمینه تحریک میل جنسی و افکار و وسوسه های شیطانی در دل از بین می رود و دل از وسوسه ها پاک باقی می ماند.

در سوره نور نیز به این حکمت اشاره کرده و فرموده است:

ذَلِكْ أَرْكَى لَهُمْ.^۴ «این، فرو بستن چشم و حفظ فرج از گناه برای آنها پاکیزه تر است.»

«ازکی» از ریشه زکو، به معنای طهارت و مقصود از آن در آیه، طهارت باطنی و قلبی است.. ازکی، افعال وصفی به معنای مبالغه در طهارت و پاکی یا افعال تفضیل به معنای پاکیزه تر است.^۱ «ذَلِكْ» به غضبصر و حفظ فرج اشاره دارد.^۲ و این بخش از آیه که در مقام بیان فلسفه حکم یاد شده است.^۳

^۱ - جوادی آملی، عبدالله، ۱۴۰۳ق، زن در آینه جلال و جمال، فرهنگ رجا، تهران، ص ۴۳۸.

^۲ - طباطبایی، المیزان فی تفسیر قرآن، ج ۱۶، ص ۳۳۷.

^۳ - طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۸، ص ۱۷۷، راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات، ص ۴۱۱.

^۴ - نور، ۳۰.

فلسفه غض بصر و حفظ فرج را طهارت باطنی و دوری از وسوسه های شیطنی می داند.^۴ بنابراین دستور فوق ، حمایت از اخلاق و معنویت زنان و مردان جامعه است.

۲-۳-۵ پیشگیری از ایجاد التهابات و هیجان جنسی در جامعه

پوشش ، از یک سو امری فردی و تکلیفی است که متوجه فرد فرد زنان است و از سوی دیگر ، مسئله ای اجتماعی و در خصوص دیگر افراد جامعه است ؛ زیرا حضور زن در جامعه با جسم نیمه عریان، سبب تحریک مردان می شود و التهاب جنسی را افزایش می دهد. زن و مرد گرچه در اصل میل جنسی مشترک اند، در کیفیت آن با هم تفاوت هایی دارند.

به گفته روانشناسان، میل جنسی مرد به گونه ای است که با دیدن بدن عریان زن و مناظر تحریک آمیز به سرعت تحریک می شود. در نتیجه، پوشش و عدم پوشش زن نقش مهمی در تحریک شدن یا نشدن مردان دارد. از این رو، زن موظف است برای رعایت حقوق دیگر افراد جامعه، هنگام خروج از خانه ، از پوشش مناسب استفاده می کند. بنابراین ، یکی از دیگر از حکمت های وجوب پوشش برای زن ، پیشگیری از التهاب جنسی در جامعه است. به همین دلیل، قرآن شریف زنانی را که پا به سن گذاشته اند و جذابیت جنسی ندارند، از حکم وجوب پوشش منوط به اینکه تبرج نداشته باشند ، استثنا کرده و فرموده است:

« وَالْقَوَاعِدِ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ »^۵.

«و بر زنان از کار افتاده ای که [دیگر] امید زنا شویی ندارند، گناهی نیست که پوشش خود را کنار نهند ، [به شرطی که] زینتی را آشکار نکنند و اگر خود را بپوشانند، برای آنان بهتر است».

واژه «قواعد»، جمع قاعده و به معنای زنی است که از نکاح باز نشسته شده است ؛ یعنی دیگر کسی به دلیل پیری اش میل به او نمی کند. این آیه، استثنایی از عموم حکم حجاب، و معنایش این است که

۱ - آلوسی ، محمود، بی تا ، روح المعانی ، انتشارات جهان ، تهران ، ج ۱۸ ، ص ۱۲۸.

۲ - سیوطی ، جلال الدین ، ۱۴۰۳ ، الدر المنثور ، ج ۵ ، ص ۴۰ ، قرطبی ، محمد بن احمد ، ۱۴۰۵ ق ، الجامع الاحکام القرآن ، داراحیاء التراث العربی ، بیروت ، ج ۱۲ ، ص ۲۶.

۳ - طباطبایی ، محمد حسین ، المیزان، ج ۱۵ ، ص ۱۱۱

۴ - فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر صافی ، ج ۳ ، ص ۴۲۹ ، آلوسی ، محمود ، روح المعانی ، ج ۱۸ ، ص ۱۲۸.

۵ - نور ، ۶۰.

حجاب بر هر زنی واجب است، مگر زنان مسن، که می توانند بی حجاب باشند،^۱ البته در صورتی که کرشمه و تبرج نداشته باشند.

اگر وجوب پوشش بر زن تنها به لحاظ جنبه فردی آن بود و بعد اجتماعی آن و تأثیری که بی حجابی در تحریک جنسی مردان دارد. مورد نظر نبود، باید استفاده از پوشش نیز برای زنان مثل نماز در هر شرایطی واجب می بود، گر چه با کیفیت متفاوت؛ در حالی که چنین نیست.

۲-۳-۶ استیفای حقوق زن

پوشش کامل اسلامی برای زن و امتناع از نشان دادن زیبایی های خود به مردان، وسیله ای برای رسیدن او به پاره ای از حقوق خویش است. توضیح اینکه، زن حق ازدواج و استمتاع جنسی در چهارچوب شرع و حق تشکیل خانواده و بهره مندی از امتیاز های آن را دارد. زن حق دارد مادر شود همسر شود و فرزند داشته باشد. این در حالی است که بی حجابی؛ مستلزم بی بند و باری و ارتباط آزاد زنان و مردان و در نتیجه، محرومیت زن از بسیاری از حقوق خویش است.

اسلام گفته است مرد برای بهره مندی جنسی از زن، اولاً باید با او ازدواج کند و ثانیاً تعهداتی را که لازمه قرار داد ازدواج است، به عهده گیرد و مهریه و نفقه او را بپردازد. در حالی که حضور زنان با جاذبه های جنسی در کوچه و خیابان و در برابر دیدگان مردان سبب می شود مرد به طور مجانی و بدون هیچ گونه تعهدی از زیبایی های زن استفاده کند و حتی از او لذت جنسی ببرد و خود را ارضا نماید. در این صورت، چه نیازی به ازدواج و پذیرفتن آن همه تعهدات خواهد داشت؛ در حالی که همه چیز مجانی در اختیار اوست. براین اساس، نخستین کسی که از بی بند و باری ضرر می کند و حقوقش پای مال خواهد شد زن است.

راسل در این مورد می نویسد:

«تصور من بر این است که اگر مردی به سهولت به زنی دست یابد احساس آن مرد نسبت به آن زن یک نوع احساس عاشقانه عمیق نمی تواند باشد.»^۲

بنابراین هر چه زن در روابط خود با مرد آزاد تر باشد و کم تر حریم حجاب را رعایت کند ارزش انسانی خود را از دست می دهد و به وسیله ای برای اطفای شهوت مردان تبدیل می شود، بدون اینکه

۱ - طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۱۵، ص ۱۶۴.

۲ - راسل، برتراند، ۱۳۵۵، زناشویی و اخلاق، مهدی افشار، انتشارات کاویان، تهران، ص ۷۹.

جایگاهی در قلب او بدست آورد در نتیجه نه تنها حقوق واقعی خود را از دست می دهد بلکه در معرض مشکلات و اختلال های روحی و روانی قرار می گیرد.

۲-۳-۷ حفاظت از کانون گرم خانواده

حضور بانوان در عرصه عمومی بدون پوشش یا با پوشش های نامناسب و تحریک کننده، آثاری زیان باری بر روی همسران دارد. مردی که چشمش به روی زنان نامحرم بدون هیچ گونه محدودیتی گشوده است و زنان جذاب گوناگونی را با آرایش های متنوع مشاهده می کند و لذت می برد، در باز گشت به خانه، جذابیتی در همسر خود نمی بیند و علاقه ای به او نشان نمی دهد. این مسئله سبب می شود علاقه همسران به یکدیگر کاهش یابد و در نهایت، کانون گرم خانواده به سردی گراید و فرو پاشد.

اما اگر زن با پوشش کامل و لباس مناسب از منزل خارج شود و زیبایی های خود را به مردان عرضه نکند و مرد نیز جایی برای چشم چرانی نداشته باشد، علاقه و محبت خود را خرج دیگران نمی کند و برای همسر و شریک زندگی خود به خانه می آورد و از این راه، پیوند زناشویی استوار تر و بنای خانواده ثابت می ماند.

مسئلاً رعایت حجاب و پوشش عامل قوی و سازنده برای ایجاد و حفظ این امنیت خواهد بود.

حضرت علی (ع) در یکی از سخنان گهر بار خود در مورد حفظ کانون خانواده به امام حسن (ع) می فرماید: «به زن خانواده بیشتر از اندازه، آزادی مده، زیرا رعایت اندازه برای حال زن مفید تر و برای فکرش سالم تر و برای زیبایی اش با دوام تر خواهد بود، چه آن که زن ریحانه است نه قهرمان (یعنی لطیف و آسیب پذیر است و باید آن را حفظ کرد). در عین حال مواظب باش که به شخصیت او ضربه نزن^۱. از این عبارت استفاده می شود که رعایت توازن بین آزادی و عفاف، علاوه بر حفظ خانواده و اجتماع برای خود زن نیز مفید و لازم است، چه آن که رعایت حجاب و عفاف، او را از مزاحمت افراد هوسران حفظ می کند و از سقوط و انحراف نجات می بخشد.

۱ - حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، باب ۹۷، از ابواب مقدمات نکاح.

فصل سوم

حجاب و عفاف و حقوق شهروندی

۳-۱ حقوق شهروندی

خداوند متعال برای زندگی اجتماعی بشر، قوانین پیشرفته‌ای توسط رسولان خود فرستاده است. قوانینی که مطابق با فطرت انسان است و همه جوانب زندگی بشر را در بر می‌گیرد زیرا واضع آن خالق است و عالم به نیازهای بشر لذا این قوانین در همه اعصار و برای تمامی اشخاص قابل اجراست و سلامت دنیوی و اخروی بشر را تضمین می‌کند.

یکی از احکام متعالی اسلام توجه به حق الناس است و خداوند رعایت آن را از ویژگی‌های متقین یاد می‌کند؛ شهروندان علاوه بر حقوق فردی از حقوق اجتماعی و سیاسی نیز برخوردارند و در جوامعی که نظام اسلامی حاکم است تدوین قوانین حقوقی منشأ الهی و دینی دارد. قانون اساسی جمهوری اسلامی و قانون مجازات اسلامی نمونه‌هایی از این قوانین هستند که باید در ضمن اجرای قانون کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خداوند و اجتماع را مورد توجه قرار دهد.

لذا بند اول از اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی را از وظایف دولت دانسته است. شهروندان نیز وظیفه دارند ضمن برخورداری از حقوق مادی و معنوی همچون آزادی‌های مشروع، حق امنیت، حق رفاه و آسایش و حقوق فرهنگی به حقوق دیگران احترام گذاشته و مسئولیت اجتماعی خود را به خوبی انجام دهند.

چنان‌که مولای متقیان، حضرت علی(ع) حق رهبر بر مردم و حق مردم بر رهبر را بزرگ‌ترین حق در میان حقوق الهی ذکر فرموده است^۱ و اصلاح جامعه را وابسته به اصلاح هر دو دانسته است. چنان‌که اگر رهبر و مردم به وظایف خود عمل نمایند، حق در آن جامعه عزت می‌یابد و راه‌های دین پدیدار و نشانه‌های عدالت برقرار و سنت پیامبر(ص) پایدار می‌گردد، در این صورت مردم بر تداوم حکومت امیدوار می‌شوند و دشمن مأیوس می‌گردد.

شهروندان جامعه اسلامی حتی غیر مسلمین حق دارند از یک محیط سالم در اجتماع برخوردار گردند و این مهم ممکن نخواهد شد مگر با مشارکت تک تک شهروندان و اصلاح جامعه از مظاهر فساد و احترام متقابل افراد نسبت به حقوق هم، چنان‌که امام علی(ع) در بخشی از وصیت خود به امام حسن(ع)

۱- نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶.

می فرماید: به نیکی‌ها امر کن و خود نیکو باش و با دست و زبان بدی‌ها را انکار کن و آنچه را برای خود دوست داری برای دیگران نیز دوست بدار و آنچه را بر خود نمی‌پسندی برای دیگران مپسند.^۱

پس در حوزه‌ی شهروندی باید حقوق افراد را محترم شمرد. مراقب شأن و کرامت انسانی افراد بود تا آسیبی نبیند. باید حق حیات را به رسمیت شناخت حتی حق قصاص. چرا که بشر حق سلامت زیستن و سالم زیستن دارد و هیچ کس حق ندارد او را از این حق محروم کند.

یکی از مهم‌ترین احکام الهی، حکم حجاب و عفاف است که سلامت روانی شهروندان را تضمین می‌کند و می‌توان آن را یکی از ارکان مهم حقوق شهروندی دانست از طرفی امنیت و آرامش و پاسداشت مقدسات نیز از نیازهای اولیه شهروندان می‌باشد که بی‌حجابی این آرامش و امنیت را به خطر می‌اندازد.

۳-۱-۱ شهروند و شهروندی

مفهوم شهروند با مفهوم مدنی بودن همراه است و شهروند کسی است که حق سیاسی و مدنی در شهر دارد و در یک تعامل با شهر است و در برابر دولت تکالیفی دارد. شهروندی معمولاً به صورت عضویت در یک قلمرو سرزمینی و یک اجتماع سیاسی تعریف می‌شود.^۲

۳-۱-۲ مؤلفه‌های شهروندی

صاحب‌نظران با توجه به نوع نگاه خود، مؤلفه‌های مختلفی را برای شهروندی در نظر می‌گیرند. فالکس مسئولیت‌پذیری، احترام به اصول اخلاقی، بسط ارتباطات انسانی را مؤلفه‌های شهروند می‌داند.^۳ دکتر مهرمحمدی نیز در تبیینی جامع، اندیشه ورزی و ژرفاندیشی، سعه‌صدر، قانون‌گرایی، عزت و اعتماد به نفس، تمایل به تفکر خلاق و اگر در حل مسائل مربوط به مسائل پیرامون، احساس خود ارزشمندی و ... را از جمله ویژگی‌هایی می‌داند که مفهوم شهروند بر آن مبتنی است.^۴

به طور کلی می‌توان مؤلفه‌های زیر را برای تربیت شهروندی برشمرد:

الف) دانایی محوری: دانایی محوری به عنوان مهم‌ترین مؤلفه متشکل شهروندی، گام اول مشارکت فعال و مسئولیت‌پذیری به شمار می‌رود. دانایی محوری عبارت از داشتن آگاهی در زمینه موضوعات تاریخی، اجتماعی و فرهنگی در سطح محلی، ملی و بین‌المللی است که به عنوان پیش‌نیازی اساسی برای شهروندی به شمار می‌رود.

۱- همان، نامه ۳۱.

۲- در فصل اول قسمت مفاهیم (۱-۲-۶) تعریف شهروند و شهروندی به طور کامل آمده است.

۳- فالکس، کیث، ۱۳۸۱، شهروندی، ترجمه‌ی محمدتقی دلفروز، انتشارات کویر، تهران.

۴- مهرمحمدی، محمود، ۱۳۷۷، آموزش و پرورش و جامعه مدنی، مجله‌ی پژوهش‌های تربیتی، ج ۶، شماره ۳، صص ۳۲-۳۱.

ب) وطن دوستی: اصولاً یک شهروند به شهر و کشورش احساس تعلق می کند. وطن دوستی به معنای وفاداری نسبت به کشور خود و دیدن مصالح جامعه و انجام فعالیت های روزانه است. همان گونه که فرد در هنگام تولد، خود را عضو یک خانواده می بیند و تلاش می کند تا مرزهای پیشرفت خانواده را فراهم سازد شهروندان نیز عضو یک جامعه کلان محلی و ملی هستند که باید در توسعه زمینه های مختلف مربوط به کشور خود کوشا باشند.

ج) قانون مداری: قانون، عاملی است که زمینه انسجام و یگانگی میان افراد جامعه را فراهم می سازد. شهروند تلاش می کند قوانین را حتی اگر مغایر با نفع شخصی او باشد در زندگی به کار گیرد. قانون مداری به معنای گردن نهادن به روال ها و منفعل بودن نیست. قانون مداری فرایند بسط شعور شهروندی برای وصول به اهداف کلان زندگی اجتماعی است که امکان استفاده بیشتر را از امکانات و استعدادها فراهم ساخته و زمینه پیشرفت و ترقی را میسر می سازد.

د) مسئولیت پذیری و تعهد: شهروند مفهومی است که با مسئولیت و مسئولیت پذیری آحاد جامعه همراه است. در جامعه مدنی شهروند دریافته است که بی مسئولیتی افراد محیط اجتماع را دچار آسیب می کند. لذا او تلاش می کند با همکاری و تعاون بار مسئولیت خود را به دوش بکشد.

ه) مشارکت: بانک جهانی، مشارکت را فرایندی می داند که در آن افراد ذینفع در ایجاد و توسعه نوآوری ها و تصمیم گیری ها و منابعی که بر این نوآوری ها و تصمیم گیری ها مؤثرند نفوذ و کنترل دارند. بر این اساس مشارکت شهروندان فعل و انفعالی است که برای آنان این امکان را فراهم می سازد که در قاعده سازی و فرمول بندی سیاست و خط مشی هایی که بر کل جامعه مؤثر است شرکت جویند.^۱

قانون اساسی در هر کشوری به عنوان یک چهار چوب مدون، می تواند مبنای قانونی و مشروعیت بخش تمامی تصمیمات، برنامه ریزی ها، سیاست گذاری ها و خط مشی های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و علمی باشد. از این رو می توان قانون اساسی هر کشور را نمادی از رویکردهای اجتماعی، سیاسی و قانونی حاکم بر آن کشور دانست. حقوق مربوط به شهروندان نیز متأثر از نوع نگاهی است که در قانون اساسی منعکس شده است.

اگر چه در قانون اساسی ایران بر خلاف بسیاری از مجموع قوانین اساسی و به ویژه نوع غربی آن از واژه شهروند استفاده نشده است. با وجود این مفاد برخی از اصول آن در تعامل با شهروندی است.

۱ - واحد و کاظمی، سکینه و محمد، ۱۳۸۳، شهروندی لازمه شهرنشینی، تبریز، سمینار علمی - تخصصی شهرها و مردم.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که در سال ۱۳۶۸ و در ۱۷۷ اصل تدوین شده است در موارد متعدد بر ضرورت رعایت عدالت، نفي ستمگری و سلطه پذیری و تحقق قسط و عدل و استقلال ایجاد رفاه و امنیت، رفع فقر و محرومیت تأکید کرده است. به طوری که در متن این قانون چندین بار از مجموعه واژه های عادل (اصول ۵ و ۱۵۸ و ۶۲) ریشه کن ساختن فقر و محرومیت (اصل ۴۳)، عدالت (اصل ۱۵۶) و نظایر آن استفاده شده است.^۱

۳-۱-۳ جایگاه حقوق شهروندی در اسلام

در بحث از حقوق شهروندی و جایگاه آن در اسلام، بیش از هر نکته ای باید به این حقیقت توجه داشت که اسلام به عنوان کامل ترین دین الهی در درون خود تمام قواعد، سنت ها و ایده آل های بشری را داراست. بدین معنا که می تواند پاسخ گوی تمامی نیازهای اساسی انسان و جامعه بشری باشد. همان طور که گفته شد، نظام شهروندی به معنای واقعی آن، به معنای برخورداری عموم اعضای جامعه از حقوق و تکالیف برابر است به گونه ای که هیچ تبعیضی از لحاظ سیاسی و اجتماعی و حقوق مدنی میان افراد جامعه وجود نداشته باشد. در باب مسئولیت شهروندان اسلامی پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «الا کلکم راع و کلکم مسئولٌ عن رعیتة»^۲. که «رعی» در این مفهوم به معنای پرورش دادن است و تعبیر از «راعی و رعیت» در سنت اسلامی ریشه در اندیشه مسئولیت حاکم در رسیدگی در امور مردم و پرورش آن ها برای نیل به سعادت دارد.^۳

در مقام مقایسه جایگاه حقوق شهروندی در میان ادیان و مکاتب بشری، اسلام در عالی ترین مرتبه قرار دارد چه آن که به انسان در مقام «خلیفه الهی» حقوق و آزادی های اجتماعی را داده و در عین حال او را مسئول و مکلف به شناختن خیر خود و دیگران داشته است. اساساً در نظام حقوقی اسلام به طور کلی حق و تکلیف با هم وجود دارد. از دیگر سو در این نظام حقوقی، نوعی ضمانت اجرای تکلیفی و شرعی نیز به چشم می خورد. نکته مهم دیگر این که در جامعه اسلامی همه شهروندان از حقوق سیاسی و اجتماعی برخوردارند و در تمام شئون جامعه و حکومت مشارکت دارند.

بنا بر این می توان گفت: مسئولیت تک تک شهروندان مسلمان نسبت به مصالح عموم و فرد فرد هموعان خود، کانونی ترین نقش را در تعریف و تحقق مفهوم شهروندی دارد و اسلام این معنا را با

۱ - عاملی، سعید رضا، ۱۳۸۷، ارتباط بین فرهنگی و گفتمان حقوقی - آموزشی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۴، ص ۵۰.

۲ - مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۳۸.

۳ - حاجی پور، رضا، ۱۳۸۹، آموزش شهروندی، ص ۸۰.

تأکید بر مفهوم « ولایتِ » متقابل شهروندان بر یکدیگر مورد تنفیذ قرار داده است به گونه‌ای که پای-بندی به این تکلیف اساساً شرط ایمان است.^۱

در خصوص مبانی حقوق شهروندی در اسلام نباید از دو اصل مهم غفلت کرد:

*حق کرامت و احترام انسانی:

یکی از پایه‌های اعتقادی در نظام اسلامی، اصل کرامت و ارزش والای آدمی به عنوان خلیفه خداوند بر روی زمین می‌باشد که این اصل انسان را موجودی با ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های بالایی از تعالی و تکامل متصور می‌سازد که با توانایی نامحدود خود و استعدادی که خدای متعال در وجود او نهاده است، می‌تواند تا بالاترین درجات کمال رشد کرده و ارتقاء یابد، اهمیت کرامت انسانی به خوبی در قرآن آمده است:

(ما فرزندان آدمی را گرامی داشتیم)^۲.

اهمیت کرامت و احترام انسانی آن قدر زیاد است که امام هادی(ع) فرموده است:

« مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنَ شَرًّا »^۳ کسی که خویشتن را ناچیز و خوار می‌یابد از شر او ایمنی نداشته باش.

در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به این مسأله اشاره شده است و به ویژه در بند ششم اصل دوم قانون اساسی از « کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا » به عنوان یکی از پایه‌های اصل نظام جمهوری اسلامی ایران نام برده شده است.

انسان عاقل به فضیلت و کرامت خدادادی خود توجه دارد و تابع هوای نفس و شهوت‌ها نمی‌شود و از طرفی در جامعه اسلامی نیز به این کرامت و فضیلت توجه می‌شود. از نظر روان‌شناسان، یکی از مهم‌ترین عوامل رشد انسان، میزان ارزشی است که برای خود قائل است. هر چه سطح حرمت خود افزایش یابد و فرد خودش را بپذیرد، به همان میزان در افزایش ضریب موفقیت خود اثر دارد.^۴

از فردی که کرامت نفس ندارد و ارزش وجودی برای خود قائل نیست، ممکن است هر کار ناشایستی سر بزند. فردی که با رعایت عفاف و حجاب برای خود حریم ایجاد می‌کند، در واقع به همگان می‌گوید که برای خود حرمت و ارزش والایی قائل است و به هیچ کس اجازه تجاوز به این حریم را نمی‌دهد. در

۱- توبه، ۷۱، (والمؤمنون و المؤمنات، بعضهم اولیاء بعض ...).

۲- اسراء، ۷۰.

۳- شعبه حرآنی، ابومحمدالحسن، ۱۴۰۰ق، تحف العقول، انتشارات اسلامیة، تهران، ص ۴۸۳.

۴- معین‌الاسلام، مریم، ۱۳۸۴، زنان و برنامه تربیتی اسلام، انتشارات بیت الاحزان، قم، ص ۱۰۴.

نگاه شخص با عفاف، بهترین راه احساس ارزشمندی آن است که گوهر وجودی خود را از دسترس سودجویان و فرصت‌طلبان دور نگه دارد. زن با حجاب، با دور نگه داشتن خود از دید دیگران، به خود ارزش و اعتبار می‌بخشد تا آن‌جا که مرد، خود را نیازمند او می‌داند.

عزت، آبرو و احترام به جنس زن و رغبت بسیار مردان به زنان، ناشی از رعایت حکم کرامت آفرین حجاب و عفاف است. بر خلاف پرده‌داری و بی‌حجابی که بی‌رغبتی و بی‌میلی را در مردان نسبت به زنان ایجاد می‌کند.

این که افراد برای خود و دیگران شخصیت و ارزش قائل باشند، از جنبه‌های مختلفی در زندگی شخصی و روابط با دیگران از جمله جنس مخالف اثرگذار است. هنگامی که انسان برای خود شخصیت والایی قائل باشد، هوس‌های زودگذر به راحتی نمی‌تواند بر او غلبه کند و در برخورد با محرک‌های جنسی تسلط بیشتری خواهد داشت. چنین شخصی از رفتارهای ناسنجیده‌ایی که با کرامت انسانی و شخصیت ایمانی او ناسازگار باشد و به پشیمانی بینجامد، می‌پرهیزد و عزت نفس خود را فدای شهوتش نمی‌کند. چنان که امام علی(ع) می‌فرماید: «مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَاتُهُ» کسی برای خود ارزش و شخصیت قائل باشد شهوت‌هایش نزد او خوار و بی‌مقدار می‌شود.^۱

از سوی دیگر، این که فرد برای دیگران احترام قائل باشد سبب می‌شود که از نگاه‌های ایزاری، مزاحمت و برخوردهای ناهنجار با دیگران از جمله افراد جنس مخالف بپرهیزد. این امر در پدید آمدن تعامل‌های معقول و مبتنی بر احترام متقابل میان زن و مرد در اجتماع و منحرف نشدن روابط سالم شهروندان به رفتارهای مبتذل و غیرطبیعی نقش اساسی دارد.

* نظارت همگانی

بی‌تردید کامل‌ترین نظام سیاسی، نظامی است که در درون خود عوامل تضمین بقا را داشته باشد و بتواند با عواملی که جزء عناصر آن نظام است، زمینه رشد عوامل منفی را در درون خویش منتفی سازد و از مصونیت ذاتی در برابر چنین خطرات عظیمی برخوردار گردد و دین مبین اسلام به وضوح دارای این خصیصه مهم است. اصل اسلامی نظارت عمومی و همه مسئول هم بودن، وظیفه همگانی و متقابل دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر که در قرآن نیز به آن اشاره شده است. چنان که خداوند متعال می‌فرماید:

۱- نهج البلاغه، حکمت ۴۴۱، مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۶۷، باب ۴۶، ص ۷۸، حدیث ۱۲.

« كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ »^۱. ((شما نیکوترین امتی هستید که قیام کردید برای (اصلاح بشر) مردم را به نیکوکاری امر کنید و از بدکاری باز دارید و ایمان به خدا آورید.....)).

در حقیقت به نظام اسلامی چنان توانایی می‌بخشد که به صورت مداوم سطح آگاهی‌های مردم و کارآیی و قدرت داخلی را تا آن حد بالا ببرد که هرگز قدرتش به فساد کشیده نشود^۲. بر همین اساس اصل هشتم قانون اساسی چنین مقرر می‌دارد که در جمهوری اسلامی ایران، دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت.

امر به معروف و نهی از منکر یکی از احکام مهم اسلامی است که با ایجاد نظارت همگانی و مهار اجتماعی در حفظ و گسترش ارزش‌های اسلامی و مقابله با هنجارشکنی نقش مهمی دارد. تأثیر اجرای درست این وظیفه از سوی تک‌تک شهروندان برای جلوگیری از انحراف در روابط انکارناپذیر است. همان‌گونه که شهروندان وظیفه دارند امر به معروف و نهی از منکرکنند، دولت باید در جهت گسترش نیکی‌ها و جلوگیری از رواج زشتی‌ها قدم بردارد، دولت وظیفه دارد در رواج حجاب (معروف) و جلوگیری از ترویج بی‌حجابی (منکر) تلاش کند و از همه ابزارهای فرهنگی، آموزش و تربیتی بهره‌گیرد و در صورت لزوم با استفاده از ابزارهای قضایی به حجاب در قوانین کشور توجه نماید و رعایت نکردن آن را جرم اعلام و برایش مجازات تعیین کند و مراعات کنندگان را مورد تشویق و تکریم قرار دهد. از جمله اقدامات قابل پیگیری دولت در این راستا می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تبیین علمی و منطقی حکمت و فلسفه حجاب و پی‌آمدهای منفی بی‌حجابی با بهره‌گیری از نظریه-پردازی صاحب‌نظران؛

- برنامه‌ریزی آموزشی و پرورشی در مدارس و آموزشگاه‌های علمی جهت آشنا کردن کودکان و نوجوانان با فرهنگ حجاب و عفاف؛

- تأمین زمینه‌های نهادینه‌سازی حجاب و عفاف در بین نوجوانان با همکاری خانواده‌ها؛

- معرفی الگوهای موفق از پوشش اسلامی و مطالبه رعایت آن از سوی شهروندان جامعه اسلامی؛

۱- آل عمران، ۱۱۰.

۲- عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۶۸، فقه سیاسی (حقوق سیاسی و مبانی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)، ج ۱، انتشارات امیرکبیر، تهران، ج ۱، صص ۲۳۶ و ۲۳۷.

- گسترش فرهنگ مسئولیت‌پذیری، احترام به حقوق دیگران، امر به معروف و نهی از منکر در بین شهروندان؛

- وضع قوانین و مقررات تعزیری متناسب با میزان جرم متخلفان از حکم الهی و تهدیدگان اخلاق اجتماعی.

به امید آن که دولت مردان در تبیین و اجرای حکم الهی حجاب، حقوق اجتماعی شهروندان را تأمین نمایند و مردم نیز این حریم الهی را پاسداری نموده و سلامت اخلاقی جامعه را فراهم نمایند تا مصالح عمومی حفظ شود. چنان که حضرت فاطمه سلام الله علیها بانوی گران‌قدر و الگوی حجاب و عفاف بشریت فرموده‌اند: «خداوند، امر به معروف را برای حفظ مصالح عمومی جامعه قرار داد»^۱.

۳-۱-۴ آثار مثبت حجاب و عفاف در جامعه

۳-۱-۴-۱ افزایش آرامش روانی افراد جامعه

رعایت حجاب و عفاف توسط زنان یکی از زمینه‌هایی است که می‌تواند به افزایش آرامش روانی زن و مرد، کم شدن گناه و بالا رفتن توانمندی اجتماعی آنان منجر شود، به تعبیر دیگر آرامش روانی می‌تواند استهلاک قوا در محیط اجتماعی را کاهش دهد.

وقتی در اجتماع زنان به اصول اخلاقی پایبند باشند و در حفظ حریم حجاب و عفاف تلاش کنند و ارزش‌های معنوی خود را حفظ کنند نه تنها از سلامت روحی و جسمی برخوردار می‌شوند بلکه افراد جامعه نیز از تنش‌های روحی و روانی در امان خواهند ماند.

از سوی دیگر رعایت حجاب، به کاهش استرس‌های ناشی از دغدغه‌های رقابت‌جویانه زنان با یکدیگر، در مدگرایی و جلوه‌گری در محیط اجتماعی منجر می‌شود.^۲

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت حفظ حجاب و عفاف زنان علاوه بر این که در آرامش روانی و انجام وظایف همسری و مادری آنان نقش مؤثری دارد در آرامش روانی افراد جامعه مخصوصاً مردان نیز بسیار مهم است.

۱- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۲۲۳.

۲- کاشانی، مجید، ۱۳۸۶، بررسی تاریخی و جامعه‌شناسی حجاب در ادیان الهی، فصلنامه تخصصی بانوان شیعه، ش ۱۱، ص ۴، ص ۱۰.

۳-۱-۴-۲ تأثیر حجاب در سلامت جسمی

علاوه بر تأثیر حجاب در تأمین سلامت روحی و فکری، حجاب در تأمین سلامت جسمانی افراد جامعه نیز نقش دارد. با این توضیح که عدم رعایت حجاب و پوشش مناسب معمولاً باعث تحریک جنسی افراد جامعه می‌گردد و تحریک جنسی نیز در بسیاری از موارد در نهایت باعث ایجاد ارتباط غیر قانونی می‌شود و ارتباط‌های جنسی نامشروع نیز باعث پیدایش بیماری‌های مقاربتی خطرناک مثل ایدز می‌گردد که امروزه از خطرناک‌ترین بیمار‌هایی است که قربانی فراوانی از انسان‌ها می‌گیرد و نسل بشر را تهدید به نابودی می‌کند.

امروزه به دلیل گسترش فساد و روابط جنسی نامشروع که یکی از پیامدهای بی‌حجابی است، آمار تعداد مبتلایان به بیماری‌های مقاربتی و ایدز رو به گسترش است.

در سمینار بین‌المللی پزشکی تهران که با شرکت دوهزار متخصص از شصت کشور جهان تشکیل گردید، در پاسخ یکی از حضار که برای مصون ماندن از بیماری‌های مقاربتی چه باید کرد؟

خانم دکتر M.OD-acanu که منقلب شده بود فریاد زد: اطاعت از دین اسلام.^۱

بدون تردید از جمله قوانین اسلام که جنبه پیشگیری از مفاسد ناشی از بی‌بند و باری‌های جنسی دارد قوانین مربوط به تنظیم روابط صحیح بین محرم و نامحرم است که یکی از مهم‌ترین قوانین آن، قانون مربوط به حجاب و پوشش در مواجهه با نامحرم است که دین مبین اسلام برای حفظ سلامتی جسمی و روحی نسل بشر و جلوگیری از طغیان‌گریزه جنسی و گسترش فساد و تباهی اخلاق در سطح جامعه، آن را مطرح نموده است.

۳-۱-۴-۳ تأثیر حجاب در سلامت روحی

افرادی که از سلامت روحی و روانی برخوردارند در خود کمبودی احساس نمی‌کنند و در نتیجه تمایلی نیز به جلب توجه دیگران ندارند ولی کسانی که دارای عقده حقارت هستند با نمایش زینت‌ها و زیبایی‌ها در بیرون منزل و در مواجهه با نامحرم می‌کوشند تا احساس حقارت خود را به نحوی جبران نمایند. در کتاب اولین دانشگاه و آخرین پیامبر آمده است:

«همان‌گونه که انسان زبان دارد لباس او نیز زبان دارد و زبان لباس خسته نمی‌شود. اندازه لباس، گویای سن و سال پوشنده آن است و شکل آن معرف شغل و مقام و رنگش مرتبط با اخلاق و رفتار او و جنس

۱ - محمدی، علی، ۱۳۷۴، فلسفه حجاب و زینت‌های بی‌حجابی، انتشارات ارم، قم، ص ۴۵، چاپ چهارم.

آن تعیین کننده احتمالی بنیه‌های اقتصادی فرد و پاکیزگی و مرتب و نامرتبی آن نشان دهنده شخصیت پوشاننده آن است و بدتر از همه لباس‌ها، لباس شهوت است که زبانی درازتر از همه لباس‌ها دارد و گویای بسیاری از صفات و سجایای پوشنده آن است. لباس شهوت نیروی اجتماع را به سوی خود جلب می‌کند و آن را هدر می‌دهد و چشم‌های بسیاری را به چشم‌چرانی که مقدمه فسادها و بیماری‌های روحی متعددی است وا می‌دارد»^۱.

انتخاب لباس و نحوه پوشش و آرایش چهره، خبر از سرّ ضمیر می‌دهد. معمولاً افرادی که دچار کمبود شخصیت هستند می‌کوشند که با لباسی که به تن می‌کنند برای خود شخصیت تصنعی ایجاد کنند. در برخی از احادیث به شکل زیبایی به رابطه‌ی بین نحوه پوشش و بیماری روحی عقده حقارت اشاره شده است. از امام صادق (ع) نقل شده است: «كَفَى بِالْمَرْءِ خِزْيًا أَنْ يَلْبَسَ ثَوْبًا يَشْهَرُهُ،» برای حقارت و خواری آدمی همین بس که لباسی به تن کند که او را مشهور نماید»^۲. حاصل این که حجاب نشانه‌ی سلامت روحی و بی‌حجابی نشانه‌ی بیماری روحی احساس حقارت است.

۳-۱-۴-۴ حجاب و آزادی فکری و معنوی

واضح است که ادامه حیات بشر در گرو رعایت قوانین اجتماعی است. به طور طبیعی این قوانین برای انسان محدودیت‌هایی را ایجاد می‌کند. چون مطابق این قوانین انسان نمی‌تواند هرچه می‌خواهد انجام دهد، بدون تردید هیچ‌کس نمی‌تواند رعایت این قوانین که سلامت انسان را به دنبال دارد مخالف آزادی بنامد. قانون الهی حجاب نیز مانند بسیاری از قوانین ضروری و لازم فردی و اجتماعی دیگر است که سلامت روحی و اخلاقی فرد و جامعه مشروط بر رعایت آن می‌باشد و چون نمی‌توان قوانین فردی و اجتماعی را مخالف آزادی قلمداد کرد، قانون الهی حجاب را نیز نمی‌توان مخالف آزادی دانست. اگرچه به ظاهر محدودیت‌هایی را به دنبال دارد ولی در واقع آزادی فکری و معنوی افراد جامعه را تضمین می‌کند. زیرا با رعایت این قانون، فکر و روح و روان افراد از بردگی مد و هوا و هوس آزاد می‌گردد. اساساً در فرهنگ اسلامی آزادی واقعی و حقیقی مشروط به کنار گذاشتن هوا و هوس‌های نفسانی است.

۱- پاک نژاد، سیدرضا، ۱۳۶۵، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، انتشارات فرهنگی شهید پاک‌نژاد، یزد، ج ۲، ص ۲۳۰ و ۲۳۱.

۲- محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۰۵، واژه شهرت.

چنان که امام علی(ع) فرموده است: « مَنْ تَرَكَ الشَّهَوَاتِ كَانُ حُرّاً، هَر كَسِ شَهْوَتَهَا وَ خَوَاشِهَاي نَفْسَانِي رَا تَرَكَ حَرّاً وَ آزَادَ اسْت. ^۱

حجاب اگرچه نوعی محدودیت ظاهری جسم و تن است. اما آزادی روح و فکر انسان را به همراه دارد و برعکس، بی‌حجابی معمولاً با روحیه‌ی مدپرستی و رواج کالاها و لباس‌های خارجی و بی‌بندوباری‌های جنسی و مفساد اجتماعی همراه است و بدون تردید این امور زمینه‌ی سلطه‌ی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بیگانگان و استعمارگران را فراهم می‌کند. ^۲

۳-۱-۴-۵- تأثیر حجاب در حضور اجتماعی زنان

اندام زن به ویژه اگر به آرایه‌ها و پیرایه تزیین و آراسته گردد هیجان آور و هوس آفرین است. از سوی دیگر زنان بخش عظیمی از نیروی انسانی را تشکیل می‌دهند که در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی می‌توانند نقش آفرینی عظیمی داشته باشند. اسلام با تدبیر حکیمانه، قانون حجاب و پوشش کامل بانوان در اجتماع، در حقیقت جواز حضور آنان در اجتماع را صادر نموده است و با دستورات جامع و راهگشا در زمینه رعایت حجاب اسلامی، از یک سو این نیروی عظیم را از تباه شدن و بی‌اثر ماندن نجات داده است و از سوی دیگر، جلوی گسترش فساد و ناهنجاری‌های ناشی از اختلاط مرد و زن را گرفته است. ^۳

زمانی توانایی‌های زنان ارزش خود را در جامعه بدست می‌آورد و گرمی بخش و مکمل فعالیت‌های اجتماعی می‌گردد که آنان حجاب و عفاف را رعایت کنند، در غیر این صورت با آرایش و خودنمایی نه تنها نیروی آنان صرف تجمّل می‌شود، بلکه مانع فعالیت‌های سالم و سازنده مردان نیز خواهد شد زیرا زنان به آراستن خود مشغول می‌شوند و بخش دیگر اجتماع یعنی مردان نیز به او مشغول می‌گردند. ^۴ بنابراین، حجاب زنان باعث می‌گردد که به طور سالم در صورت لزوم و ضرورت در جامعه حضور یابند و جامعه نیز از نیروی آنها به طور شایسته استفاده کند.

۱- همان، ج ۲، ص ۳۵۲، واژه حرّیت.

۲- مهدی‌زاده، حسین، پرسمان حجاب، ص ۱۴۷.

۳- فتاحی زاده، فتحیه، ۱۳۷۹، حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، صص ۸۱ و ۸۲، چاپ سوم.

۴- محمدی، علی، فلسفه حجاب ص ۶۳.

۳-۱-۴-۶ تأثیر حجاب در حفظ استواری خانواده

یکی از آثار رعایت حجاب در جوامع، استحکام نهاد خانواده به عنوان مهم ترین نهاد اجتماعی است. با رعایت حجاب و عفاف در محیط اجتماع، حریم زن و مرد حفظ می شود و خانواده دارای ثبات خواهد شد، در مقابل اگر بی حجابی در جامعه رواج، یابد و روابط جنسی در محیطی غیر از خانه میسر گردد. کسی تن به ازدواج نخواهد داد و کانون خانواده رو به افول خواهد گذاشت.^۱

از طرفی خانواده مهم ترین و اساسی ترین نهاد اجتماعی جامعه انسانی است و تأثیر آن در نهادهای اجتماعی دیگر مثل نهاد آموزش و پرورش و نهاد حکومت و سیاست غیر قابل انکار است. بنابراین ثبات و استحکام نهاد اجتماعی خانواده، در استحکام و استواری نهادهای دیگر جامعه نیز مؤثر خواهد بود و تردیدی نیست که یکی از عوامل مهم در تشکیل و استحکام خانواده رعایت حجاب است که در نهایت بیش ترین فایده نصیب خود زنان خواهد شد زیرا با استحکام خانواده، زنان از محبت و حمایت روحی و عاطفی همسران خود برخوردار خواهند شد، و برعکس بی حجابی موجب تزلزل کانون گرم خانواده می شود و محبت جای خود را به تنفر خواهد داد. از این رو برای حفظ و پایداری کانون خانواده و به وجود آوردن محیط سالم در خانواده و فرزندان پاک لازم است عفت و حجاب رعایت شود.^۲

چنان که قرآن زن و شوهر را در خانواده به «لباس» یکدیگر تشبیه می کند و می فرماید: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٌ لِهِنَّ»^۳ لباس از همه چیز به تن انسان نزدیک تر و محرم تر است و آنگاه همین لباس در عین نزدیکی به تن، تن را از دیگران می پوشاند و دور می سازد، زن و شوهر نیز نسبت به یکدیگر چنین اند به یکدیگر نزدیک اند و در عین حال هریک از آن دو موجب حفظ عفت دیگری است، همانطور که لباس انسان را از برهنگی و بی عفتی حفظ می کند.^۴

بنابراین می توان گفت که حجاب و عفاف یکی از مؤثرترین عوامل تحکیم روابط خانوادگی است.

۱ - قاضی، فاطمه، بی تا، گلستان ادب، قم، ص ۶۵.

۲ - محمدی اشتهاردی، محمد، پوشش زن در اسلام، ص ۴۶.

۳ - بقره، ۱۸۷.

۴ - حداد عادل، غلامعلی، فرهنگ برهنگی و برهنگی، ص ۷۲.

۳-۱-۴ آثار منفی بی‌حجابی

همان‌طور که رعایت حجاب و عفاف آثار مثبت فردی و اجتماعی زیادی دارد بی‌حجابی نیز آثار و پیامدهای سوء و منفی زیادی در دو بُعد دنیوی و اخروی دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۳-۱-۴-۱ آثار دنیوی بی‌حجابی:

الف) آثار فردی بی‌حجابی: اختلالات روانی، افت تحصیلی و آموزشی، خشونت و آزار جنسی، سقوط ارزش زن و رذایل اخلاقی را می‌توان از آثار فردی بی‌حجابی دانست.

وقتی زنی برای جلب توجه و رضایت دیگران به خودآرایی و خودنمایی می‌پردازد و فکر و اندیشه‌ی خود را در بعد تمایلات و تخیلات پوچ محدود می‌کند، برخلاف فطرت خود حرکت می‌کند و در نتیجه خود را از نظر روانی و عقلانی و فرهنگی در معرض سقوط قرار می‌دهد. این‌گونه افراد وقت زیادی را صرف آرایش و آراستگی کرده و از مباحث علمی و اخلاقی باز می‌مانند. بی‌حجابی زنان آزار و اذیت مردان هرزه را به دنبال دارد و ارزش‌های راستین دختران را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

دکتر حداد عادل در این زمینه می‌نویسد: «زنی که تن و اندام خود را در معرض دید همگان می‌گذارد و آنچه را که به جنسیت او مربوط می‌شود به کوچه و بازار می‌برد، در حقیقت می‌خواهد با تکیه بر «زنانگی» خویش جای خود را در جامعه باز کند نه با تکیه بر «انسانیت» خویش. در واقع او به این ترتیب اعلام می‌کند که آنچه برای او اصل است زن بودن او است نه انسان بودن او و نه اندیشه و لیاقت و کارآیی او. چنین زنی قبل از هر چیز اسیر خود است»^۱.

افزون بر این، چنین زنانی که به نموده‌های ظاهری و تجمل خود برای مرد بیگانه می‌پردازند معمولاً از سرمایه‌های معنوی فضایل اخلاقی محروم هستند و واضح است که تهی بودن از فضایل اخلاقی زمینه‌ساز رذایل اخلاقی است که منشأ سقوط ارزش‌های الهی در انسان می‌شود. فساد اخلاقی، انحطاط است و یکی از شعب آن سقوط در درّه شهوات و کامجویی‌های ناروا و آزاد و بی‌بند و باری است.

ب) آثار خانوادگی بی‌حجابی

بی‌حجابی علاوه بر آثار فردی در نهاد مقدس خانواده نیز تأثیرات منفی دارد. از جمله بی‌علاقگی به ازدواج، تزلزل بنیاد خانواده و افزایش میزان طلاق از آثار شوم بی‌حجابی است. یکی از آثار سوء بی‌حجابی این است که آفت بقای زندگی خانوادگی است چون بی‌بند و باری در حجاب و عفاف موجب

۱- حداد عادل، غلامعلی، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۵۹.

تحریک غریزه جنسی است و چه بسا تحریک این غریزه موجب روابط جنسی نامشروع گردد و در نتیجه بنیاد خانواده سست می‌شود. در حالی که نه تنها اسلام بلکه آیین‌های اجتماعی دیگر نیز تأکید دارند که خانواده باید محفوظ بماند.

در جامعه‌ای که بی‌بندوباری در پوشش و مسائل جنسی رواج دارد بسیاری از لذت‌های جنسی که عامل گرایش به ازدواج است به راحتی در دسترس افراد قرار می‌گیرد و این امر، گرایش افراد را به ازدواج کاهش می‌دهد چرا که آنچه باید در نهان خانواده زناشویی به دست آید آسان و رایگان در دسترس است در نتیجه اهمیت ازدواج را کاهش می‌دهد. استاد شهید مطهری در این رابطه می‌گوید: «ازدواج در قدیم پس از یک دوران انتظار و آرزومندی انجام می‌گرفت و به همین دلیل زوجین یکدیگر را عامل نیکبختی و سعادت خود می‌دانستند ولی امروزه کامجویی‌های جنسی در غیر کادر ازدواج در حد اعلا فراهم است و دلیلی برای اشتیاق‌ها آنها وجود ندارد»^۱.

فشارهای روانی که دامنگیر زنان و مردان می‌شود بر اثر همین بی‌بندوباری است. دکتر مکیه مزرا درباره آثار مخرب این بی‌بندوباری در روابط زن و مرد بر نظام خانواده می‌نویسد: «یکی از آثار بی‌بندوباری این است که مردان از تشکیل خانواده خودداری می‌کنند زیرا لذت‌های جنسی برای آنها همیشه فراهم است و به آسانی می‌توانند به آن برسند بدون آنکه بخواهند خود را در قید و بند خانواده و مشکلات آن قرار دهند»^۲.

به این ترتیب، معلوم می‌شود که بی‌حجابی و بی‌بندوباری تا چه حد می‌تواند نظام خانواده را متزلزل سازد و سلامت روانی اعضای آن را به خطر اندازد و موجب تزلزل بنیاد خانواده، طلاق و مشکلات ناشی از آن شود. علاوه بر موارد ذکر شده بی‌حجابی آثار مخرب اجتماعی نیز به دنبال دارد که می‌توان گفت یکی از پیامدهای دنیوی بی‌حجابی نقض حقوق شهروندی می‌باشد که در این جا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ج) آثار اجتماعی بی‌حجابی

در مبحث حقوق شهروندی گفته شد که احترام به اصول اخلاقی، قانون‌گرایی و مسئولیت‌پذیری در جامعه

و ... از مؤلفه‌های حقوق شهروندی می‌باشد. حال سؤال این است که کسی که از دستور خداوند

۱- مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، صص ۹۰-۸۹

۲- مزرا، مکیه، ۱۴۱۰ق، مشکلات المرأه المعاصره، انتشارات دارالمجتمع، مکه مکرمه، صص ۳۵۴.

سرپیچی می‌کند و با فطرت خود به مخالفت برمی‌خیزد، فرمایشات و سیره‌ی معصومین را نادیده می‌گیرد آیا نسبت به سایر شهروندان مسئولیتی ندارد؟ کسی که با پوشش نامناسب موجب تهییج جنسی و انحراف مردان می‌شود، آیا حقوق شهروندی را نقض نکرده است؟

برای پاسخ به این سؤال لازم است به برخی از آثار اجتماعی بی‌حجابی اشاره شود:

*زمینه‌سازی برای نگاه آلوده و سلب آرامش روحی: حضور زنان بی‌حجاب با چهره‌های آرایش کرده، پوشیدن لباس‌های تنگ و تحریک‌آمیز در جامعه، آتش هوس را در درون مردان شعله‌ور می‌سازد. تحقیقات روان‌شناسان گواه آن است که مردان به سرعت در برابر مناظر تحریک‌آمیز دچار طغیان شهوانی و فشار روانی می‌شوند و عنان صبر و مقاومت خود را از دست می‌دهند و با تسلیم شدن در برابر تندباد هوس، به هر طریقی می‌کوشند خود را از انرژی فشرده و قدرتمند شهوت جنسی برهانند^۱ و این مقدمه‌ی ورود به بسیاری از گناهان دیگر است. مردان هرزه با انواع حیل‌ها دختران ساده‌لوح را فریب می‌دهند و عفت و آبروی آنان به خطر می‌افتد. مقصّر اصلی در پیدایش چنین سرنوشتی چه کسانی هستند؟ آیا زمینه‌ی این نگاه‌های آلوده به دنبال بی‌حجابی فراهم نشده است؟

افراد بی‌حجاب با تحریک‌گریزه‌ی جنسی مردان، آنان را در آتش هوی و شهوت می‌برند و سلب آرامش روحی و روانی از آنان باعث شکل‌گیری حسرت‌های جنسی طولانی می‌گردد و انباشته شدن حسرت‌های جنسی باعث ارتباط‌های نامشروع بعدی می‌گردد. در روایتی امام صادق (ع) چشم‌چرانی را تیری زهرآلود از تیرهای شیطان معرفی کرده است که مصداق همین نگاه‌های آلوده است.

ایشان می‌فرمایند: «النَّظْرُ سَهْمٌ مِّنْ سَهَامِ ابْلِيسَ مَسْمُومٌ وَ كَمْ مِّنْ نَّظْرَةٍ اَوْرَثَتْ حَسْرَةً طَوِيلَةً» نگاه شهوت‌آلود به نامحرم تیری از تیرهای زهرآلود شیطان است. چه بسا نگاهی که حسرت طولانی را در پی دارد»^۲.

اثر تیرهای معمولی پس از مدتی التیام می‌یابد و درد آن به پایان می‌رسد و گاه حتی جای زخم ناپدید می‌شود. اما تیر زهرآگین را چون از بدن بیرون کشند نه جای زخم به زودی التیام می‌یابد و نه اثر زهر به راحتی برطرف می‌شود و زهر نگاه آلوده همان اوهام و فشارهای روانی است که در کوتاه‌ترین زمان سراسر جسم و روح آدمی را دستخوش تلاطم می‌کند. خاطره‌ی صحنه‌ی مشاهده شده در مغز تداعی و در اعضا ظاهر می‌شود. فرد که می‌داند دستیابی به آن چه دیده و نیل به ارضای شهوت برایش

۱- هاشمی رکابندی، مجتبی، ۱۳۷۸، روانشناسی زن، انتشارات شفق، قم، ص ۸۹، چاپ سوم.

۲- بحر عاملی، محمد بن حسن، ج ۱۴، ص ۱۳۸.

به آسانی میسر نیست، در اندیشه فرو می‌رود و اندوه خود را به درون می‌فرستد و این همان زهر تیری است که از نگاه به قلب و از آن‌جا به همه اعضا سرایت می‌کند.

روابط نامشروع، دیگر آزاری، همجنس‌گرایی، خود ارضایی همه نموده‌ها و آثار همان نگاه آلوده و حسرت طولانی برجای مانده از آن است^۱. بنابراین می‌توان گفت: بدحجابی زمینه‌ساز پیدایش چشم-چرانی است که به برخی از نتایج آن اشاره شد و این واقعیت با دقت در شأن نزول آیه ۳۰ سوره مبارکه نور فهمیده می‌شود که خداوند متعال مردان را به «غض بصر» امر می‌کند^۲.

توضیح مختصر روان‌شناختی در این حادثه که منشأ پیدایش آن بی‌حجابی یک زن و نگاه آلوده یک جوان به وی بوده است، این می‌باشد که نگاه زمانی منشأ لذت است که با تمرکز همراه باشد و ذهن را به خدمت گیرد. فلسفه چشم‌چرانی جز این نیست که فرد با تمرکز در هنگام نگاه تخیلاتش را به خدمت می‌گیرد و در دنیای خیالات به هوسرانی می‌پردازد و حواس دچار اختلال می‌شود و چون نگاه با خشم و خیانت و هوس و شهوت درهم می‌آمیزد، باعث اختلالات روان‌تنی می‌گردد. یعنی به بیماری-هایی که نه کاملاً جسمی است و نه کاملاً روانی است دچار می‌گردد^۳.

* تنزل بهره‌وری در فعالیت‌های اجتماعی و زمینه‌سازی رخدادهای مخاطره‌آمیز: بی‌حجابی زن در جامعه از یک‌سو، نیروی کارآیی مردان را دچار توقف و رکود می‌سازد و از سوی دیگر مانع پرداختن جدی زن به کار و فعالیت‌های اجتماعی می‌شود. زنی که در محل کار، فکر و ذهنش مشغول خودآرایی و خودنمایی است تمرکز فکری لازم را برای پرداختن جدی به کار نمی‌یابد و حال آن که شرط انجام صحیح کار و تلاش جدی و پربار حضور قلب و تمرکز حواس است.

زنان بی‌حجاب مردانی را که باید با آرامش خاطر سرگرم کار و فعالیت باشند به چشم‌چرانی وادار می‌کنند و حواس آنان را از کار به امور جنسی معطوف می‌کنند و این عطف توجه مردان به امور جنسی علاوه بر این‌که باعث ضایع شدن نیروی فعال جامعه می‌گردد، چه بسا باعث حادثه آفرینی و افزایش جرم و جنایت در جامعه می‌گردد. به گونه‌ای که می‌توان گفت: سرچشمه بسیاری از حوادث مرگبار، درگیری و نزاع‌های فردی و خانوادگی، قتل‌ها و جنایات، خودنمایی و بی‌حجابی برخی زنان و چشم‌چرانی مردان است. حضرت امام صادق (ع) می‌فرماید:

۱- غلامی، یوسف، ۱۳۸۵، جلوه‌نمایی زنان و نگاه مردان، انتشارات لاهیجی، صص ۱۲۰ و ۱۲۱، چاپ سوم.

۲- شأن نزول آیه در بخش حجاب در قرآن آمده است ..

۳- غلامی، یوسف، جلوه‌نمایی زنان و نگاه مردان، صص ۱۲۳ و ۱۲۴.

«مَنْ يَمُوتُ بِالذَّنْبِ أَكْثَرَ مِمَّنْ يَمُوتُ بِالْإِجَالِ ...» شمار کسانی که در اثر گناهان و انحرافات جان خود را از دست می‌دهند، بیش از تعداد افرادی است که در اثر مرگ طبیعی می‌میرند.^۱

* گسترش تهمت و سوءظن در جامعه: یکی از آثار بی‌حجابی سوءظن افراد و تهمت زدن به زنان و دختران بی‌حجاب است. این افراد در عمل با فرهنگ جامعه اسلامی مخالفت می‌کنند و با پوشش نامناسب وارد جامعه می‌شوند. در حالی که عقل و منطق حکم می‌کند که افراد یک جامعه اسلامی به ارزش‌های برخاسته از فرهنگ آن جامعه مثل حجاب احترام بگذارند و آن را رعایت کنند. در چنین حالتی طبیعی است که اینان مورد سوءظن واقع می‌شوند.

از امام علی(ع) در روایتی نقل شده است:

«مَنْ وَضَعَ نَفْسَهُ مَوَاضِعَ التُّهْمَةِ فَلَا يَلُومَنَّ مَنْ أَسَاءَ بِهِ الظَّنَّ»^۲ کسی که خود را در جایگاه تهمت قرار داده است، پس نباید کسی که سوءظن به او پیدا کرده است را سرزنش کند بلکه باید خود را مورد سرزنش و نکوهش قرار دهد». بنابراین کسی که با اهمیت ندادن به حجاب خود، به طور طبیعی زمینه بروز تهمت‌های دیگران را فراهم می‌کند، نمی‌تواند مانع پیدایش سوءظن نسبت به خود گردد.

* تشویق به بی‌بندوباری: حضور زنان بی‌حجاب در عرصه عمومی، فریاد بی‌صدایی برای ترویج بی‌بندوباری در جامعه است. در حقیقت، چنین افرادی با حضور فاسد و شهوت‌انگیز خود در بین مردم، حساسیت به ارزش‌های اسلامی، مانند عفت و شرم را از بین می‌برند و در خصوص بی‌بندوباری به نوعی به فرهنگ سازی می‌پردازند و دیگران را تشویق به این‌گونه پوشش می‌کنند. این نوع تبلیغ بی‌بندوباری، ازگفتن با زبان مؤثرتر است. زیرا درعین این‌که همان معنا و مفهوم را منتقل می‌کند، با عمل خود به دیگران نیز جرأت می‌دهد که این کار را انجام دهند. به عبارت دیگر با این کار خود اشاعه فحشا می‌کند و حرمت جامعه را جریحه‌دار می‌کند.

مواردی که بیان شد، برخی از آثار اجتماعی بی‌حجابی بود. جامعه‌ای که مردان آن به دنبال نگاه‌های آلوده دچار مشکلات روحی و روانی شده و عفت دخترانش در خطر می‌افتد، مردان و زنان در انجام فعالیت‌های اجتماعی آرامش روحی ندارند. تهمت و سوءظن به افراد گسترش می‌یابد و زنان بی‌حجاب عملاً بی‌حجابی را تبلیغ می‌کنند. محیط زندگی آلوده می‌شود و شهروندان از حقوق انسانی و اساسی خود که زندگی در محیطی سالم و سرشار از امنیت و آرامش است باز مانده و نمی‌توانند به رشد و کمال

۱- بحارالانوار، مجلسی، محمدباقر، ج ۷۰، ص ۳۵۴.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۱۵۹.

انسانی خود که حق طبیعی و خدادادی آنان است برسند و کسانی که زمینه‌ی چنین مشکلاتی را فراهم آورده‌اند مسئول هستند که حقوق انسانی هم‌نوعان خود را با پیروی از هواها و هوس‌های خود زیر پا گذاشته‌اند. در حالی که دین مبین اسلام برنامه‌هایی را ارائه داده که منش و شیوه‌ی زندگی اجتماعی را تأمین می‌کند و موجب تحکیم روابط اجتماعی و آرامش روانی افراد و رعایت حقوق یکدیگر است. بنابراین می‌توان گفت که رعایت حجاب و عفاف، یکی از حقوق شهروندان است که موجب احترام و تکریم مقام زن و آرامش و امنیت جامعه و زندگی سالم است و برعکس بی‌حجابی، سرپیچی از فرمان الهی است و موجب تزلزل بنیان خانواده، رواج فساد و فحشا در جامعه و بی‌ارزشی زن می‌شود.

۳-۱-۴-۲ آثار اخروی بی‌حجابی

در بینش اسلامی، اعمال انسان علاوه بر آثار دنیوی دارای آثار اخروی نیز می‌باشد. اعمالی مانند آرایش و زینت برای نامحرم و در اجتماع، جلوه‌گری با لباس‌های نازک، اختلاط مردان و زنان نامحرم و نگاه‌های حرام و ... که در قرآن، خداوند دستور به توبه داده است و در برخی احادیث وعده عذاب داده شده است. به عنوان نمونه در سوره نور آیه ۳۱ بعد از اینکه خداوند زنان را امر به «غضّ بصر و حفظ فروج» می‌کند و سپس نسبت به وجوب پوشش و ممنوعیت آشکار بودن زینت بحث می‌کند و مقدار واجب پوشش را تعیین می‌فرماید، مردم را دعوت به توبه می‌کند. (تُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا) بیانگر این موضوع مهم است که همه مردم نسبت به مسأله نگاه و حجاب مسئول هستند و برای نگاه‌های حرام خود باید توبه کنند و توبه هم واجب است و هم کلید رستگاری است (توبوا... تفلحون)^۱. راه رستگاری، بازگشت از مسیرهای انحرافی به راه خداست چرا که بی‌حجابی در جامعه موجب فساد و انحراف اجتماع می‌گردد. در احادیث نیز برخی از آثار و نتایج بی‌حجابی بیان شده است که نمونه‌هایی از آن در ذیل آورده می‌شود:

*آتش دوزخ: پیامبر اکرم (ص) زنانی را که زینت خود را برای نامحرم آشکار سازند سزاوار آتش دوزخ دانسته‌اند. «نهی النبی (ص) أن تتزین المرأة لغير زوجها فان فعلت کان حقاً علی الله أن یحرقها»^۲. پیامبر اکرم (ص) نهی کرد از اینکه زن خود را برای غیر شوهرش آرایش نماید اگر چنین کند بر خداوند سزاوار است که او را در آتش بسوزاند.

۱- قرآنی، محسن، تفسیر نور، ج ۸، صص ۱۷۷-۱۷۶.

۲- حرعاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، ج ۲، ص ۱۶۱، حدیث ۲۵۳۱۰.

*آویزان شدن با مو: از پیامبر(ص) در مورد بخشی از چیزهایی که در شب معراج دیده است، نقل شده است: «و رأيتُ امرأةً معلقةً بشعرها يغلي دماغ رأسها» زنی را دیدم که به موهای سرش آویزان بود و مغز سر او به جوش و غلیان درآمده بود.^۱

حضرت در توضیح رفتاری که این اثر و پیامد را باعث شده است، فرموده‌اند: «أما المعلقة بشعرها فإنها كانت لاتغطي بشعرها من الرجال، أما آن زنی که به موهای سرش آویزان بود، زنی بود که موهای خود را (در دنیا از مردان نامحرم) نمی‌پوشاند».

*چیدن گوشت از بدن خود: از عذاب‌های اخروی دیگر برای زنان بدحجاب این است که در قیامت گوشت بدن آن‌ها، توسط خودشان با قیچی‌هایی از آتش چیده می‌شود. در حدیث معراج از پیامبر(ص) نقل شده است: «رأيتُ امرأةً تقطع لحم جسدها من مقدمها و مؤخرها بالمقاريض من النار ...» زنی را دیدم که گوشت بدنش را از جلو و از عقب با قیچی‌هایی از آتش می‌چید.

حضرت در توضیح رفتاری که این پیامد را باعث شده است، فرموده‌اند:

« و أما اللتي كانت تقرض لحمها بالمقاريض فإنها كانت تعرض نفسها على الرجال » و اما آن زنی که گوشت بدن خود را به قیچی‌هایی از آتش می‌چید، آن زنی بود که در دنیا خود را در معرض تماشای مردان نامحرم و در اختیار آن‌ها می‌گذاشت».^۲

حضرت رسول اکرم(ص) برای تأکید بر اهمیت مسئله‌ی پوشش، انزجار خود را از افرادی که نسبت به پوشش کامل دینی پایبند نیستند، چنین بیان می‌فرماید:

«صِنْفَانِ مِنَ أَهْلِ النَّارِ لَمْ أَرَهُمَا قَوْمٌ مَعَهُمْ سِيَاطٌ كَأَذْنَابِ الْبَقَرِ يَضْرِبُونَ بِهَا النَّاسَ وَ نِسَاءٌ كَاسِيَاتٌ عَارِيَاتٌ، مُمِيلَاتٌ مَائِلَاتٌ ... رُؤُوسُهُنَّ كَأَسْنِمَةِ الْبُخْتِ الْمَائِلَةِ لَا يَدْخُلْنَ الْجَنَّةَ وَ لَا يَجِدْنَ رِيحَهَا...»^۳ دوگروه‌اند که اهل آتش هستند و نمی‌خواهم آن‌ها را ببینم، گروهی که تازیانه در دست دارند و مردم را با آن می‌زنند(ستمکاران) و گروه دیگر زنانی که پوشیده‌اند ولی برهنه‌اند(لباس نازک بر تن دارند) و به شهوت‌ها متمایل هستند و مردان را به سوی خود جذب می‌کنند و موهای سرشان همچون کوهان شتر برآمدگی

۱- بحار الانوار، مجلسی، محمدباقر، ج ۸، ص ۳۰۹. صدوق، محمد بن علی، ۱۳۷۸ق، عیون اخبارالرضا، انتشارات جهان، تهران، ج ۲، ص ۱۰، حدیث ۲۴.

۲- همان منابع.

۳- محمدپیری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۲۵۹.

دارد. این‌ها وارد بهشت نمی‌شوند و با این که بوی بهشت از مسافت‌های دور به مشام می‌رسد، بوی آن را استشمام نمی‌کنند.

بنابراین بی‌حجابی که مخالفت با فطرت و حکم الهی و قوانین اجتماعی و حقوق انسانی است، موجب اختلالات روحی و روانی در دنیا و دور شدن از انسانیت می‌شود. هم چنین موجب می‌شود زندگی خانوادگی که به هدف آرامش بنا شده است، مختل شود و از همه مهم تر قهر و عذاب خداوند متعال و تنفر رسول اکرم(ص) را به دنبال دارد.

انسان عاقل و هوشیار با تفکر در احکام دینی و اخلاقی و یافتن فلسفه‌ی این احکام، خود را مقید به دستورات خداوند می‌داند و از هرزگی و تابعیت هوای نفس پرهیز می‌کند و به این وسیله سعادت خود را در دنیا و قرب و رضای حق تعالی را در آخرت فراهم می‌کند.

۳-۲ حق یا حکم بودن حجاب

یکی از مسائل چالش‌برانگیز در موضوع حجاب و عفاف مسئله‌ای است که عده‌ای با ایجاد شبهه این ذهنیت را ایجاد کرده‌اند که حجاب حقی است که زن مسلمان می‌تواند در شرایطی خاص، با توجه به اسقاط‌پذیری حق از آن درگذرد یا حکومت اسلامی پایبندی آن را به خود شهروندان واگذار کند و از وضع قانون اجتناب کند. در حالی که در نقطه مقابل، عقیده گروهی است که حجاب را حکم الهی و رعایت آن را لازم می‌دانند و اعتقاد دارند حجاب، تکلیفی است بر گردن زنان و اگر بر حجاب و عفاف زن تأکید بیشتری وجود دارد به دلیل تفاوت زن و مرد از لحاظ گرایش‌ها، انگیزه‌ها و کارکردهای خاص آنان است و این ویژگی‌های متفاوت موجب شده که تکالیف آنها یکسان نباشد ولی در اصل وجود حجاب و عفاف و رعایت حریم‌ها تفاوتی وجود ندارد.

در این قسمت ضمن تعریف حق و ویژگی‌های آن، تعریف حکم و ویژگی‌های آن به بررسی معیارهای تشخیص موارد مشتبه بین حق و حکم که توسط فقها ارائه شده است پرداخته می‌شود و سپس به این سؤال که حجاب، حکم است یا حق، پاسخ داده می‌شود.

۳-۲-۱ حق و ویژگی‌های آن

در فصل اول در تعریف حق گفته شد فقها در تعریف آن اتفاق نظر ندارند. برخی حق را سلطه‌ای دانسته‌اند که شخص بر دیگری پیدا می‌کند و چون تسلط انسان بر خود امر معقولی به نظر نمی‌رسد طبق این تعریف باید پذیرفت که صاحب حق و تکلیف نمی‌تواند یک نفر باشد. چنانکه بعضی از فقها به همین دلیل، انتقال حق را در هیچ صورتی به مدیون آن درست ندانسته‌اند.^۱ برخی از فقها در نقد این نظریه نوشته‌اند که حق خود سلطه نیست بلکه سلطنت و توانایی از آثار آن به شمار می‌رود؛ همانگونه که از آثار ملک نیز می‌باشد.^۲ با توجه به تعریف حق به طور کلی می‌توان ویژگی‌های زیر را برای حق به شمار آورد:

۱- اسقاط‌پذیری: حق از چنان خصوصیتی برخوردار است که صاحب آن می‌تواند آن را اسقاط کند.^۳

۱- انصاری، مرتضی، ۱۳۷۰، المکاسب، چاپ اطلاعات، تبریز، ص ۷۹، چاپ اول.

۲- خراسانی، محمدکاظم، ۱۴۰۶ق، حاشیه کتاب المکاسب، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ص ۵، چاپ اول.

۳- طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم، ۱۳۷۶، حاشیه المکاسب، دارالعلم، قم، ص ۵۷.

۲- نقل‌پذیری: نقل عبارت است از بیرون بردن ملک، مال و یا حق از حیطة سلطنت مالک و صاحب حق و داخل نمودن آن در حیطة سلطنت شخص یا اشخاص دیگر است^۱.

۳- انتقال‌پذیری: به نقل غیر ارادی و قهری عین، منفعت یا حق که به حکم شرع تحصیل می‌گردد انتقال گفته می‌شود. با امعان نظر در برخی از کتاب‌های فقهی فهمیده می‌شود که انتقال‌پذیری از ویژگی برخی از حقوق است^۲.

۳-۲-۲ تعریف حکم و ویژگی‌های آن

لغت‌شناسان، حکم را به معنای علم، عدل و قضا دانسته‌اند^۳. راغب اصفهانی معتقد است معنای اصلی، حکم منع برای اصلاح است^۴.

در تعریف حکم گفته شده، حکم اقتضایی، حکمی است که در آن طلب به طور مطلق وجود دارد و شامل وجوب و ندب و نیز حرمت و کراهت می‌شود و تخیّر به اباحه اختصاص می‌یابد. زیرا مراد از تخیّر در این جا تخیّر مکلف است چه آن که چیزی را انجام دهد یا انجام ندهد.

حکم وصفی مجعولات شرعی هستند که بالذات به افعال تعلق نمی‌گیرند. اگرچه به واسطه‌ی تبعیت از احکام تکلیفه نحوه‌ای تعلق به افعال نیز دارند^۵. به هر حال حکم شرعی قانونی است که از ناحیه خداوند متعال برای تنظیم تکامل حیات مادی و معنوی انسان وضع شده است اعم از این که به طور مستقیم به فعل مکلف یا به خود او یا به چیزهایی دیگر که در ارتباط با فعل او هستند، تعلق بگیرد. ویژگی‌های حکم عبارتند از:

۱- عدم جواز اسقاط حکم: حکم از مجعولات شرعی است که وضع و رفع آن به دست شارع می‌باشد. از این رو از ناحیه‌ی مکلف قابل اسقاط نمی‌باشد.

۲- عمومیت احکام برای تمام مکلفان: احکام شرعی از ویژگی‌های شمول نسبت به جمیع مکلفان برخوردار است. یعنی همه انسان‌ها اعم از حاضران در عصر رسول اکرم(ص) و غیر آن مخاطب شرع هستند. ظاهر بعضی از نصوص شرعی و استصحاب از جمله ادله‌ای هستند که بر شمول احکام برای تمام مکلفان دلالت دارند.

۱- محقق کرکی، علی بن الحسین، ۱۴۰۸ هـ، جامع المقاصد فی شرح القواعد، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، قم، جلد ۵، ص ۴۴۲، چاپ اول.

۲- اصفهانی، محمدحسین، ۱۳۷۵، حاشیه کتاب المکاسب، قم، ج ۱، ص ۴۹، چاپ اول.

۳- ابن منظور، محمد، ۱۴۰۵، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۱۴۱.

۴- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۷۲، المفردات، ص ۱۲۶.

۵- نائینی، محمدحسن، بی‌تا، فرائد الاصول، مؤسسه النصر، تهران، ج ۴، صص ۱۳۱ و ۱۳۲.

۳- تبعیت احکام از مصالح و مفاسد: از آنجایی که احکام تابع مصالح و مفاسد واقعیه هستند. مادامی که مصلحت یا مفسده وجود دارد حکم نیز باقی است.

با بیان ویژگی‌های حق و حکم تفاوت‌های آن‌ها روشن می‌شود:

حق و حکم هر دو مجهول شرعی است ولی حکم از چنان موقعیتی برخوردار است که اراده مکلفان در برابر آن ارزشی ندارد. در حالی که حق موقعیتی است که برای حفظ منافع خصوصی افراد یا تکمیل اراده ایشان و رعایت عدالت در قراردادها پیش‌بینی شده است. برخی از حقوقدانان حکم را به قوانین امری و حق را به قوانین تکمیلی تشبیه نموده‌اند.^۱

۳-۲-۳ معیارهای تشخیص موارد مشتبه بین حق و حکم

فقها برای تشخیص مصادیق مشتبه بین حق و حکم راه‌حل‌های زیر را ارائه نموده‌اند:

- اصل عدم حق بودن:

سیدمحمدتقی بحرالعلوم معتقد است در صورت شک بین حق و حکم، به مقتضای اصل عدم حق، حق بودن آن را نفی می‌کنیم.^۲

- مراجعه به نص شرعی و عرف:

سید محمدکاظم طباطبایی یزدی معتقد است که برای شناسایی موارد مشتبه به ادله مراجعه می‌کنیم. اگر ادله تصریح داشته به آن عمل می‌کنیم ولی اگر ادله صراحت نداشته باشند، چنانچه در معنای عرفی حق یا حکم بودن آن تردیدی نباشد به عموم دلیل تمسک می‌نماییم و آن را حق یا حکم به شمار می‌آوریم.^۳ در نصوص شرعی فلسفه حکم حجاب را به مصالح جمعی و امنیت اجتماعی ارجاع می‌دهد. مثلاً خداوند متعال می‌فرماید: « ذلک أدنی أن يعرفن فلا يؤذین » زنان می‌توانند وارد جامعه شوند ولی باید از تعرض مصون بمانند و به عنوان ابزار و تبرج و مفسده معرفی نگردند.^۴

- استصحاب

میرزای نائینی معتقد است در صورت شک بین حق و حکم و در مواردی که دلیل لفظی در میان نباشد مرجع اصول عملیه است.^۵ ویژگی‌هایی چون اسقاط، حق نقل و انتقال از امورات وجودی هستند که

۱- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۴، مقدمه علم حقوق، انتشارات مدرس، تهران، صص ۲۶۸ و ۲۶۹.

۲- بحرالعلوم، محمد بن محمد تقی، ۱۴۰۳ه، بلغه الفقیه، مکتبه الصادق، تهران، ص ۶.

۳- طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم، ۱۳۷۶ حاشیه المکاسب، دارالعلم، قم، ص ۵۴.

۴- سوره احزاب، آیه ۵۷.

۵- نائینی، محمدحسن، فرائد الاصول، ج ۱، ص ۱۰۸.

حدوث آن‌ها نیازمند به دلیل است، اکنون که در حدوث این ویژگی‌ها شک وجود دارد، اصل عدم وجود آن‌ها می‌باشد که نتیجه آن عدم سقوط آن به واسطه اسقاط است.

- فتوای فقیهان

فقیهان، اجماع و شهرت فتوایی بر «حکم» بودن حجاب دارند^۱ و این که در متون فقهی نمی‌توان یافت فقیه‌ی برحق بودن حجاب و اسقاط‌پذیری آن در مورد زنان اهل ایمان فتوا داده باشد.

۳-۲-۴ حجاب، حکم الهی نه حق بشری

با امعان نظر در لسان آیات قرآن، روایات مأثوره از رسول اکرم (ص) و ائمه علیهم السلام در می‌یابیم که شارع، مسئله حجاب را در نظام تشریحی خویش از موقعیتی برخوردار نموده است که اراده مکلفان در آن نمی‌تواند دخالت داشته باشد. بلکه شارع با استفاده از اوامر و نواهی مستقیم آن را واجب شمرده و آثار حقوقی خاصی را بر آن بار نموده است.

هدف شارع از وضع حجاب حفظ مصونیت زن از هرگونه تعرض و تجاوز و حفظ نظم عمومی در جامعه و نهاد خانواده است. لذا اراده مکلف در مقابل آن فاقد ارزش است. چه بسا بتوان در امور مربوط به حفظ نفس، جسم، عرض، دین و فروج با تأسیس اصل عدم حق یودن در مورد مشکوک به حکم بودن آن‌ها در فرض دوران بین حکم و حق ادعان نمود.

در مسأله حجاب از آن‌جایی که هدف شارع حفظ فروج و عفت جنسی زنان مؤمن و توسعه پاکیزگی در جامعه است، مصالحی فراتر از منافع اشخاص تعقیب شده است. لذا قانونگذار باید موقعیت هر زنی را در اجتماع معین سازد و بر آن آثاری را بار کند. در مسأله حجاب با مراجعه به دلیل‌های اثبات مشروعیت و گستره آن به وضوح می‌توان حکم و قانون امری بودن آن را مورد شناسایی قرار داد.

حاصل سخن این که حق عبارت است از اعتبار سلطه به نفع شخص یا جهتی نسبت به عین یا امر اعتباری و از ویژگی‌های اسقاط‌پذیری، نقل‌پذیری و انتقال‌پذیری برخوردار است و حکم قانونی است که از ناحیه‌ی خداوند متعال برای تنظیم و تکامل حیات مادی و معنوی انسان وضع شده است یا به طور مستقیم به فعل مکلف یا خود او یا به چیزهایی که در ارتباط با فعل او هستند، تعلق بگیرد که از ویژگی‌هایی چون عدم جواز اسقاط، عمومیت احکام برای عموم مکلفان، تابعیت احکام از مصالح و مفاسد برخوردار است و هدف شارع از تشریح حجاب، حفظ فروج و عفت زنان و توسعه پاکیزگی در جامعه

۱ - عاملی، محمد بن مکی (شهیداول)، اللعمه‌الدمشقیه، ص ۶۲، نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۲، ص ۷۵.

است. لذا مصالحی فراتر از منافع اشخاص در آن لحاظ شده است. بدین جهت باید آن را قانون امری و حکم تلقی کرد.

با اذعان به حکم بودن حجاب نمی‌توان آن را اسقاط کرد یا به حکومت اسلامی توصیه نمود که التزام شهروندان به حجاب را به خودشان واگذار نماید یا به التزام آن در مواردی و عدم التزام به آن در موارد دیگر توافق نماید.

۳-۳ جرم انگاری بی حجابی در قانون مجازات اسلامی

قانونگذار، بی حجابی را در تبصره ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی در فصل هجدهم که به جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی می‌پردازد، جرم دانسته است. بر اساس این تبصره زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد. امروزه در جامعه ما رعایت نکردن حجاب اسلامی به صورت معضلی اجتماعی درآمده است. هر روز در کوچه و خیابان زنان و دخترانی را می‌بینیم که با پوشش خلاف شرع در انظار عمومی ظاهر می‌شوند و فضای جامعه را به فضای ضداسلامی تبدیل کرده‌اند؛ بدین ترتیب، بسیاری از مردان و پسران به دام فساد کشانده می‌شوند و از طرفی امنیت و قوام نظام یک جامعه وابسته به تشویق و پاداش نیکوکاران و تنبیه و کیفر هنجارشکنان و متخلفان است. مکتب حیات بخش اسلام با برنامه های تربیتی و اخلاقی از سویی و اصلاح محیط از سوی دیگر، عوامل و زمینه‌های جرم و گناه را از بین می‌برد و از وقوع هنجارشکنی و ظلم و جنایات پیشگیری می‌کند.

با توجه به اینکه موضوع درباره جرم بی حجابی است و بر محور ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی می‌گردد ابتدا ابهامات موجود در این ماده بررسی و سپس ماده ۳ قانون رسیدگی به تخلفات استفاده کنندگان البسه خلاف شرع (مصوب ۱۳۶۵/۱۲/۲۸) و ماده ۲ آیین نامه اجرای بازی های همبستگی بانوان کشور های اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس سیره معصومین (ع) در برخورد با بی حجابی ذکر شده و در پایان با نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات این فصل خاتمه می‌یابد.

هر فعل یا ترک فعل برای اینکه جرم تلقی شود باید سه عنصر اساسی در آن وجود داشته باشد:

- عنصر قانونی: منظور از عنصر قانونی آن است که هیچ عملی را نمی‌توان جرم دانست مگر آنچه قانون پیش‌تر تصریح کرده باشد.

- عنصر مادی: منظور از عنصر مادی جرم این است که تنها قصد انجام دادن عملی هر چند غیر قانونی باشد، جرم نیست و برای اینکه جرم وجود خارجی پیدا کند یک عمل خارجی مادی لازم دارد و این عمل ممکن است انجام فعل یا ترک فعل باشد.

- عنصر معنوی: منظور همان قصد مجرمانه و سوء نیت است. قصد مجرمانه عبارت است از تمایل به انجام دادن عملی که قانون آن را نهی کرده است و برای تحقق عمل مجرمانه (جرم) قصد، علم، اختیار

به عنوان عنصر معنوی اصلی شرط است. (از اینرو، اکراه و اجبار و اضطراب از علل موجه یا رافع مسئولیت است).^۱

قانونگذار در چند مورد درباره حجاب اشاراتی داشته و بی‌حجابی را جرم یا تخلف دانسته است.

۳-۱-۳ نقد تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰/۵/۸)

ماده ۶۳۸ ق.م.ا. بیان می‌کند: «هرکس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر، تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل، به حبس از ۱۰ روز تا دو ماه یا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن دارای کیفر نمی‌باشد ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید، فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد». تبصره این ماده نیز چنین مقرر می‌دارد: زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ده روز تا دو ماه یا پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.^۲

در این ماده حضور زنان بدون حجاب شرعی یکی از مصداق‌های تظاهر به عمل حرام و اعمالی شمرده شده است که عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند.

اولین نکته در تبیین جرایم، بیان و تطبیق عناصر سه‌گانه جرم است. تبصره ماده ۶۳۸ ق.م.ا. که عنصر قانونی این جرم است. در این تبصره برای رعایت نکردن حجاب اسلامی، مجازات تعیین شده است و با توجه به تعریف جرم در ماده ۲ ق.م.ا، این عمل جرم تلقی می‌شود.

ظاهر شدن زنان بدون حجاب شرعی، عنصر مادی است. بحث معاونت در این جرم نیز مانند سایر جرایم است. برای مثال، اگر مردی با وسیله‌ی خود، زن بی‌حجابی را در معابر بگرداند، معاونت در جرم کرده است و شروع به جرم نیز در این جرم وجود دارد.^۳

عنصر سوم جرم عنصر معنوی است. این جرم از جرایم عمدی است. زیرا مرتکب باید علاوه بر علم و آگاهی به غیرقانونی بودن و حرام بودن عمل ارتكابی، قصد انجام آن را نیز داشته باشد. لازم نیست که این قصد به منظور جریحه‌دار کردن عفت عمومی باشد. بلکه ممکن است عمل ارتكابی، از روی غفلت یا بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی صورت گرفته باشد. هرچند فاعل قصد خاص عمل حرام را نداشته باشد، هم چنین امکان مشاهده دیگران کافی است. هرچند باید احتیاط لازم را انجام داده باشد.^۴

۱- جهانگیر، صفدر، ۱۳۸۲، قانون مجازات اسلامی، نشر دیدار، تهران، ص ۱۹، چاپ هجدهم.

۲- قانون مجازات اسلامی، کتاب پنجم، صص ۱۷۵ و ۱۷۶

۳- زراعت، عباس، ۱۳۸۲، شرح قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات)، انتشارات ققنوس، تهران، ج ۲، ص ۴۳۵، چاپ اول.

۴- عظیم زاده اردبیلی، فائزه، مقاله بررسی مفاد جرم بی‌حجابی، به نقل از شاهبیتایی، هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی ج ۳، ص ۵۵۶.

در مورد علم و آگاهی باید گفت: جهل به قانون مسموع نیست و پس از ۱۵ روز از انتشار قانون در روزنامه رسمی، لازم الاجرا است.

۳-۱-۱-۳-۱ عدم تعریف دقیق و کامل از حجاب:

با دقت در قوانین موجود به این نکته پی می‌بریم که قانونگذار در هیچ قانون یا آیین‌نامه‌ای به طور کامل، حجاب را تعریف نکرده است. با مراجعه به قانون اساسی می‌بینیم که قانونگذار، اصلی را بیان کرده است که بر اساس آن مقرر می‌دارد: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد، با استناد به منابع معتبر اسلامی و یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقض یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه، از رسیدگی به دعوا یا صدور حکم امتناع ورزد»^۱.

هم چنین قانونگذار در ماده ۲۹ قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ بیان می‌کند: «احکام دادگاه‌های کیفری، باید مستدل و موجه بوده، مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است. دادگاه‌ها مکلفند حکم هر قضیه را صادر نمایند و نمی‌توانند به بهانه سکوت یا نقض یا اجمال و یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به شکایات و دعاوی و صدور حکم امتناع ورزند»^۲. از این دو ماده نتیجه گرفته می‌شود که قاضی در صورت وجود نداشتن قوانین مدونه، باید به منابع اسلامی و فتاوی مشهور و معتبر مراجعه کند.

با توجه به مفاد قرآن کریم و روایات معصومین (ع) و فتاوی فقهای عظام که حدود، شیوه و مصادیق پوشش را تعیین می‌کنند، عدم رعایت محدوده شرعی پوشش مستلزم فعل حرام و با توجه به تبصره ماده قانونی یاد شده جرم خواهد بود.

نکته مهم که باید مورد توجه قرار گیرد این است که استفاده از واژه بد حجابی به طور کلی، غلط است زیرا حجاب معنای تشکیکی ندارد. یعنی حدود حجاب و شیوه و مصادق‌های آن روشن است و جز آن بی‌حجابی تلقی می‌شود. رابطه دو واژه حجاب اسلامی و بی‌حجابی، رابطه متناقضی است و حد سومی

۱- حجتی اشرفی، غلامرضا، ۱۳۸۱، مجموعه قوانین اساسی - مدنی، کتابخانه گنج دانش، تهران، ص ۶۶، اصل ۱۶۷، چاپ هفتم.
۲- قیاسی، جلال الدین، ۱۳۷۹، روش تفسیر قوانین کیفری، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ص ۲۷۹، چاپ اول.

وجود ندارد. به بیان دیگر، ظاهر شدن در هر وضعیتی که کفایت حجاب شرعی را نکند مصداق جرم رعایت نکردن حجاب شرعی است. نمایان بودن تمام یا بخشی از موی سر، آشکار بودن گردن و سینه به دلیل شیوه‌ی بستن روسری، استفاده از لباس‌های تنگ و بدن‌نما و آرایش دست‌ها و صورت، همگی بخشی از مصداق‌های جرم رعایت نکردن حجاب شرعی هستند. اگر چه تعریف حجاب شرعی در قالب تبصره‌ای جداگانه در کنار ماده مذکور، بخش قابل ملاحظه‌ای از ابهامات را برطرف کرده و راه هرگونه تفسیر و اظهارنظر پیرامون حدود شرعی حجاب را مسدود می‌کند.^۱

۳-۱-۲-۳ ابهام در تعریف معابر و انظار عمومی

نکته‌ی بعدی تعریف «معابر و انظار عمومی» است. شرط تحقق جرم در متن ماده آن است که در انظار عمومی و معابر صورت گیرد. بنابراین اگر در خفا صورت گیرد مشمول این ماده نخواهد شد. البته نکته مهم این است که صرف ارتکاب عمل با سوء نیت خاص در انظار و اماکن عمومی برای تحقق بزه کافی است اعم از این که بیننده‌ای حضور داشته یا نداشته باشد.^۲

ارتکاب عمل در انظار عمومی به معنای آن است که مردم شاهد آن باشند. بنابراین، به ظاهر شرط تحقق عمل در انظار عمومی آن است که عده‌ای از مردم آن را مشاهده کنند. ولی، ارتکاب عمل در معابر چنین شرطی را ندارد. یعنی، انجام عمل در معابر کافی است، هر چند مردم شاهد آن نباشند. هم‌چنین با توجه به این که کلمه «معابر» به وسیله «واو» به «انظار عمومی» عطف شده است و با انتشار به تفسیر مضیق قانون، ممکن است منظور قانون‌گذار موردی باشد که عمل واجد هر دو جنبه باشد یعنی هم در انظار عمومی و هم در معابر باشد، اگر کسی در خانه خود و در مقابل عده‌ای از مردم، مرتکب جرم یا حرامی شود یا در معبر، این کارها را انجام دهد، ولی کسی شاهد آن نباشد مشمول حکم این ماده نخواهد بود. این تفسیر اگر چه تا حدودی با ظاهر ماده، سازگار است ولی به نظر می‌رسد کلمه «معابر» در متن ماده و تبصره آن به عنوان ذکر مصداق به همراه عنوان کلی است. یعنی قانون‌گذار، عنوان نام «انظار عمومی» را بیان کرده و به همراه آن یکی از مصداق‌های آن یعنی «معابر» را آورده است. چون معابر خود به خود، در انظار عمومی به شمار می‌رود.

بنابراین، ارتکاب عمل در معبر، مدخلیتی در تحقق این جرم ندارد. بلکه، همین که محلی قابلیت مشاهده دیگران را داشته باشد کفایت می‌کند. مگر این که این عمل در مکان خصوصی صورت گیرد که

۱ - مسجد سرایی، حمید، ۱۳۸۹، مقاله جرم بی‌حجابی و بررسی تنگناهای قانونی آن، همایش ملی حجاب و عفاف، دانشگاه سمنان، ص ۹.

۲ - گلدوزیان، ایرج، ۱۳۸۲، محشای قانون مجازات اسلامی، مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، ص ۳۳۶، چاپ اول.

در این صورت، دیدن دیگران لازم است. هر چند در این جا ممکن است که اختلاف پیش آید که چند نفر باید عمل را ببینند تا انظار عمومی بر آن صدق کند. به نظر می‌رسد بر اساس تفسیر مضیق این قانون لازم است عده‌ای که کمتر از سه نفر نباشند، شاهد جرم یا عمل منافی عفت عمومی یا بی‌حجابی باشند.

البته در مورد بی‌حجابی با توجه به این که قید « علناً » برای آن به کار رفته است، احتمال لزوم آن در معابر و اماکن عمومی تقویت می‌شود.^۱ اماکن عمومی و علنی را نیز به چهار دسته تقسیم کرده‌اند که به دلیل اطالهی کلام از بیان آن خودداری می‌شود.^۲

۳-۱-۳-۳ عدم پیش‌بینی مجازات برای مردان

حجاب در اسلام برای زنان و مردان بیان شده ولی این ماده تنها درباره زنان است و از حجاب مردان سخن نمی‌گوید. در حالی که در مورد مردان نیز حجاب شرعی وجود دارد که قانون‌گذار متعرض آن نشده است. خداوند در آیه ۳۰ نور می‌فرماید: «ای پیامبر به مردان با ایمان بگو چشم‌های خود را بر حرام بیوشانند و فروج خود را در برابر حرام محافظت نمایند، این کار برای پاک‌تر ماندن آنان بهتر است خداوند به آن چه انجام می‌دهند آگاه است.»

مطابق آموزه‌های فقهی، بر مردان نیز واجب است که مواضعی از بدن خود را از زن نامحرم بیوشانند همانگونه که زن باید بدن و موی خود را از نامحرم بیوشاند. فقیهان اسلامی نیز در کتاب‌های فقهی بر جایز نبودن نگاه مرد به زن نامحرم تصریح و برخی درباره این مسئله اجماع و اتفاق کرده‌اند.^۳

در متون فقهی امامیه^۴ آمده است مرد حق ندارد به مرد دیگری از روی ریبه و تلذذ نگاه کند و بر زن نیز حرام است که به مرد اجنبی نگاه کرده یا صدای وی را بشود مگر اینکه ضرورت از قبیل انجام معامله و امثال آن اقتضا کند. بنابراین، از آن جایی که حرمت و عدم حرمت دائر مدار فساد و عدم آن می‌باشد در نتیجه اگر مرد نیز به گونه‌ای در معابر و انظار عمومی ظاهر شود که مطابق حجاب پیش‌بینی شده برای او نباشد و عفت عمومی را جریحه‌دار نماید مشمول تعزیر می‌شود.

۱ - زراعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی، ج ۲، ص ۴۳۹.

۲ - مراجعه شود به شرح قانون مجازات، ج ۲، بخش تعزیرات، دکتر عباس زراعت .

۳- عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، ۱۴۱۳، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، مؤسسه معارف اسلامی، قم، ج ۷، ص ۴۶.

۴- عاملی، محمد بن مکی (شهید اول)، اللعمه دمشقیه، ص ۶۲.

۳-۱-۴ اکتفا نمودن رعایت حجاب به پوشش ظاهری

حجاب در اسلام برای زنان و مردان بیان شده است ولی این ماده علاوه بر اینکه تنها درباره زنان است، رعایت حجاب را به پوشش اندام محدود کرده است و حال آنکه اسلام، رعایت حجاب را نه فقط در مورد پوشش ظاهری و پوشش اندام بلکه درباره اعضا و جوارح مانند چشم و گوش ضروری دانسته است. لذا شایسته بود که قانونگذار در این تبصره به نوعی به عفت زبان و چشم و گوش توجه کرده و برای کسانی که در اعضا و جوارح خود موازین شرعی را رعایت نکرده و باعث لکه‌دار شدن عفت عمومی می‌گردند مجازات تعزیری پیش‌بینی نماید.

۳-۱-۵ عدم انطباق کامل تبصره ماده با مبانی شرعی

واژه تعزیر در روایات و فتاوی فقها به معنی مجازات‌هایی که اندازه و حدی برای آن مشخص نشده، آمده است که به معنای اصطلاحی تعزیر است.^۱ و در پارهای از روایات نیز به جای واژه تعزیر، واژه ادب و تأدیب به کار رفته است و از مصادیق آن به زدن، تبعید، زندانی نمودن، نکوهش و جریمه مالی اشاره شده است.^۲

تعزیر اعم از وعظ، توبیخ، تهدید و شلاق و حبس است که شایسته بود قانونگذار به قاضی اختیار، اعمال کمترین مرتبه تعزیر که تذکر و ارشاد است را می‌داد و یکباره به حبس و شلاق و جزای نقدی متوسل نمی‌شد.^۳ جالب توجه اینکه در نگاه بسیاری از فقیهان نیز تعزیر شامل موعظه، تهدید و توبیخ نیز میشود و لزوماً به معنای شلاق یا حبس و امثال آن نیست که در ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی آمده است. علامه حلی در این باره می‌نویسد: «التعزیر یكون بالضرب أو التوبيخ أو بما يراه الامام و ليس فيه قطع شيء منه و لاجرحه...» تعزیر با زدن شلاق یا زندان یا توبیخ یا به هر روشی که امام تشخیص دهد محقق می‌شود.^۴

بر این اساس، قاضی در انتخاب هر یک از انواع تعزیر، مختار است و می‌تواند به هر یک از موارد فوق بسنده کند برخی از فقها تعزیر به معنای شلاق و امثال آن را در صورتی می‌دانند که مرتکب با نهی و توبیخ قابل اصلاح نباشد. سید علی طباطبایی در این باره می‌نویسد: «اینکه در ارتکاب هر حرامی یا

۱ - عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، مسالک الافهام، ج ۲، ص ۴۲۳، محقق حلی، شرایع الاسلام، ص ۳۴۴.

۲ - محقق داماد، سید مصطفی، ۱۳۷۷، قواعد فقه (بخش جزایی)، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، ص ۱۹۸.

۳ - مسجد سراسری، حمید، ۱۳۸۹، مقاله بررسی جرم بی‌حجابی و تنگناهای قانونی آن، ص ۳.

۴ - حلی (علامه)، حسن بن یوسف، بی تا، تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه، مؤسسه آل‌البیت، قم، ج ۲، ص ۲۲۷.

ترک واجبی، تعزیر واجب است، این حکم در صورتی است که شخص با نهي و توبيخ و امثال آن از عمل خود دست نکشد زیرا در این فرض، نهي از منکر واجب است^۱.

۳-۳-۲ ماده ۳ قانون رسیدگی به تخلفات استفاده کنندگان البسه خلاف شرع (مصوب ۱۳۶۵/۱۲/۲۸):

ماده ۳ این قانون تصریح می‌کند: کسانی که در انظار عمومی، وضع پوشیدن لباس و آرایش آنها خلاف شرع و یا موجب فساد و یا هتک عفت عمومی باشد توقیف و خارج از نوبت در دادگاه صالحه محاکمه و حسب مورد به یکی از مجازات‌های مذکور در ماده ۲ محکوم شوند.

نکته‌های قابل توجه در این ماده در زیر بیان می‌شود:

- قید «انظار عمومی» در این ماده ذکر شده و یکی از شرایط تحقق جرم است (انظار عمومی در ذیل ماده ۶۳۸ ق.م.ا بحث شد).

- این ماده نه تنها شامل زنان بلکه شامل مردان نیز می‌شود زیرا در متن ماده لفظ «کسانی» ذکر شده است که اعم از زنان است.

- عنصر مادی جرم مربوط به وضع پوشیدن لباس و آرایش است و این دو عمل در صورتی جرم تلقی می‌شود که ناظر بر یکی از موارد ذیل باشد:

الف) خلاف شرع باشد؛

ب) موجب فساد شود. (سببیت برای فساد در جامعه امر عرفی است که تشخیص آن بر عهده دادگاه است)؛

ج) موجب هتک عفت عمومی شود. (ملاک هتک عفت عمومی، عرف و تشخیص آن بر عهده دادگاه است)^۲.

- مجازات‌های یاد شده از تذکر و ارشاد، توبیخ و سرزنش و تهدید آغاز می‌شود و به جریمه نقدی از بیست تا دویست هزار ریال می‌رسد.

۱- طباطبایی، سیدعلی، ۱۴۱۰ه.ق، ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل، مؤسسه آل البیت، قم، ج ۲، ص ۴۸۳.

۲- زراعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات)، ج ۲، ص ۵۶۱.

در این ماده نیز بی‌حجابی یا به عبارت دیگر، استفاده از آرایش و لباس‌هایی که خلاف شرع است یا موجب هتک عفت عمومی می‌شود جرم است و مجازات‌هایی برای آن در نظر گرفته شده است.

۳-۳-۳ ماده ۲ آیین نامه اجرای بازی های همبستگی بانوان کشورهای اسلامی^۱

این آیین نامه همان طور که از نام آن پیدا است برای اجرای بازی ها و مسابقه های ورزشی است . قانونگذار در ماده ۲ آیین نامه حجاب را تعریف کرده است ولی نه به صورت کامل. در تعریف حجاب آمده است: «حجاب اسلامی عبارت است از پوشیدگی اعضای بدن و موی سر.» این ماده تنها جایی است که قانون گذار حجاب را تعریف کرده است که این تعریف نیز ابهام‌هایی دارد از جمله این که :

- آیا منظور از پوشیدگی اعضای بدن شامل صورت و کفین می‌شود؟ شیوه پوشیدگی چگونه باشد؟
- و آیا صرف پوشیدگی کافی است یا لباس هایی که با آن بدن را می پوشاند باید ویژگی خاصی داشته باشد؟

که در نهایت، باید گفت با توجه با وجود این گونه ابهام ها ، سکوت و اجمال قانون و با استناد به اصل ۱۶۷ قانون اساسی، ماده ۲۸۹ قانون اصلاح موادی از آیین دادرسی کیفری، ماده ۲۹ قانون تشکیلات دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ و ماده ۹ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب با مراجعه به منابع اسلامی، تعریف دقیق حجاب را می‌توان استخراج کرد و دیدگاه شارع را از قرآن و احادیث و فتاوی معتبر به دست آورد. در این جا دو نمونه از نظرات علما در مورد حجاب آورده می‌شود:

- پرسش یک: در تعریف حجاب، پرسشی بدین شرح مطرح شده است: حدود حجاب اسلامی برای بانوان چیست؟ اصولاً چه کیفیتی در لباس و پوشش زن در برابر نامحرم باید رعایت شود؟ پاسخ امام خمینی: واجب است تمام بدن زن به جز قرص صورت و دست‌ها تا مچ از نامحرم پوشیده شود و از لباس هایی که توجه نامحرم را جلب می کند باید اجتناب کرد^۲.
- پرسش دو: آرایش زنان در خیابان‌ها و بیرون گذاشتن مقداری از موها و پوشیدن جوراب بدن‌نما و لباس‌های محرک چه حکمی دارد؟

پاسخ آیت‌الله خامنه‌ای: بر زن واجب است تمام بدن و موی و زینت خود را از نامحرم بپوشاند. آیات عظام، فاضل لنکرانی، بهجت، صافی گلپایگانی پاسخ داده‌اند: حرام است.^۳

۱ - پایگاه اینترنتی بانوان، WWW . women iran . org (ذیل کلمه حجاب ، بند ۷۰).

۲- خمینی ، روح الله، ۱۳۸۲، استفتانات، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ج ۳، ص ۲۵۴

۳ - محمودی، سید محسن، مسائل جدید از دیدگاه علماء و مراجع، ج ۱، ص ۱۲۷.

قانونگذار در چند مورد به حجاب اشاراتی داشته از جمله در تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی، اما تعریف کامل و جامعی از حجاب ارائه نداده و هم چنین، در رابطه با تعزیر، جنبه‌های ارشادی آن مانند پند و اندرز پیش‌بینی نشده لذا پیشنهاد می‌شود:

- در مورد حجاب، تعریف دقیق و بدون ابهام ارائه و کیفیت حجاب شرعی بیان شود.
- حدود حجاب شرعی برای مردان نیز با الحاق تبصره به ماده فوق‌الذکر تعیین شود.
- بازنگری در متن ماده و تغییر برخی عناوین مبهم مانند حجاب، معبر و انظار عمومی که مقصود و منظور قانونگذار به صراحت مشخص شود.
- بهره‌گیری از عوامل فرهنگی، با پیروی از سیره معصومین (ع) قبل از توسل به ضمانت اجرای کیفری از قبیل حبس و جزای نقدی؛ با همکاری نهادهای فرهنگی مانند آموزش و پرورش و صدا و سیما و... و تشویق آحاد شهروندان به همکاری در اجرای قانون می‌تواند ضمن رعایت حجاب و عفاف به عنوان وظیفه شرعی و اخلاقی، زمینه ساز امنیت فردی و اجتماعی باشد.

۳-۴ بررسی سیره معصومین (ع) در برخورد با بی‌حجابی

با بررسی و دقت در سیره معصومین (ع) به این نتیجه می‌رسیم که ایشان در مقابل بی‌حجابی در عصر خود از روش‌های تربیتی مانند پند و اندرز، انذار و فرهنگ‌سازی بهره می‌جستند. در مطالعه سیره حضرت رسول اکرم (ص) و حضرت علی (ع) در برخورد با بی‌حجابی تذکر و ارشاد که کمترین درجه تعزیر است دیده می‌شود. نمونه‌های زیر بیانگر این حقیقت می‌باشد:

* هنگامی که اسماء دختر ابوبکر، خواهر بزرگتر عایشه، همسر پیامبر (ص) در خانه ایشان با لباس بدن- نما ظاهر شد پیامبر (ص) از او رو برگرداند و فرمود: «یا اسماء انَّ المرأه اذا بلغت المحيض لم تُصلحَ آن یُرى منها الا هذا و هذا أشار الی وجهه و کفیه» ای اسماء چون دختر به حد بلوغ می‌رسد نباید چیزی از بدنش دیده شود مگر این و این. (اشاره کرد به چهره و دست‌ها از مچ تا پایین).^۱

همان گونه که دیده می‌شود بی‌حجابی در عصر پیامبر اکرم (ص) نیز وجود داشته است ولی روش برخورد پیامبر اکرم (ص) جالب توجه است که ایشان از اسماء رو برگرداند و سپس با بیانی لطیف، حدود و میزان پوشش را بیان نمود، می‌بینیم که روش ایشان، عقلانی و در عین حال، بیانگر سیره آن حضرت است. عده‌ای به این روایت، برای اثبات عدم وجوب پوشش دست و صورت استناد کرده‌اند.

*روایت دیگری از عبدالله بن عباس با این مضمون وارد شده است:

در سفر حجه الوداع، زنی از قبیله خشعم، جهت استفتای مسئله‌ای، خدمت رسول خدا (ص) رسید، این در حالی بود که فضل بن عباس نیز پشت سر آن حضرت سوار بود. آن زن از پیامبر (ص) پرسید: فریضه حج بر پدرم واجب شده ولی او به سبب کهولت سن، توانایی سفر ندارد اگر خود از سوی او حج کنم تکلیف او انجام گرفته است؟ پیامبر فرمود: «آری». در این هنگام، توجه و نگاه فضل به آن زن که زیبا بود جلب شده بود و همین امر موجب شد که حضرت صورت فضل را به جانب دیگر چرخانید.^۲ در المبسوط آمده است: سپس پیامبر فرمود: «رجلٌ شابٌّ و امرأهٌ شابٌّ فَخَشِیتُ آن یدخل بینهما الشیطان». زن و مردی جوان می‌ترسم شیطان در میانشان پای نهد.^۳

این روایت نیز از جمله روایاتی است که برای اثبات واجب نبودن پوشش صورت برای زنان مورد استناد قرار گرفته است زیرا اگر پوشش صورت واجب بود پیامبر به زن تذکر می‌داد که صورت خود را بپوشاند.

۱- سجستانی، ابو داود، سنن، ج ۴، ص ۶۲، حدیث ۴۱۰۴.

۲- شببانی، احمد بن محمد، ۱۴۱۴هـ، مسند احمد، انتشارات دارالفکر، بیروت، ج ۱، ص ۲۵۱، چاپ دوم.

۳- طوسی، محمد بن حسن، مبسوط، کتاب النکاح، ج ۴، ص ۱۶۰.

در حالی که حضرت، صورت فضل را به جانب دیگر چرخانید. برخورد پیامبر با فضل نشان می‌دهد که زنان وظیفه‌ای برای پوشاندن صورت خود ندارند ولی مردان نباید به زنان نگاه شهوت‌آلود کنند. اما استفاده ما در اینجا از روایت به منظور استناد آن به روش برخورد پیامبر اکرم (ص) در پی نگاه فضل به آن زن جوان است که ایشان با دست خود صورت فضل را برگرداند. در روایت، هیچ‌گونه برخورد تهدیدآمیز یا توبیخ دیده نمی‌شود، لذا نتیجه می‌گیریم روش برخورد پیامبر (ص) برای امر به معروف و نهی از منکر، روشی عاطفی و در عین حال، منطقی و عقلانی است.

* حضرت علی (ع) نیز واقعه‌ای به شرح زیر نقل می‌کند:

ایشان می‌فرماید: «یک روز بارانی با رسول خدا (ص) در بقیع نشسته بودیم که زنی سوار بر الاغ از آنجا عبور می‌کرد. ناگهان پای الاغ در چاله‌ای فرو رفت و زن از بالای آن به زیر افتاد. رسول خدا (ص) به سرعت روی خود را برگرداند. حاضران به رسول خدا گفتند: این زن شلوار به تن دارد. حضرت سه بار فرمود: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُتَسَرِّعَاتِ» خداوند زنان شلوارپوش را ببامرز. سپس فرمود: «یا ایها الناس! اتَّخَذُوا السَّرَّاءِ وَیَلَاتِ فَانَّهُنَّ مِنْ أَسْتَرِ ثِیَابِكُمْ وَحَصَّنُوا بِهَا نِسَاءَكُمْ إِذَا خَرَجْنَ!».»

اگرچه از این روایت، اهمیت پوشش شلوار به عنوان سپری حفاظتی یاد شده که نشانگر فلسفه لباس و پیامد آن است که نتیجه پوشش مناسب، مصونیت زن و عفاف اوست ولی روش برخورد پیامبر (ص) حائز اهمیت است و نکات زیر را می‌توان برداشت کرد:

- روی برگرداندن پیامبر (ص) از آن زن به سرعت و بدون وقفه که قابل توجه می‌باشد؛

- تشویق زنان به پوشاندن خود با شلوار؛

- طلب رحمت برای زنان باحجاب (سه مرتبه)؛

- تذکر به مردم (یا ایها الناس) که پوشش کامل داشته باشند و نیز به پوشش زنان خود در هنگام خروج از منزل توجه داشته باشند.

به طور کلی، از این روایات می‌توانیم به روش برخورد پیامبر (ص) در رابطه با حجاب و بی‌حجابی پی ببریم و اینکه ایشان با روی گرداندن خود تنفر خود را از بی‌حجابی ابراز می‌کند و از طرفی، آموزش به مردان در هنگام برخورد با زنان بی‌حجاب و نیز توجه دادن به زنان که حجاب، موجب رحمت خدا و دعای معصومین (ع) و برعکس، بی‌حجابی، موجب انزجار و نگرانی ایشان می‌شود.

۱- نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۴۵، محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۲۵۹، واژه حجاب

* نقل شده است که روزی حضرت علی(ع) در مسجد پیامبر(ص) با مردی روبرو شد که دارای حالت زنانه بود حضرت به او فرمود:

از مسجد رسول خدا (ص) بیرون شو ای کسی که مورد لعنت رسول خدا هستی پیامبر فرموده است: «خداوند لعنت کند مردانی که خود را شبیه زنان و زنانی که خود را شبیه مردان می‌کنند»^۱.

* هم چنین، حضرت علی(ع) نقل می‌کند که با پیامبر خدا (ص) در مسجد نشسته بودم که مردی با حالت زنانه بر پیامبر وارد شد و سلام کرد. حضرت پس از اینکه به سلام او پاسخ داد چشم به زمین دوخت و در حالی که استغفار می‌کرد فرمود: «آیا چنین افرادی در امت من یافت می‌شوند؟ اینگونه افراد در هیچ امتی یافت نمی‌شوند مگر این که آن امت پیش از آمدن قیامت عذاب شود»^۲.

در روایت نخست بر خورد امام علی(ع) به اخراج آن مرد از مسجد به عنوان تنبیه و نیز تذکر به او که چنین افرادی مورد لعن رسول خدا (ص) هستند، در روایت دوم روش پیامبر اکرم (ص) که تؤام با طلب آمرزش آن حضرت، چشم دوختن بر زمین و روش امر به معروف (حجاب) و نهی از منکر (بی-حجابی) قابل تأمل می‌باشد.

۱- حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۱۱، حدیث ۲.

۲- همان، حدیث ۳

نتایج

- در پژوهش حاضر مطالب و مباحث مختلفی مطرح شد که با مرور یافته‌های پژوهشی مهم آن، نتایج ذیل ارائه می‌گردد:
- ۱- حجاب و عفاف ریشه‌ی فطری دارند و مقولاتی همچون حیا و عفاف که به منزله ریشه‌ی حجاب و پوشش ظاهری هستند نیز دارای ریشه‌ی فطری هستند.
 - ۲- حجاب و عفاف مورد توجه همه انسان‌ها بوده و اسلام واضح قانون حجاب نبوده است بلکه در قانونمند کردن آن همت گماشته است.
 - ۳- حجاب در ادیان گذشته نسبت به اسلام از شدت بیشتری برخوردار بوده است.
 - ۴- در لزوم عفت و پاکدامنی و ترک گناه حرام بین زن و مرد فرقی نیست و بی‌حجابی و بی‌عفتی مانع رشد معنوی انسان است.
 - ۵- لزوم و وجوب حجاب و عفاف، براساس فطرت انسان، آیات و روایات، براهین عقلی و سیره‌ی عملی مسلمانان و اجماع فقها به اثبات رسیده است.
 - ۶- جامعه‌شناسان و روانشناسان پوشیدگی را مقتضای فطرت و طبیعت جامعه بشری و استحکام خانواده و سلامت جامعه را وابسته به آن دانسته‌اند.
 - ۷- شهروندان در جامعه اسلامی مطابق قانون الهی از حقوق متقابل، کرامت انسانی برخوردارند و باید زمینه آرامش و امنیت آنان فراهم باشد.
 - ۸- حجاب و عفاف یکی از ارکان مهم حقوق شهروندی است.
 - ۹- برای حفظ مصالح عمومی، نظارت همگانی و امر به معروف و نهی از منکر نقش به‌سزایی دارد.
 - ۱۰- اختلالات روانی، بیماری‌های جسمی و روحی، گسترش طلاق، انحرافات جنسی، تنزل بهره‌وری در فعالیت‌های اجتماعی، گسترش مفسد اخلاقی از آثار منفی بی‌حجابی هستند.
 - ۱۱- بی‌حجابی علاوه بر آثار دنیوی، موجب قهر و غضب خداوند متعال، انزجار پیامبر اکرم (ص) و معصومین (ع) و آتش و عذاب اخروی نیز می‌شود.
 - ۱۲- بی‌حجابی نقض حقوق شهروندی و حق الناس است.
 - ۱۳- دولت وظیفه دارد برای مبارزه با مفسد اخلاقی و اجرای احکام الهی، راهکارهای فرهنگی و قضایی لازم و شایسته را به کار گیرد.

- ۱۴- بی‌حجابی مخالفت با حکم خدا، شکستن کرامت انسانی، ترویج فساد و فحشا و نقض امنیت و آرامش شهروندان است.
- ۱۵- بی‌حجابی در تبصره ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی جرم شناخته شده و برای متخلفان مجازات‌هایی در نظر گرفته شده است. اگرچه این تبصره دارای ابهاماتی می‌باشد که نیاز به تفسیر و توضیح دارد.
- ۱۶- در برخورد با بی‌حجابی لازم است سیره‌ی معصومین(ع) که مبتنی بر تذکر، ارشاد، نهی و تعزیر بوده است، توجه شود.
- ۱۷- با تعریف حجاب به طور کامل، به این نتیجه می‌رسیم که حجاب مفهومی تشکیکی نیست و واژه‌ی بدحجابی غلط است. رابطه حجاب شرعی با بدحجابی نیز رابطه متناقضی است و مفهوم سومی ندارد.
- ۱۸- برای مبارزه با بی‌حجابی باید به تقویت ایمان و تقوا پرداخت و نتایج منفی بی‌حجابی را برای نوجوانان و جوانان تبیین کرد.
- ۱۹- حجاب و پوشش محدودیت نیست بلکه موجب حضور معنوی‌گرایانه زنان در فعالیت‌های اجتماعی نیز می‌شود.
- ۲۰- برهنگی دام شیطان است و حجاب و پوشش فرمان خداوند متعال، و بنده‌ی مؤمن تابع امر پروردگارش است نه تابع دشمن سوگندخورده و رانده شده از درگاه حق.

راهکارها و پیشنهادها

الف) راهکارها و پیشنهادات نظری و علمی

یکی از مشکلات موجود در زمینه مسایل حجاب فقر نظری در زمینه مسایل مهم و جدید حجاب و پوشش است. بنابراین پیشنهادها و راهکارهایی خطاب به مراکز آموزشی و پژوهشی ارائه می‌گردد: ایجاد مرکز تحقیقی و پژوهشی مرتبط با مراکز پژوهشی امور بانوان کشور و حوزه‌های علمی خواهران که به طور ویژه و خاص، مسایل مهم و جدید مربوط به حجاب و پوشش را شناسایی و رصد نماید و سپس با رعایت اولویت و ضرورت با تشکیل هسته‌های مختلف علمی به تحقیق و پژوهش اقدام نمایند تا از طریق این مرکز، پاسخگو به شبهات مختلف و مسایل جدید باشند و هم با تهیه و تولید برنامه‌های فرهنگی پاسخگوی نسل جوان جامعه باشند.

* با تهیه دایره المعارف و دانش‌نامه حجاب و عفاف به شکل گسترده، دقیق و عمیق، درباره ریشه‌ها، ویژگی‌ها، بایدها و نبایدها، فواید حجاب، آثار مثبت حجاب و آثار منفی بی‌حجابی با تولید محصولات علمی در قالب کتاب، مقاله و ... اقدام گردد.

* تشکیل کرسی درس با عنوان حجاب‌شناسی در دانشگاه‌های علوم اسلامی و انسانی، به ویژه دانشجویان دختر، تا به این وسیله زمینه مقدمات انجام کارهای تحقیقی و پژوهشی درباره مسایل مهم و جدید حجاب فراهم گردد.

* دایر شدن درس فقه حجاب و عفاف با حضور اساتید حوزوی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی تا مسایل جدید مربوط به حجاب و عفاف در سطوح عالی مورد بررسی قرار گیرد.

ب) راهکارها و پیشنهادهای اجرایی و عملی

در مسئله گسترش فرهنگ عفاف و حجاب باید روش‌های اجرایی دستگاه‌های مختلف در اتمام به تقویت عفاف و حجاب منطقی، جامع، هماهنگ و تابع رعایت یک سلسله اصول و مبانی باشد که برخی از مهم‌ترین اصول و مبانی عبارتند از:

* عفاف و حجاب از نتایج و مظاهر ایمان و تقوا است. بنابراین برای تقویت آن باید در درجه اول به تحکیم ایمان و تقویت باورهای دینی جامعه که در حکم روح و ریشه‌ی اخلاق و رفتار آنان است توجه شود.

* در توسعه فرهنگ حجاب و عفاف لازم است به تحکیم ارزش‌ها و مفاهیم اخلاقی خاص از قبیل: تقوا، عفت، حیا، غیرت که با حجاب رابطه نزدیک و با واسطه دارند و از ثمرات ایمان محسوب می‌شوند توجه کامل مبذول شود.

- آموزش احکام شرعی مربوط به عفاف و حجاب، آموزش صحیح رفتار زن و مرد با یکدیگر در جامعه و خانواده به طور جدی مورد توجه قرار گیرد.

* تبیین و توضیح دائمی فلسفه حجاب، فواید عفاف و حجاب در زندگی فردی و اجتماعی و بیان آثار و نتایج سوء عدم رعایت حجاب و عفاف امری ضروری می‌باشد.

- حجاب و عفاف امری تربیتی، مرتبط با خانواده است که تربیت خانوادگی در تثبیت آن در اندیشه و روح افراد نقش اصلی و عمده را ایفاء می‌کند. لذا رابطه بین خانواده و مدرسه در مقوله‌ی حجاب و عفاف باید گسترش یافته و هماهنگی در آموزش‌ها و رفتارهای صحیح انجام شود.

* لازم است عموم افراد خصوصاً جوانان را از نقش حجاب و عفاف در ایجاد هویت فرهنگی و ملی مستقل برای کشور و ملت آگاه کرد و آثار مثبت سیاسی این استقلال و مقاصد دشمنان در ترویج فرهنگ برهنگی را که خود یکی از راه‌های هجوم فرهنگی است، با ذکر نمونه‌های تاریخی تشریح کرد.

* در توسعه و ترویج فرهنگ حجاب و عفاف فقط نباید زنان مخاطب قرار گیرند و نقش و مسئولیت مردان نیز نباید فراموش شود بلکه حجاب و عفاف به عنوان امر مشترکی که به زن و مرد مربوط می‌شود باید مورد توجه قرار گیرد.

* در توسعه و ترویج حجاب و عفاف باید بر فعالیت‌های فرهنگی، آموزشی، تبلیغی و ارشادی تأکید گردد و از برخوردهای تند و خشونت‌آمیز که موجب بدبینی به اسلام می‌گردد پرهیز شود.

* در تبلیغ حجاب و عفاف مقتضیات سنی، روحی و فرهنگی مخاطبان مورد توجه قرار گیرد. به طور مثال برای آموزش خردسالان، از قالب‌های ادبی مثل شعر و داستان استفاده گردد.

* در توسعه فرهنگ حجاب و عفاف باید بین فعالیت‌های فرهنگی، ارشادی و اجرایی، همسویی و هماهنگی وجود داشته باشد و برنامه‌ها و اقدامات انجام شده به صورت مستمر مورد نظارت و آسیب-شناسی قرار گیرد.

* در تبلیغ و ترویج حجاب و عفاف باید بیشتر بر جنبه‌های مثبت تکیه شود و شیوه‌های ارشادی دوستانه و مؤدبانه به کار گرفته شود و در صورت واکنش در برابر عدم رعایت حجاب و عفاف باید تابع مقررات و محدود به حدود قانون باشد.

* در ترویج فرهنگ حجاب و عفاف باید به نوع کار و شرایط و مقتضیات محیط زندگی، آداب محلی و منطقه‌ای مربوط به لباس و پوشش با رعایت اصل حکم فقهی حجاب توجه شود و از الزام و اجبار همگان به استفاده از نوع و شکل خاص از حجاب خودداری شود.

* لازم است در انتخاب و معرفی اسوه‌ها و الگوها به جامعه، به عفاف و حجاب آنان نیز به عنوان یک ارزش توجه کافی شود و منزلت انسانی آنان و رعایت حجاب مورد توجه قرار گیرد که بدون تردید صدا و سیما به عنوان رسانه ملی نقش بسیار مهمی در این زمینه دارد.

* به موازات اهتمام به عفاف و حجاب و تبلیغ و ترویج آن باید تدابیری اتخاذ شود تا چادر و لباس‌هایی که استفاده از آنها لازمه رعایت حجاب و عفاف کامل است به آسانی و با هزینه‌های معتدل و منطقی قابل تأمین باشد.

« اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ الْهُدٰی وَ التَّقٰی وَ الْعِیَافَ وَ الْغِنٰی وَ الْعَمَلَ بِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضٰی »

پیوست

استفتائات از مراجع تقلید

درباره ی حجاب و لباس

- آیا حجاب از ضروریات اسلام است؟ منکر آن و کسانی که به این دستور الهی مخصوصاً در جامعه اسلامی بی‌اعتنایی می‌کنند چه حکمی دارد؟
اصل حکم حجاب از ضروریات است و منکر آن حکم منکر ضروری را دارد و منکر ضروری محکوم به کفر است، مگر این معلوم باشد که منکر خدا یا رسول نیست.
- باز بودن گردی صورت و دست زن تا میچ در برابر نامحرم چه صورت دارد؟
در صورت عدم مفسده مانع ندارد.
- آیا واجب است که زن وجه و کفین خود را بپوشاند؟
واجب نیست مگر در صورت مفسده.
- در هر یک از این صور اگر با عدم رضایت شوهر رو به رو شود، مثلاً شوهر بگوید من راضی نیستم که صورت خود را بپوشانی چه صورتی دارد؟
مرد حق ندارد در این جهت زن را تکلیف کند.
- آیا واجب است زن چادر به سر کند؟ و اگر واجب نیست آیا اولویت دارد؟
با مراعات حجاب اسلامی پوشیدن چادر لازم نیست، اگر چه بهتر است.
- آیا حجاب اسلامی جدید (روپوش گشاد و شلوار و مقنعه یا روسری) درست است یا خیر؟
با توجه به این که بعضی از خانم‌ها هم از چادر استفاده می‌کنند و هم از حجاب اسلامی. اگر مقدار لازم را بپوشاند و موجب جلب توجه و مفسده نشود مانع ندارد.
- آیا در مورد حجاب، خانم‌ها فقط باید چادر سر کنند، یا هر پوششی که حجم بدن و به طور کلی حجاب واقعی را برای زن فراهم می‌کند می‌تواند حجاب باشد؟
در حجاب لباس خاصی معتبر نیست هر چند چادر بهتر است، و از لباسی که جلب توجه کند احتراز شود.
- آیا از نظر امام چادر پاسخگوی حجاب لازم برای زن است یا مانتو و روسری؟
به هر نحو مقدار واجب پوشیده شود کفایت می‌کند، و چادر بهتر است.

- چرا زن باید با حجاب نماز بخواند؟
تکلیف الهی است.
- آیا پیدا بودن چانه ی خانم ها در عکس با احکام اسلام منافات دارد؟
مانع ندارد.
- لطفاً بفرمایید حدود پوشش شرعی مرد نسبت به زن نامحرم تا کجاست؟
نظر زن به مرد اجنبی جایز نیست، ولی بر مرد لازم نیست خود را بپوشاند.
- آیا مرد می تواند سینه و بدن خود را جلو نامحرم باز بگذارد؟
بر مرد واجب نیست غیر عورتین خود را بپوشاند.
اگر چه مواردی که می داند اگر بدنش برهنه باشد زن ها عمداً نگاه می کنند احوط استحبابی آن است که خود را بپوشاند.
- اگر از زنی همسرش عکس بگیرد به صورتی که رعایت حجاب نشده باشد، آیا با توجه به این که برای چاپ و ظهور باید به عکاسی برده شود و نامحرم آن را رؤیت می کند اشکالی مترتب می شود؟
اگر ظاهر کننده زن را نمی شناسد و مفسده ندارد اشکال ندارد.
- حد پوشش برای مردان و زنان چقدر است؟ آیا تجاوز از کمترین مقدار حرام است؟
بر مرد ستر عورتین واجب است و ستر باقی واجب نیست، اگر چه بر زن حرام است بدن مرد نامحرم را نظر کند. و بر زن واجب است تمام بدن خود را از نظر نامحرم بپوشاند، ولی پوشاندن وجه و کفین لازم نیست مگر آن که مفسده ای بر آن مترتب باشد.
- گناه و کیفر زنی که موی سرش بیرون و معلوم باشد چیست؟
حجاب از نامحرم واجب است و کسی که دانسته تخلف می کند باید او را نهی از منکر نمایند.
- اگر برای زیبایی چهره، بینی خود را و یا عضو دیگر بدن را عمل جراحی کنند از جهت لمس نامحرم و آزار رسیدن به بدن چه حکمی دارد؟

اگر نامحرم جراحی می کند جایز نیست.^۱

- آیا حجاب از ضروریات دین است؟ حکم کسانی که به آن بی اعتنایی می کنند چیست؟

حضرت آیت الله خامنه ای:

اصل حجاب ضروری دین محسوب می شود. ولی بعضی فروع آن ممکن است ضروری نباشد و بی اعتنایی به اصل حجاب و عدم رعایت آن معصیت و گناه است.

حضرت آیت الله تبریزی:

اصل حجاب برای زنان از ضروریات دین است و حکم کسانی که به آن بی اعتنایی نمایند حکم بی اعتنایی به سایر تکالیف دینی است.

حضرت آیت الله صافی:

اصل وجوب حجاب فی الجمله از ضروریات اسلام است و منکر آن مرتد است، ولی بی اعتنایی به آن با عدم انکار وجوب آن باعث فسق است.

حضرت آیت الله سیستانی:

اصل حجاب از مسلمات شریعت است و در قرآن آمده است، ولی کسانی که توجه به وضوح آن ندارند، انکار آن ها مستلزم انکار نبوت نیست و بی اعتنایی عملی گناه است.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

آری حجاب از ضروریات دین است، ولی انکار آن برای کسانی که از ضروری بودن آن آگاهی ندارند، موجب ارتداد نمی شود.

حضرت آیت الله بهجت:

بی اعتنایی به حجاب گناه است و داشتن حجاب واجب است.

- آرایش زنان در خیابان ها و بیرون گذاشتن مقداری از موها و پوشیدن جوراب بدن نما و

لباس های محرک چه صورتی دارد؟

حضرت آیت الله خامنه ای:

۱ - استفتائات امام خمینی (ره)، ج ۳، صص ۲۵۴-۲۷۴.

بر زن واجب است که تمام بدن و موی و زینت خود را از نامحرم بپوشاند.

حضرت آیت الله بهجت:

حرام است.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی:

حرام است

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

بدون شک جایز نیست.

حضرت آیت الله تبریزی:

جایز نیست.

حضرت آیت الله سیستانی:

جایز نیست.

- عده ای همراه با تبلیغات فرهنگی دشمن، در روزنامه ها و سخنرانی هایشان می گویند: چادر مشکی برای بانوان مکروه است و باید پوشش جدید، مانند مانتو و کت و دامن با رنگ های متنوع جایگزین چادر مشکی شود آیا چنین حرفی و اقدامی صحیح است یا نه؟ خواهشمند است نظر شریفتان را مرقوم فرمایید.

حضرت آیت الله خامنه ای:

این صحبت صحیح نیست، و بهتری حجاب پوشش چادر است، و چادر سیاه هم بی اشکال است و کراهت ندارد.

حضرت آیت الله تبریزی:

زن باید بدن خود را در غیر وجه و کفین از نامحرم بپوشاند و نیز باید زینت خود را بپوشاند و لباسی که زینت حساب می شود باید آن را هم بپوشاند، و با چادر بهتر می تواند بدن و زینت را بپوشاند، و چادر سیاه مثل عبا سیاه کراهت ندارد.

حضرت آیت الله بهجت:

این اقدام باطل است.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی:

نظریه مذکور صحیح نیست و مفسد بسیار دارد. متأسفانه در این زمان عده ای اصرار بر آشکار شدن مفاتن زن و خروج او از ستر و عفاف، که حفاظ شخصیت و ارزش و متانت اوست دارند و مع الوصف می خواهند این امر را اسلامی جلوه دهند؛ در حالی که بر خلاف اسلام است.

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی:

چادر مشکی بهترین نوع حجاب است و پوشیدن لباس هایی که جلب توجه کند حرام است.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

با توجه با این که در حال حاضر رنگ مشکی برای حفظ زنان بهتر است، کراهت آن ثابت نیست .

- امروز یک حرکت خزنده علیه چادر، که یک حجاب ملی و سنتی است آغاز گردیده است، خواهشمندیم نظر مبارک را در این مورد مرقوم فرمایید:

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی:

سزاوار است خانم ها از چادر استفاده کنند، چون چادر در کشور اسلامی ایران از مظاهر و شعایر اسلام می باشد، و با حفظ این شعار سعی کنند بانوان محترم، حرکت مورد سؤال را خنثی کنند.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی:

چادر بهترین پوشش برای خانم ها است، چون تمامی مفاتن بدن را می پوشاند. خانم های مسلمان باید آداب و سنن اسلامی را در لباس پوشیدن مراعات کنند و از تجدد گرایی مضر پرهیز کنند.

حضرت آیت الله بهجت:

چادر حجاب پسندیده است.

حضرت آیت الله سیستانی:

چادر حجاب برتر است و سزاوار نیست زن های مؤمن بدون چادر خارج شوند.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

حجاب یکی از قوانین مسلم اسلام است و اساس آن پوشاندن بدن و موها غیر از صورت و دست ها تا مچ است، ولی بی شک چادر حجاب برتر است.

حضرت آیت الله تبریزی:

پوشیدن بدن بر زن واجب، و بهترین نوع پوشش واجب، همان چادر مشکی است که زن های مؤمنه خود را با آن می پوشانند.

- **نظر جناب عالی در مورد پوشیدن لباس هایی که عکس یا علامت مربوط به کشورهای غربی بر روی آن نقش بسته است چیست؟**

حضرت آیت الله خامنه ای:

استفاده از این گونه لباس ها که ترویج فرهنگ غیر مسلمین مهاجم بر مسلمین است، اشکال دارد.

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی:

بهتر است از این نوع لباس استفاده نکنند.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی:

مسلمین از این گونه لباس ها استفاده نکنند.

حضرت آیت الله تبریزی:

برای مؤمن سزاوار نیست لباسی بپوشد که او را از زیّ مؤمنین خارج کند.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

هرگاه سبب ترویج فرهنگ بیگانگان گردد، اشکال دارد.

- **برخورد زن همراه با چهره ی خندان و متبسم با مردان نامحرم هنگام خرید از مغازه ها و سایر برخوردها چه صورت دارد؟ خندیدن زنان و دختران با صدای بلند در خیابان و یا انجام برخی حرکات دیگر که موجب جلب توجه نامحرمان می شود چگونه است؟**

حضرت آیت الله خامنه ای:

صحبت کردن و خندیدن با نامحرم اگر موجب مفسده باشد جایز نیست، از هر کاری که موجب جلب توجه نامحرم می شود باید پرهیز نمود.

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی:

به طور کلی دختران و زنان باید در مقابل مردان نامحرم به نحوی لباس بپوشند و راه بروند و صحبت کنند که موجب توجه و نگاه سوء و تهییج مردان نشوند و اگر کردند گناه بزرگ است.

حضرت آیت الله بهجت:

هر کاری که معرضیت ریه و یا فتنه در آن است جایز نیست .

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

اشکال دارد و هنگام ضرورت نباید از مکالمات عادی تجاوز کنند، بهتر است زنان و دختران مسلمان از این گونه کارها بپرهیزند و اگر منشأ فسادی شود جایز نیست .

حضرت آیت الله تبریزی:

اگر از روی التفات کاری که موجب جلب نظر اجانب شود انجام دهند اشکال دارد و زن عقیف این کار را نمی کند بلکه اگر معرض تهییج شهوت برای یکی از طرفین باشد حرام است.

حضرت آیت الله صافی:

مخالف نص قرآن است. (وَلَا يَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ) جایز نیست.

- برخی در مورد مسائل زنان اظهار نظرهای نامناسبی را ابراز می کنند مانند بحث دوچرخه سواری یا ورزش بانوان یا در مورد حجاب اظهار می دارند که به نظر ما، کت و دامن جهت حجاب کفایت می کند. نظر حضرت عالی در این زمینه ها چیست؟

حضرت آیت الله خامنه ای:

اظهار نظر در مسائل دینی و احکام شرعی بر کسانی که صاحب نظر نیستند جایز نیست و بر مؤمنین واجب است در تمام احکام دینی به مراجع بزرگوار تقلید و اسلام شناسان مورد وثوق و اعتماد مراجعه نمایند،

حضرت آیت الله تبریزی:

ترویج اموری که مبدأ نشر فساد در جامعه یا بی عفتی زنان و دختران شود جایز نیست؛ و پوشیدن لباسی که تمام حجم بدن آنان را نشان دهد که لباس زینت حساب بشود، کفایت نمی کند.

حضرت آیت الله صافی:

امروز مذکوره معرضیت برای مفسده دارد، بانوان باید جداً از آن پرهیز کنند.

حضرت آیت الله بهجت:

هر چه باعث فتنه و فساد باشد اشکال دارد.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

هر چه موجب اشاعه ی مفسد اخلاقی گردد حرام است.

- برخی از مادران، فرزندان دختر خود را که به بلوغ شرعی نرسیده اند، با سر و پای برهنه در خیابان ها مجالس در حضور نامحرمان می آورند، مستدعی است وظیفه والدین را در قبال فرزندان خود بیان فرمایید و این بی اعتنایی چه صورت دارد؟

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی:

بر پدر و مادر است که فرزندان خود را با آداب و رسوم اسلامی و وظایف شرعی آشنا کنند و چنان چه موارد مذکور موجب تهییج و مفسده شود، اگر چه بچه ممیز نباشد، باید آن را بپوشانند و حفظ کنند تا جامعه آلوده و بی بند و بار نشود.

حضرت آیت الله سیستانی:

بر غیر بالغ پوشیدن واجب نیست، ولی پدر و مادر لازم است فرزندان خود را به رعایت آداب و شئون اسلامی وادار نمایند و در تربیت صحیح شرعی آنان بکوشند.

حضرت آیت الله بهجت:

تمرین اطفال بر وظایف شرعیه بر عهده ی والدین است.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی:

کار صحیحی نیست و والدین موظف اند دختر خود را از کودکی به رعایت حجاب و گریز از نامحرم عادت دهند و اگر در این امر مسامحه کنند و دختر را نسبت به نامحرم بی تفاوت نمایند، شریک در معاصی دختر هستند. در حدیث وارد شده است که در مجلسی که حضرت رضا (ع) تشریف داشتند و عده ای نیز حضور داشتند، دختر بچه ای وارد شد، حضار مجالس یکی یکی دختر را مورد نوازش قرار دادند، تا رسید به حضرت رضا (ع) آن حضرت از سن دختر سؤال کردند، گفته شد پنج سال دارد؛ حضرت آن دختر را از خود دور کرد و رفتاری که دیگران کرده بودند، نمودند، و اعمال آن بزرگوار باید برای زن مسلمان سرمشق باشد.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

بر پدر و مادر لازم است فرزندان خود را به مسائل اسلامی از طفولیت آشنا کنند.

حضرت آیت الله تبریزی:

پوشش بر دختران نابالغ واجب نیست، لکن وظیفه ی والدین است که دخترانشان را به پوشش اسلامی عادت دهند و فرزندانیشان را با احکام اسلامی تربیت کنند.

- در صورتی که زن می داند مرد نامحرم به قصد لذت به صورت و دست های معمولی زینت نشده ی او نگاه می کند، در این فرض پوشاندن صورت و دست ها لازم است یا نه؟

حضرت آیت الله خامنه ای:

در فرض مذکور باید حتی وجه و کفین خود را هم بپوشاند.

حضرت آیت الله تبریزی:

بلی در این صورت بنا بر احتیاط پوشاندن لازم است.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی:

دست و صورت بنا بر احتیاط باید پوشیده شود.

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی:

بلی، پوشاندن آن لازم است.

حضرت آیت الله بهجت:

پوشاندن دست و صورت مطلقاً بنا بر احتیاط لازم است.

- حضور زنان در کوچه و بازار بدون وجود ضرورت و سر و کار داشتن بیش از حد با نامحرمان چگونه است؟

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی:

مناسب نیست؛ بلکه در بعضی موارد جایز نیست.

حضرت آیت الله تبریزی:

مقتضای عفت آن است که از صحبت با نامحرم در غیر موارد حاجت پرهیز نماید و نیز در کوچه و بازار، در صورتی که در معرض نگاه نامحرم باشد، به غیر از مقدار حاجت و ضرورت مکث ننماید.

حضرت آیت الله بهجت:

جواز و عدم جواز، دایر مدار اشتغال بر حرام است.^۱

۱ - مسائل جدید از دیدگاه علماء و مراجع تقلید، ج ۱، حص ۳۸-۳۰، ۱۰۴-۱۰۱، ۱۴۵ و ۱۴۶، ۱۸۱-۱۷۹، ج ۲، ۸۶-۷۹، تنظیم سید محسن محمودی).

فهرست منابع

الف) منابع عربی

* قرآن

* نهج البلاغه

۱. آلوسی، محمود، بی تا، روح المعانی، انتشارات جهان، تهران.
۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، ۱۴۰۴ ق، شرح نهج البلاغه، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم.
۳. ابن فارس، احمد، ۱۴۱۰ ق، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبد السلام محمد هارون، مكتبة الاعلام الاسلامی، قم.
۴. ابن منظور، محمد، ۱۴۰۸ ق، لسان العرب، داراحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول.
۵. ابی داود، سلیمان بن اشعث، ۱۴۰۹ ق، سنن ابی داود، انتشارات مؤسسه الکتب الثقافیة، بیروت.
۶. انصاری، مرتضی، ۱۳۷۰ ش، المکاسب، چاپ اطلاعات، تبریز، چاپ اول.
۷. بحر العلوم، محمد بن محمد تقی، ۱۴۰۳ ه، بلغة اللقیه، مكتبة الصادق، تهران.
۸. بخاری، محمد بن اسماعیل، بی تا، صحیح البخاری، دارالمعرفه، بیروت.
۹. پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۵ ش، نهج الفصاحة، انتشارات خاتم الانبیاء، اصفهان، چاپ چهارم.
۱۰. جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۷، الصحاح، دارالعلم الملايين، بیروت، چاپ چهارم.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۳۹۱ ق، وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعة، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ چهارم.
۱۲. حلی، حسن بن یوسف (علامه)، ۱۴۱۰ ق، قواعد الاحکام، چاپ شده در سلسله الینابیع الفقهیة، مؤسسه فقه شیعه، بیروت، جلد ۱۹، چاپ اول.
۱۳. _____، ۱۴۱۴ ق، تذکره الفقها، مؤسسه آل البيت «ع»، قم.
۱۴. _____، بی تا، تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه، مؤسسه آل البيت، قم.

۱۵. _____، ۱۴۱۰ ق، ارشاد الأذهان، چاپ شده در سلسله الینابیع الفقهیه، مروارید، علی اصغر، مؤسسه فقه شیعه، بیروت، جلد ۲۷، چاپ اول.
۱۶. خراسانی، محمد کاظم، ۱۴۰۶ ق، حاشیه کتاب المکاسب، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۰۴، المفردات القرآن، دفتر نشر کتاب، تهران.
۱۸. سیفی مازندرانی، علی اکبر، ۱۳۷۵، دلیل تحریر الوسیله، احکام الستر و النظر الامام الخمینی، مؤسسه تنظیم و نشر، آثار امام خمینی، تهران.
۱۹. سیوری، جمال الدین، مقداد بن عبدالله (فاضل مقداد) ۱۳۸۰، کنز العرفان فی فقه القرآن، مؤسسه النشر الاسلامی، قم.
۲۰. سیوطی، عبد الرحمان جلال الدین، ۱۴۰۳ ق، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، دار الفکر، بیروت، چاپ اول.
۲۱. شعبه حرّانی، ابومحمد الحسن، ۱۴۰۰ ق، تحف العقول، انتشارات اسلامی، تهران.
۲۲. شیبانی، احمد بن محمد، ۱۴۱۴ ه.ق.، مسند احمد، انتشارات دار الفکر، بیروت، چاپ دوم.
۲۳. صدوق، ابن بابویه، ۱۴۱۰، من لا یحضره الفقیه، تصحیح علی اکبر الغفاری، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، قم.
۲۴. صدوق، علی بن بابویه، ۱۳۶۸، ثواب الأعمال، منشورات رضی، قم، چاپ دوم.
۲۵. صدوق، محمد بن علی، ۱۳۷۸ ق، عیون اخبار الرضا، انتشارات جهان، تهران.
۲۶. طباطبایی، سید علی، ۱۴۱۰ ه.ق.، ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل، مؤسسه آل البيت، قم.
۲۷. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۹۲ ق، المیزان، مؤسسه انتشاراتی اسماعیلیان، تهران، چاپ سوم.
۲۸. طباطبایی حکیم، سید محسن، بی تا، مستمسک عروه الوثقی، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت.
۲۹. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، ۱۳۷۶ ش، حاشیه المکاسب، دارالعلم، قم.

۳۰. _____، ۱۰۴۹ ق ، عروۃ الوثقی ، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ دوم.
۳۱. طبرسی ، فضل بن حسن ، ۱۴۱۵ ق ، مجمع البیان ، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات ، بیروت.
۳۲. طبرسی ، ابی منصور احمد بن علی ، ۱۴۰۳ ق ، الاحتجاج ، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت.
۳۳. طبری ، محمد بن جریر، ۱۴۱۵ ق ، جامع البیان عن تأویلات القرآن ، دارالفکر ، بیروت.
۳۴. طریحی ، فخرالدین ، ۱۳۶۲ ، مجمع البحرین ، تحقیق سید احمد حسینی ، انتشارات مرتضوی ، تهران، چاپ دوم.
۳۵. طوسی ، محمد بن حسن ، ۱۴۰۹، التبیان فی تفسیر القرآن ، مطبعۃ الاعلام الاسلامی، بیروت، چاپ اول.
۳۶. _____، ۱۳۸۸ ق ، المبسوط ، المطبعۃ الحیدریه ، تهران، چاپ دوم.
۳۷. عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، ۱۴۱۳، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام ، مؤسسه معارف اسلامی، قم.
۳۸. عاملی، محمد بن مکی (شهید اول)، ۱۴۱۱ ه ق ، اللعمۃ الدمشقیه، یلدا، تهران.
۳۹. عروسی حویزی، علی بن جمعه، ۱۴۱۲ق، تفسیر نورالثقلین، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، مؤسسه اسماعیلیان، قم، چاپ چهارم.
۴۰. فخر المحققین، محمد بن علامه حلی، ۱۳۸۹ ق ، ایضاح الفوائد ، اسماعیلیان ، قم، چاپ اول.
۴۱. فیض کاشانی، ملامحسن ، ۱۴۱۶ ق ، تفسیر الصافی ، مؤسسه الهادی ، قم، چاپ دوم.
۴۲. قرشی ، سیدعلی اکبر ، ۱۴۱۲ ق ، قاموس قرآن ، دارالکتب الاسلامیه ، تهران، چاپ ششم.
۴۳. قرطبی ، محمد بن احمد ، ۱۴۰۵ ، الجامع الاحکام القرآن ، داراحیاء التراث العربی ، بیروت .
۴۴. قمی، علی بن ابراهیم ، ۱۳۷۸ ، تفسیر قمی ، تصحیح و تعلیق سید طیب موسوی جزائری ، نجف.
۴۵. قمی، عباس ، بی تا ، سفینه البحار ، دارالمرتضی ، بیروت.
۴۶. _____، ۱۴۰۵ ، ترجمه نفس الهموم ، مکتبه بصیرتی ، قم.
۴۷. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵ ش، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم.
۴۸. _____، فروع الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم.

۴۹. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳، بحار الانوار، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم.
۵۰. محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن، ۱۳۷۴ ش، شرایع الاسلام، انتشارات علمی، تهران، چاپ دوم.
۵۱. محقق کرکی، علی بن الحسین، ۱۴۰۸ هـ، جامع المقاصد فی شرح القواعد، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، قم، چاپ اول.
۵۲. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۷۹ ش، میزان الحکمه، دارالحدیث، قم، چاپ اول.
۵۳. مزار، مکیه، ۱۴۱۰ ق، مشکلات المرأة المعاصره، انتشارات دارالمجتمع، مکه مکرمه.
۵۴. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰ ش، التحقيق فی کلمات القرآن، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
۵۵. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، بی تا، زبده البیان فی الاحکام القرآن، تحقیق و تعلیق محمد باقر بهبودی، مکتبه المرتضویه، تهران.
۵۶. مودودی، ابوالاعلیٰ، ۱۳۷۹، تفسیر نور، نشر احسان، تهران.
۵۷. میبدی، ابوالفضل رشیدالدین، ۱۳۷۱ ش، تفسیر کشف الاسرار و عده الابرار، امیرکبیر، تهران.
- ۵۸.
۵۹. نائینی، محمد حسن، بی تا، فرائد الاصول، مؤسسه النصر، تهران.
۶۰. نجفی، محمد حسن، ۱۳۶۶ ش، جواهر الکلام، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ دوم.
۶۱. نراقی، احمد، ۱۳۲۶، معراج السعاده، انتشارات دهقان، تهران.
۶۲. نوری، میرزا حسن، ۱۴۰۹ ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت الاحیاء التراث، بیروت.

ب) منابع فارسی

۶۳. ابر کرامی، نیکلاس و همکاران، ۱۳۶۷، فرهنگ جامعه شناسی، ترجمه حسن پریان، انتشارات چاپخش، تهران.
۶۴. احمدی، فخری، ۱۳۸۳ ش، شهروندی و مشارکت مدنی، بررسی تأثیر آگاهی شهروندی در شهر، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه الزهرا.
۶۵. اصفهانی، محمدحسین، ۱۳۷۵، حاشیه کتاب المکاسب، قم، چاپ اول.
۶۶. امامی، حسن، ۱۳۴۲ ش، حقوق مدنی، انتشارات کتابفروشی اسلامیة، تهران، چاپ دوم
۶۷. پاک نژاد، سید رضا، ۱۳۶۵، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، انتشارات فرهنگی شهید پاک نژاد، یزد.
۶۸. پولاک، یاکوب، ادوارد، ۱۳۶۸، سفرنامه پولاک در ایران و ایرانیان، کیکاووس جهانداری، انتشارات خوارزمی، تهران
۶۹. جر، خلیل، ۱۳۷۶ ش، فرهنگ لاروس، سید حمید طیبیان، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ هفتم.
۷۰. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۸۲، ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، تهران، چاپ سیزدهم.
۷۱. جعفریان، رسول، ۱۴۲۸ ه. ق، رسائل حجابیه، انتشارات دلیل، قم، چاپ اول.
۷۲. جوادی آملی، عبدالله، ۱۴۰۳ ق، زن در آینه جلال و جمال، فرهنگ رجا، تهران.
۷۳. جهانگیر، صدر، ۱۳۸۲، قانون مجازات اسلامی، نشر دیدار، تهران، چاپ هیجدهم.
۷۴. چیت ساز، محمدرضا، ۱۳۷۹، تاریخ پوشاک ایرانیان از ابتدای اسلام تا حمله مغول، مرکز تحقیقات صدا و سیما با همکاری انتشارات سمت، تهران، چاپ اول.
۷۵. حاجی پور، رضا، ۱۳۸۹، آموزش شهروندی، انتشارات فرهنگ سبز تهران، چاپ اول.
۷۶. حجتی اشرفی، غلامرضا، ۱۳۸۱، مجموعه قوانین اساسی - مدنی، کتابخانه گنج دانش، تهران، چاپ هفتم.
۷۷. حداد عادل، غلامعلی، ۱۳۶۳، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، انتشارات سروش، تهران.
۷۸. خامنه ای، سید علی، بی تا، فرهنگ و تهاجم فرهنگی، انتشارات سازمان مدارک انقلاب اسلامی، تهران.
۷۹. خمینی، روح الله، ۱۳۸۲، استفتائات، دفتر انتشارات اسلامی، قم.

۸۰. خمینی، روح الله، ۱۳۷۸، صحیفه امام، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران
۸۱. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت نامه، دانشگاه تهران، تهران، چاپ دوم.
۸۲. راسل، برتراند، ۱۳۵۵، زناشویی و اخلاق، مهدی افشار، انتشارات کاویان، تهران
۸۳. رجبی، عباس، ۱۳۸۶، حجاب و نقش آن در سلامت روان، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی «ره» قم، چاپ سوم.
۸۴. روحانی، شهریار، ۱۳۶۹، آیا حجاب ضرورت دارد، نشر اشراقیه، تهران.
۸۵. زراعت، عباس، ۱۳۸۲، شرح قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات)، انتشارات ققنوس، تهران، چاپ اول.
۸۶. سجادی، سید جعفر، ۱۳۶۵، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، تهران، چاپ اول.
۸۷. عاملی، سعید رضا، ۱۳۸۷، ارتباط بین فرهنگی و گفتمان حقوقی - آموزش، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۴.
۸۸. علویقی، علی اکبر، ۱۳۵۷، زن در آئینه تاریخ، انتشارات شرکت چاپ، تهران
۸۹. عمید، حسن، ۱۳۷۶ ش، انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ یازدهم.
۹۰. عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۸۶، فقه سیاسی (حقوق سیاسی و مبانی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)، انتشارات امیر کبیر، تهران.
۹۱. غلامی، یوسف، ۱۳۸۵، جلوه هایی زنان و نگاه مردان، انتشارات لاهیجی، قم، چاپ سوم.
۹۲. فالکس، کیث، ۱۳۸۱، شهروندی، ترجمه محمدتقی دلفروز، انتشارات کویر، تهران.
۹۳. فتاحی زاده، فتحیه، ۱۳۷۹، حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم.
۹۴. فتحی، کوروش، ۱۳۸۵، شناسایی آسیب های تربیتی شهروندی در برنامه ریزی پنهان، فصلنامه نوآوری های آموزشی، سال پنجم، شماره ۱۷.
۹۵. قاضی، فاطمه، بی تا، گلستان ادب، قم.
۹۶. قیاسی، جلال الدین، ۱۳۷۹، روش تفسیر قوانین کیفری، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم، چاپ اول.
۹۷. قرائتی، محسن، ۱۳۸۵، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، تهران، چاپ اول

۹۸. کاتوزیان ، ناصر ، ۱۳۷۴ ش ، مقدمه علم حقوق ، انتشارات مدرس ، تهران .
۹۹. _____ ، ۱۳۶۵ ش ، فلسفه حقوق ، انتشارات بهنشر ، چاپ دوم .
۱۰۰. کاشانی، مجید ، ۱۳۸۶ ش ، بررسی تاریخی و جامعه شناسی حجاب در ادیان الهی ، فصلنامه تخصصی بانوان شیعه، ش ۱۱، سال چهارم .
۱۰۱. کتاب مقدس، انجیل ، رساله پطرس رسول ، انجیل برنابا، فصل ۱۱۹ .
۱۰۲. کتاب مقدس، تورات، کتاب روت ، کتاب اشیاء نبی .
۱۰۳. کلانتری، علی اکبر ، ۱۳۸۹ ش ، فقه و پوشش بانوان ، بوستان کتاب ، قم ، چاپ چهارم .
۱۰۴. کهن، آبراهام، ۱۳۵۰ ش ، گنجینه ای از تلمود ، امیر فریدون گرگانی ، انتشارات یهودا ، تهران .
۱۰۵. گرجی، ابوالقاسم، ۱۳۷۶ ش ، رابطه فقه و حقوق ، همایش حقوقی ، مجتمع آموزشی عالی، قم.
۱۰۶. گلدوزیان، ایرج، ۱۳۸۲ ش، محشای قانون مجازات اسلامی ، مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، چاپ اول.
۱۰۷. محقق داماد، مصطفی، ۱۳۷۶، بررسی فقه و حقوق، همایش حقوقی مجتمع آموزشی عالی، قم
۱۰۸. _____ ، ۱۳۷۷ ش ، قواعد فقه (بخش جزایی)، مرکز نشر علوم اسلامی ، تهران.
۱۰۹. محمدی آشنایی ، علی ، ۱۳۷۸ ش ، حجاب در ادیان الهی ، انتشارات یاقوت ، قم .
۱۱۰. محمدی اشتهاردی، محمد ، ۱۳۶۹ ش ، پوشش زن در اسلام ، کانون انتشارات ناصر ، قم .
۱۱۱. محمدی اشتهاردی، محمد، بی تا، حجاب بیانگر شخصیت زن، انتشارات ناصر، قم، چاپ اول.
۱۱۲. محمدی، علی، ۱۳۷۴، فلسفه حجاب وزیان های بی حجابی، انتشارات ارم، قم، چاپ چهارم.
۱۱۳. محمودی ، سید محسن ، ۱۳۸۰ ، مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع جدید ، ورامین ، انتشارات علمی و فرهنگی صاحب الزمان ، چاپ ششم .
۱۱۴. مسجد سرایی، حمید، ۱۳۸۹، مقاله جرم بی حجابی و بررسی تنگناهای قانونی آن، همایش ملی حجاب و عفاف، دانشگاه سمنان.
۱۱۵. مطهری، مرتضی ، ۱۳۸۸ ش ، مسئله حجاب ، صدرا ، قم ، چاپ هشتاد و پنجم .
۱۱۶. معصومی ، سید مسعود ، ۱۳۷۳ ، احکام روابط زن و مرد ، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی ، قم .
۱۱۷. معین ، محمد، ۱۳۷۹ ش، فرهنگ فارسی معین ، انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ یازدهم .
۱۱۸. معین الاسلام، مریم ، ۱۳۸۴ ، زنان در برنامه های تربیتی اسلام، انتشارات بیت الاحزان، قم.
۱۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۶ ، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه ، تهران، چاپ شانزدهم .

۱۲۰. موحد، محمد علی، ۱۳۸۱، در ندای حق و عدالت، نشر کارخانه، تهران.
۱۲۱. مونتسکیو، ۱۳۶۲ ش، روح القوانین، علی اکبر مهتدی، انتشارات امیر کبیر، تهران.
۱۲۲. مهدی زاده حسین، ۱۳۸۷، پرسیمان حجاب، انتشارات صهبای قم، چاپ سوم.
۱۲۳. مهر محمدی، محمود، ۱۳۷۷ ش، آموزش و پرورش و جامعه مدنی، مجله پژوهشهای تربیتی، شماره ۳.
۱۲۴. مهرپور، حسین، ۱۳۷۷، نظام بین الملل حقوق بشر، انتشارات اطلاعات، تهران، چاپ اول.
۱۲۵. وردی نژاد، فریدون، ۱۳۷۷، قانون اساسی و حقوق شهروندان، مجموعه مقالات جمهوری و انقلاب اسلامی، بی جا، تهران.
۱۲۶. ویل، دورانت، ۱۳۶۹ ش، لذات فلسفه، عباس زریاب، انتشارات سازمان و انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، تهران.
۱۲۷. _____، ۱۳۷۰ ش، تاریخ تمدن، احمد آرام و همکاران، انتشارات آموزش و انقلاب اسلامی، تهران، چاپ سوم.
۱۲۸. هاشمی رکوندی، مجتبی، ۱۳۷۸، روانشناسی زن، انتشارات شفق، قم، چاپ سوم.
۱۲۹. ونی شیلت و دیگران، ۱۳۸۶، فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ترجمه معصومه محمدی و دیگران، دفتر نشر معارف تهران.

* پایگاه اینترنتی: www.women.iran.org

Abstract:

One of the important issues of human communities is the issues of veil and cover that is in grant orders of Islam. In emamieh jurisprudence in introducing veil, it is congregated that veil means that all of the woman body except face and hands are sex port and woman should cover it from UN familiar and virginity is an internal and sensual that adjust and control the instinct.

Citizenship rights is a combination of duties and responsibility of Citizens in front of each other and is an accepted issue in our juries prodigal legal debate that combines with the issue of human dignity. That is important principle prevents human from doing sin and offences to others rights.

The important issue is that what the position of veil and virginity in Citizenship rights? So our purpose of this research is surveying of this relation and proving the necessity of veil and virginity as one of the Citizenship rights.

The writer in this research except stating the veil history, the secret of difference between men and women's cover and veil philosophy in Islam, by documenting verses and clergies, surreys the necessity of veil and virginity as one of important columns of Citizenship rights and it's role in preservation of social security and mental health of society. Than by introducing the Citizenship rights and it's parameters, not regarding veil and virginity are considered as reversal of Citizenship rights because of destroying effects of non veiling and in the next issue, being the law or order of veil has been surveyed.

Next, the clause of article ۶۳& of Islamic crime law that is the legal main part of crime is not regarding the Islamic veil, has been surveyed. Than by citing examples from innocents in behaving with non veiling, the necessity of extracting legal obligations from moral obligations, culturing and characterizing the veil and in family and society are suggested.

Key words: veil, virginity, right, citizenship rights, non veiling.